



ارگان رسمی سندیکای شرکت‌های ساختمانی ایران

PAYAM-E-ABADGARAN

Syndicate Of Iran Construction Companies Monthly Magazine

۳۳۳

سال ۳۲ | مردادماه ۱۳۹۴ | شماره ۳۳۳ دوره جدید ۱۰۳ | قیمت ۲۰۰۰۰ ریال | No. 333, Moradad 1394 (August . 2015)

بایدها و نبایدهای دوران کم‌آبی در کشور

کارشناسان در نشست تخصصی بحران آب و مسئولیت‌های مدنی تبیین کردند



اتاق فرمان بخش خصوصی
برای پول‌های خارجی

ردپای مجوزهای تکلیفی
برای چاه‌های غیرمجاز

اولویت‌های سیاستگذاری
در دوران پساتوافق

صاحب امتیاز: سندیکای شرکت‌های ساختمانی ایران
 مدیرمسئول: مهندس جواد خوانساری

فهرست مطالب

- شورای سیاست‌گذاری:
- مهندس منوچهر ملکینانی فرد (رئیس هیات مدیره)
 - مهندس بهمن دادمان (دبیر)
 - مهندس مهندس جواد خوانساری (مدیرمسئول)
 - مهندس سالار علیاری (خزانه‌دار)
 - دکتر ایرج گلابتونچی (عضو هیات مدیره)
- رئیس کمیسیون انتشارات: ● مهندس علی ورزنده
 سردبیر: ● مهندس محمود مصطفی‌زاده
- کمیسیون انتشارات و تحریریه:
- مهندس علی ورزنده (رئیس کمیسیون انتشارات)
 - مهندس کاظم سماک (رئیس کمیسیون اقتصاد)
 - مهندس عبدالمجید سجادی (رئیس کمیسیون روابط عمومی)
 - دکتر ایرج گلابتونچی (رئیس کمیسیون فنی)
 - مهندس محمود مصطفی‌زاده (سردبیر)

- سرمقاله: عبرت‌های برنامه پنجم توسعه و الزامات برنامه ششم
- مسأله کمیود آب و بحران محیط زیست را جدی بگیریم
- ردپای مجوزهای تکلیفی برای چاه‌های غیرمجاز
- ارزش یک چاه ۲/۵ برابر زمین ۲ هزار متری در شهریار
- حضور شرکت کیسون در جمع صد پیمانکار برتر بین‌المللی صنعت ساخت و ساز جهان
- دستورالعمل شماره ۴۱ روابط کار
- بررسی بخشنامه ماده ۱۶۹ قانون مالیات‌های مستقیم
- درخواست اصلاح تاریخ تعلق و ماخذ محاسبه مالیات پیمانکاری
- خروج از سه توقفگاه اقتصادی
- افاق فرمان بخش خصوصی برای پولهای خارجی
- ایمنی ماشین‌آلات در پروژه‌های عمرانی
- اولویتهای سیاستگذاری در دوران پساتوافق
- اولویتهای اقتصادی پساتحریم
- راهکار سریع خروج از رکود اقتصادی
- پاکرد
- چگونه اخراج یک کارمند را به او اطلاع دهیم؟
- زیباترین پلهای سنگی دنیا
- ایران، سرزمین «ترین»‌های تاریخی و گردشگری
- یاد ادب

همکاران این شماره:

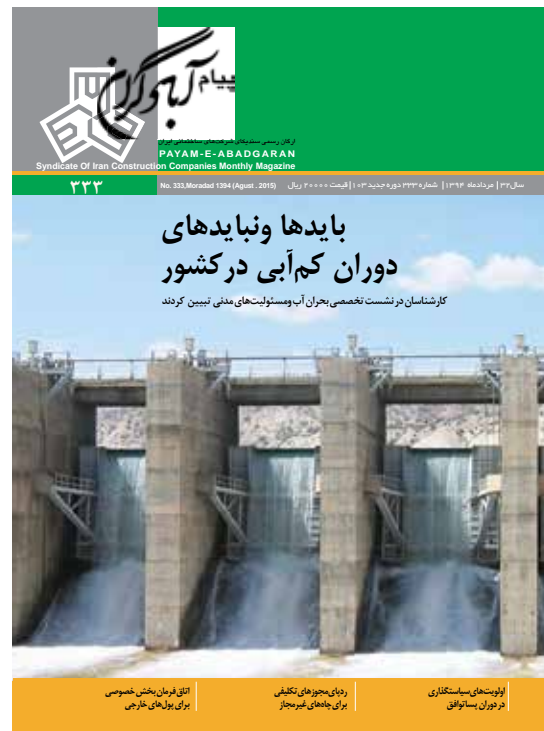
- دکتر غلامرضا علی‌زاده
- مهندس پرهام سیدین

حروفچینی، امور بازرگانی و اشتراک: فریبا پور آقا
 خبرنگار: آرزو نوری
 عکس و صفحه‌آرایی: داود خانی
 امور آگهی‌ها: شقایق خواجه‌نصیری

لیتوگرافی و چاپ: پیمان نواندیش (۸۸۸۲۸۷۳۴)

نشانی:

تهران، خیابان طالقانی، بین میدان فلسطین و خیابان ولیعصر،
 خیابان شهید برادران مظفر (صبای جنوبی)، شماره ۸۶،
 ک.پ: ۱۴۱۶۹۶۴۹۱
 تلفن: ۶۶۴۶۴۲۶۱ - ۶۶۴۰۲۰۳۷ فکس: ۶۶۴۶۴۰۸۴
 پست الکترونیکی: payam.abadgaran@acco.ir
 نشانی الکترونیکی: www.acco.ir



نوشته‌های نویسندگان، لزوماً نظرات نشریه نیست. نقل مطالب نشریه فقط با ذکر ماخذ مجاز است.

کمیسیون انتشارات در رد یا قبول مقالات ارسالی مختار می‌باشد و در ویرایش علمی، ادبی و خلاصه‌سازی آن مجاز است. در ضمن مقالات ارسالی عودت داده نمی‌شود



عبرت‌های برنامه پنجم توسعه و الزامات برنامه ششم

دولت یازدهم در میانه راه برنامه پنجم زمام امور اجرایی را به دست گرفته است بدون اینکه در تبیین و تعیین اهداف و تجهیز منابع برنامه نقش داشته باشد، با این وجود تلاش نموده راهبردها و اهداف برنامه را با منابع اندک در دسترس پیش ببرد.

نتایج برنامه پنجم (و به ویژه سال آخر برنامه یعنی سال ۹۴) هر آنچه هست باید در یک رویکرد علمی (بدون هیچ تعصب و سیاه‌نمایی غیرعلمی) مورد مذاقه و هم‌اندیشی کارشناسان ذیربط بخش دولتی و خصوصی قرار گیرد تا بتوان نتایج آن را در اصلاح رویکردها، اهداف و نقشه راه برنامه ششم مورد استفاده قرار داد. در این میان سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی در مأموریت تازه خود نقش محوری و ستادی دارد.

بخش خصوصی به ویژه صنعت احداث بر آنست تا در استمرار هم‌اندیشی و همکاری تنگاتنگ با دولت محترم یازدهم و به‌رغم همه چالش‌ها، نتایج بررسی‌های کارشناسی خود را از طریق اتاق بازرگانی، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، برگزاری همایش‌ها و اظهار نظر رسانه‌ای با دولتمردان در میان بگذارد. از این رو تاکید می‌کنیم که؛

اولاً تنظیم برنامه‌های توسعه اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی کشور، آنهم برای مقاطع میان‌مدت و درازمدت خود یک برنامه است.

برنامه‌های توسعه که برمبنای افق چشم‌انداز، آرمان‌ها و راهبردهای ملی و یک نقشه راه تنظیم می‌شود نیاز به منابع نیروی انسانی خبره، اطلاعات صحیح، آمار قابل اعتماد، فناوری جدید، تجزیه و تحلیل علمی منابع مالی دارد. این رسالت و مأموریت در کشور

ما به سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی محول گردیده است که در جایگاه دولتی و حاکمیتی پس از سالها رکود نیاز به تجدید ساختار و تجهیز نرم‌افزاری و سخت‌افزاری دارد تا بتواند کیفیت برنامه‌ریزی را به سطح مطلوب ارتقاء دهد. وسعت و اهمیت برنامه‌ریزی توسعه ایجاد می‌کند که برنامه‌ریزی‌ها در سطوح مشخص تعریف شود و نقش سازمان مدیریت در این میان عمدتاً باید راهبردی، ستادی و نظارتی باشد نه عملیاتی. به عبارت دیگر، ورود به مراحل اجرایی فراگیر، این سازمان را نه تنها از نقش مدیریتی خود باز خواهد داشت بلکه به سیستمی متمرکز، ناکارا و گسترده تبدیل خواهد نمود که بدون بهره‌گیری از مشارکت جمعی و توانایی‌های اجتماعی و اقتصادی و مالی گروهی، امکان موفقیت برنامه‌ها را سلب

برنامه‌ریزی غیرکارشناسی در دستگاه‌های اجرایی، نبود شفافیت و دقت در انتشار آمار و اطلاعات مورد نیاز مردم و فعالان بخش‌های مختلف اقتصادی، بی‌توجهی یا کم‌توجهی به منابع کارشناسی حرفه‌ای در بخش خصوصی، باعث شده که دولت مرتبط با برنامه پنجم نتواند به شعارهای عدالت اجتماعی جامعه عمل بپوشاند



خواهد نمود. سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی باید سازمانی خبره، ستادی و صرفاً برنامه‌ریز با ابزارهای کنترلی و نظارتی باشد.

ثانیاً) برنامه‌ریزی توسعه یک برنامه راهبردی است که کلیه توانایی‌ها، فرصت‌ها، ضعف‌ها و تهدیدهای درونی (کشوری) و بیرونی (جهانی) را دقیقاً در افق برنامه‌ریزی و در ترسیم نقشه استراتژیک به سمت اهداف قابل دسترس هدایت می‌نماید. برنامه راهبردی توسعه برنامه‌ای است واقع‌گرا و نتیجه‌گرا، نه آرمانی و شعاری. برنامه‌ای است در جهت منافع ملی، توسعه و در عین حال تأمین رفاه اکثریت جامعه ایرانی، برنامه‌ای است با تجمیع کلیه منابع و با شرکت همه اقشار و منابع ملی و نه متمرکز دولتی.

بدین منظور اطلاعات، آمار و فناوری اطلاعات نقش کلیدی در دقت برنامه‌ریزی دارند و نیروی انسانی متخصص و تحلیل‌گر آن را در یک سیستم تعریف شده مدیریتی پویا بکار می‌برد. بنابراین برنامه‌ریزی راهبردی توسعه، فرآیندی دانش‌محور است. آخرین تکنیک‌های مدرن و جهانی را با منابع شناخته شده و قابل حصول تلفیق و در سیستم کنترلی خود بازخوردهای برنامه را به طور مستمر با در نظر گرفتن آمایش سرزمینی رصد کرده و در اصلاح روش‌ها و برنامه‌های اجرایی منظور می‌نماید.

و اما در یک نگاه کلی می‌توان نکات ذیل را در ارزیابی برنامه پنجم به شرح ذیل ذکر کرد: الف - برنامه‌ریزی راهبردی برنامه ششم توسعه، برگرفته از بررسی و تحلیل برنامه‌های قبلی توسعه به ویژه برنامه پنجم توسعه و به طور خاص مقطع سال آخر آن یعنی سال ۹۴ است از این رو نتایج این ارزیابی‌ها و درک

بازخوردهای آن برنامه ها بر اقتصاد کشور می‌تواند راهگشای تنظیم برنامه ششم توسعه به شکل مطلوب تر و کارآمد تر و اثر بخش تر باشد. بنابراین برای هر گونه فهم دقیق از اهداف برنامه های برنامه ششم توسعه باید رویکرد ها و اهداف برنامه پنجم را بازخوانی کرد، بر این اساس لازم است اشاره شود که رویکردها و اهداف برنامه پنجم توسعه منتهی به آخر سال ۹۴ بشرح زیر بوده است:

• از لحاظ اقتصادی حصول به رشد ۸ درصدی در انتهای سال برنامه یعنی سال ۹۴

• مبارزه با بیکاری و رسانیدن سقف آن به ارقامی زیر ده درصد از طریق گسترش و ارتقاء تولید و ایجاد اشتغال

• گسترش ابعاد و جایگاه پژوهش علمی به سه درصد کل تولید ناخالص داخلی

• ارتقاء قانون گزایی، مسئولیت پذیری، مبارزه با فساد اداری، پالایش فرهنگی

• اجرای قوانین بهبود فضای کسب و کار و ایجاد فضای رقابتی و رفع موانع تولید

• اجرای قوانین حمایتی بخش خصوصی به منظور ارتقاء نظام تولید

• حذف اقتصاد رانتی و زیرزمینی و بهبود نظام مالیاتی ناشی از رانتها

• تشکیل صندوق توسعه ملی و واريز اولیه ۲۰٪ و پیش‌بینی افزایش سالانه ۳٪ از درآمدهای نفت و گاز و رساندن آن به ۳۲ درصد در پایان برنامه پنجم.

حال آنکه نتایج اجرای برنامه پنجم بر خلاف این اهداف است. بدیهی است که عواقب رشد اقتصادی منهای شش تا دو درصدی غیر از رکود عمیق تر، رشد تورم، افزایش بیکاری، گسترش خط فقر، مهمتر از همه توسعه فساد اداری و جذابیت بیشتر رانت و رشد بیشتر بخش شبه‌دولتی در مقابل بخش خصوصی نمی‌تواند باشد. بنابراین اغراق نیست که معتقد باشیم هر آنچه از اجرای برنامه پنجم به دست آمده قرابتی با اهداف و رویکردهای آرمانی این برنامه ندارد. البته در دلایل این ناکامی چند دسته علت را می‌توان برشمرد. در یک آسیب شناسی درونی و بدون در نظر داشتن تاثیرات دیپلماسی

بخش خصوصی انگیزه و تمایل زیادی برای در اختیار قرار دادن توان و ظرفیت خود برای توسعه کشور دارند و امید است که در دولت یازدهم که به مشورت و مشارکت نخبگان و بخش خصوصی افتخار می‌کند، از این حلقه توانمند غفلت نشود تا برنامه ششم بر بستر واقعیت ها و ضرورت های حقیقی کشور تنظیم شود



و سیاست خارجی کشور می‌توان عوامل ذیل را جزو دلایل ناکامی در تحقق اهداف برنامه پنجم به شمار آورد.

موضوعاتی مثل برنامه‌ریزی غیرکارشناسی در دستگاه های اجرایی، نبود شفافیت و دقت در انتشار آمار و اطلاعات مورد نیاز مردم و فعالان بخش های مختلف اقتصادی، بی توجهی یا کم توجهی به منابع کارشناسی حرفه‌ای در بخش خصوصی، نبود عزم و اراده کافی در چابک‌سازی بدنه دولت، استفاده نکردن از توان و ظرفیت های بخش خصوصی و مردمی در مبارزه با فساد اداری، ضعف دولت در مقابله با پدیده رانتخواری شبه‌دولتی‌ها که شصت درصد درآمد مالیاتی کشور را می‌بلعد، همگی باعث شده که دولت مرتبط با برنامه پنجم نتواند به شعارهای عدالت اجتماعی یا توسعه برنامه جامه عمل بپوشاند. به بیان دیگر دولت تصور می‌کند بدون بهره از توان و پتانسیل مردم و بخش خصوصی می‌توان معضلات اصلی اقتصاد کشور مثل رانتخواری، فساد اقتصادی، بهره‌وری پایین، نبود شفافیت در آمارها و ... را حل و فصل کند. از این رو تغییر و اصلاح

رویکردهای برنامه پنجم در برنامه ششم بیش از هر چیز نیازمند اراده حاکمیتی در اصلاح ساختارهای فرهنگی، آموزشی، اجتماعی و تعامل با نخبگان است تا دولت بتواند در سایه سیاست‌های کلان نخبه‌گزایی و مردم‌گرایی و به اتکاء توانایی‌های مالی، تخصصی و فرهنگی آنها به حذف رانت ها و قطب های اقتصادی زیرزمینی و حذف بستر های رشد آنها نایل آید. پس از آن می‌توان به برنامه‌های گسترش عدالت اجتماعی به موازات توسعه پایدار، ایجاد فضای رقابت، رونق تولید و توسعه اقتصاد و تجارت دل بست و امید و نشاط واقعی را به فضای اجتماعی ایران بازگرداند.

سندیکای شرکتهای ساختمانی ایران امیدوار است دولت یازدهم با توجه به توافق حاصل از مذاکرات هسته‌ای با گروه ۵+۱ و رفع تحریم های ظالمانه، با بهره‌گیری از تجربیات برنامه‌های توسعه‌ای قبل از انقلاب و بعد از انقلاب، بازبینی مجدد برنامه‌های موفق و ناموفق و مخصوصاً دلایل شکست برنامه پنجم توسعه، در تنظیم برنامه ششم دقت کافی بعمل آورده و از نظرات کارشناسان خبره برنامه‌نویسی در سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی و همچنین شاغلان بخش خصوصی بهره کافی ببرد و برنامه‌ای تنظیم نماید که در پساتحریم جوابگوی نیازهای واقعی کشور بوده و آن را از وضعیت پیش‌آمده برهاند. شرط لازم برای رسیدن به این نقطه آن است که نهاد های برنامه ریز و کانون های مورد مشورت برای تنظیم برنامه ششم توسعه از توان و تجربه بخش خصوصی در راستای هم افزایی یاری بطلبند.

تجربه نشان می‌دهد بخش های مختلف بخش خصوصی انگیزه و تمایل زیادی برای در اختیار قرار دادن توان و ظرفیت خود برای توسعه کشور دارند و امید است که در دولت یازدهم که به مشورت و مشارکت نخبگان و بخش خصوصی افتخار می‌کند، از این حلقه توانمند غفلت نشود تا برنامه ششم بر بستر واقعیت ها و ضرورت های حقیقی کشور تنظیم شود و منافع عمومی و ملی تامین شود.

مسأله کمبود آب و بحران محیط زیست را جدی بگیریم

ضرورت اصلاح فرآیند حکمرانی آب در کشور

در نشست تخصصی
بحران آب و مسئولیتهای
مدنی مطرح شد



همایش «بحران آب و مسئولیت جامعه مدنی» یکشنبه ۱۱ مرداد در سالن اجتماعات سندیکای شرکتهای ساختمانی با حضور کارشناسان و مسئولان دولتی و فعالان بخش خصوصی برگزار شد و طی آن صاحب نظران از ارگان مختلف دولتی و غیر دولتی بحران آب را از دیدگاههای مختلف بررسی کردند.



پیام آبادگران
مرداد ۱۳۹۴
شماره ۳۳۳

همایش با سخنان مهندس محمد عطاردیان نماینده کارفرمایی ایران، از کانون عالی انجمن های صنفی کارفرمایی ایران در سازمان بین المللی کار در ایران آغاز شد. در این نشست بحران آب را مساله ای جدی و فراگیر در کشور دانست که مورد توجه همه متولیان و کارشناسان قرار گرفته که برای عبور از آن ضرورت پرهیز از خشونت، از جمله خشونت نسبت به طبیعت در همه جا مطرح شده است. وی با بیان اینکه متاسفانه ما با طبیعت بسیار خشن برخورد کرده ایم گفت: یکی از معضلات کنونی کشور آب است که برخی از کارشناسان دلیل اصلی بروز آن را مسائل مربوط به حوزه کشاورزی می دانند بنابر این سازندگی و توسعه امری الزامی است اما آیا می توان بدون مطالعه کافی هر طرحی را پیاده کرد؟ باید دید مملکت ما چقدر آب دارد که هم احتیاجات مردم را برطرف کند و هم کشاورزی را توسعه دهد؟ امروزه در کشور ما سد ساخته می شود و آب بدون برنامه و مدیریت بهینه در کشاورزی استفاده می شود. عطاردیان در پایان بحث خود تصریح کرد: توصیه ما در این باره توسعه صنعت نرم به عنوان صنعتی است که محیط زیست را در نظر دارد. جلساتی از این دست برای همین است که ما ضمن توجه به توسعه، بتوانیم از خشونت نسبت به هم و طبیعت جلوگیری کنیم.

در ادامه فیلم «مادرم بلوط» پخش و مورد نقد قرار گرفت و محمود رحمانی سازنده این فیلم پیش بینی فعالان آب را درباره بیست سال آینده خوشبینانه دانست و خواستار توجه به نقش فردی هر کدام از افراد در توجه به پاسداشت طبیعت دانست.

پس از توضیحات محمود رحمانی سازنده این مستند درباره آن، محمد درویش از اعضای شورای مرکزی سازمانهای جامعه مدنی و مدیر کل آموزش و مشارکت مردمی سازمان محیط زیست به عنوان اولین سخنران ضمن تمجید از فیلم مادرم بلوط اظهار کرد: در نزدیکی محل فیلمبرداری این فیلم علاوه بر سد کارون دو و سه، سد گتوند

احداث شده است که تبدیل به یک معضل و کابوس بزرگ شده است که نمی دانیم با آن چکار کنیم. وی با اشاره به تخریب گسترده جنگلهای زاگرس افزود: زمانی که مدیر کل منابع طبیعی استان چهار محال بختیاری اعلام کرده است سالانه ۵۰۰۰ هکتار از رویشگاه های جنگلی تبدیل به ذغال می شود، یکی دو هفته بعد از ارائه این گزارش برکنار شد. اغلب مردمی که در ۱۱ استان زاگرسی ما زندگی می کنند به دلیل فقر معیشتی که از آن رنج می برند، برای



گذران زندگی روزمره چاره ای ندارند جز اینکه به به اکوسیستم لطمه بزنند. درویش با بیان اینکه اخیرا کشور ما با موضوعی به نام سیل در تابستان مواجه شده ، افزود: سیل تابستانی در سرزمینی که خشکسالی در آن بیداد می کند آثار ویرانگرتر بر جای می گذارد. وی با اشاره به اینکه در مناطقی از جنگل های هیرکانی که بارشهای بالای ۲۰۰۰ میلی متر دارد می بینیم که سیلها ویرانگرتر می شوند، در حالی که تا یکی دو دهه پیش سیل هایی با چنین ابعادی از خسارت مالی و جانی اتفاق

نمی افتاد. گفت: تخریب هایی که در مناطق جنگلی ما اتفاق می افتند و در بالادست آن فشار بیش از حد دام سبب می شود تا میزان نفوذ عمودی آب کاهش پیدا کند تا سرعت هرزآبش افزایش پیدا کرده و بتواند قدرت تخریبش را تا حد زیادی بالا ببرد.

وی ادامه داد: از سال تهیه فیلم مادرم بلوط (۱۳۸۸) تا امروز ۱۸ میلیون بلوط خشک شده است. ما یک عرصه ۶ میلیون هکتاری داشتیم که مسبب دوام پایداری ارزشمندترین و مهمترین رودخانه های ما در غرب کشور بودند. این بلوط ها هستند که در غرب سبب می شوند کارون و مارون زهره و سیروان در این سرزمین جاری باشند.

وی با بیان اینکه مقصر وضعیت فعلی محیط زیست چیدمان توسعه در کشور است یادآور شد توسعه در کشور بدون لحاظ توانمندی های اکولوژیک و بوم شناسی این سرزمین طراحی شده است. بدون اینکه بررسی شود که کشور در محدوده ای قرار گرفته است که کمربند خشک جهان گفته می شود. جایی که میانگین بارش یک چهارم تا یک سوم میانگین جهانی است و تبخیر آن ۳۰ تا ۴۰ درصد بیشتر است. در چنین سرزمینی چیدمان توسعه نباید به سمت افزایش وابستگی معیشتی به منابع آب و خاک برود. ما باید بگردیم و کشف کنیم که چه توسعه ای می تواند ضمن بقای توسعه پایدار باشد. درویش با اشاره به اینکه عدم وجود چیدمان صحیح توسعه باعث می شود همه راه ها به کشاورزی، دامداری ناپایدار و به افزایش وابستگی معیشتی مردم ختم شود، افزود: ما در شرایطی قرار داریم که اندوخته جانوری کشور نسبت به زمانی که اسکندر فیروز کلنگ سازمان حفاظت محیط زیست را در سال ۱۳۵۰ بر زمین زد ۹۰ درصد اندوخته جانوری مان را از دست داده ایم.

مدیر کل آموزش و مشارکت مردمی سازمان محیط زیست با اظهار امیدواری به تاثیر برگزاری همایش هایی چون همایش بحران آب و ایجاد تلنگر به جامعه در زمینه محیط زیست تصریح کرد: الان همه درباره بحران آب صحبت می کنیم. اینکه تا سی سال آینده بحران جدی آب را خواهیم داشت، سر شاخه اصلی سفیدرود؛ آمازون ایران در



اردیبهشت ماه خشک شده است. بسیاری از تالاب های ما از گاوخونی گرفته تا بختگان و مهارلو خشک شده و از هامون ها چیزی نمانده ، جازموریان تبدیل به چاله تولید گرد و خاک شده است. همین طور وضعیت آلما گل و آجی گل بسیار نگران کننده هستند. عمق متوسط مرداب انزلی از ۱۴ متر به کمتر از نیم متر رسیده که دیگر امکان قایقرانی هم در آن از بین رفته است. این همه نشان دهنده وضعیت بحرانی در آب است.

وی با ارائه گزارشی از وضعیت نشست زمین در ایران خاطر نشان کرد: در وسعت ۱۰۰ میلیون هکتار از ۱۶۵ میلیون هکتار قلمرو ایران افت بیشتر از ۲ متر آب زیرزمینی داریم. درباره نشست زمین دیگر تنها در فارس و یزد و کرمان گزارش نمی شود؛ بلکه در دامنه های سهوند ، سیلان ، خان میرزا ، دامنه های کوه رنگ و چهارمحال بختیاری از نشست زمین صحبت می شود. به گزارش سازمان زمین شناسی، در جنوب تهران نشست زمین به ۳۶ سانتی متر در سال رسیده است. که اینها ۹۰ برابر شرایط بحرانی را نشان می دهد. اینها همه نشان می دهد که نوع نگاه ما به اندوخته های آبی به شدت نگران کننده است و باید تغییر کند.

درویش با اشاره به سیاست های کلان برنامه ششم گفت: مقام معظم رهبری پیش از نوروز دفاعی تمام قد از محیط زیست کردند و گفتند: محیط زیست مساله این دولت و آن دولت و این جناح و یا آن جناح سیاسی نیست و یک مساله ملی است.

وی با انتقاد از سکوت سازمانهای درگیر با محیط زیست و منابع طبیعی در برابر عدم لحاظ شدن محیط زیست و آب در برنامه ششم توسعه افزود: هیچ کدام بیانیه ای در این خصوص صادر نمی کنند و اطلاعیه ای به مردم نمی دهند که چرا این اتفاق افتاد. غم انگیزتر این که N.G.O ۸۷۰ محیط زیستی و ۱۲ هزار تشکل مردم نهاد هم به وظیفه خود در این خصوص عمل نمی کنند. شاید مدیران بنا به ملاحظاتی و به خاطر ترس از دست دادن میز و صندلی نتوانند حرف بزنند اما شما N.G.O ها چه؟ چرا این



همه رسانه سکوت کرده اند؟ اگر قرار است در این سرزمین اتفاقی بیافتد باید از قالبمان درآییم و منتظر قهرمان نباشیم. باید در این حوزه مطالعه کنیم و شهامت داشته باشیم تا بدانیم چگونه می توان چیدمان توسعه را در این کشور تغییر داد. از این شرایط که بدتر نمی شود.

مدیر کل آموزش و مشارکت مردمی سازمان

مهندس عطاردیان: یکی از معضلات کنونی کشور آب است که برخی از کارشناسان دلیل اصلی بروز آن را مسائل مربوط به حوزه کشاورزی می دانند بنابراین سازندگی و توسعه امری الزامی است اما آیا میتوان بدون مطالعه کافی هر طرحی را پیاده کرد؟ باید دید مملکت ما چقدر آب دارد که هم احتیاجات مردم را برطرف کند و هم کشاورزی را توسعه دهد؟



محیط زیست با بیان اینکه دولت یازدهم خود را دولت محیط زیستی اعلام کرده است تاکید کرد: هزاران نشانه است که نشان می دهد ما فرزندانگن و فرهیختگان به موضوع محیط زیست بی تفاوتیم. دو سال پیش در اولین جلسه شورای عالی محیط زیست بعد از ۸ سال تعطیلی در دولت نهم و دهم در دوره جدید اولین مصوبه که به امضای رییس جمهور رسید این بود که همه سازمان ها و وزارتخانه ها موظفند دفتر حفاظت از محیط زیست و توسعه پایدار را در وزارتخانه خود مستقر کنند. تا بتوانیم رابطهایی داشته باشیم که موضوع محیط زیست را به صورت جدی در این سازمان ها پیگیری کنیم. فقط یک وزارتخانه برای این کار اقدام کرد آن هم وزارت ورزش و جوانان بود. نامه نوشت به آقای نوبخت به معاون رییس جمهوری که البته او در پاسخ نوشت: نیازی به تاسیس دفتر حفاظت از محیط زیست و توسعه پایدار نیست.

وی ضمن انتقاد از عملکرد رسانه ها و تشکل های مردم نهاد در پیگیری نکردن مصوبه شورای عالی محیط زیست افزود: هیچ کدام از تشکل های مردم نهاد و رسانه های سراغ سازمان حفاظت از محیط زیست و اعضای شورای عالی محیط زیست نرفتند و نپرسیدند که چرا این مصوبه زمین مانده است؟! یک آدم محیط زیستی این نیست که سالی یک بار برود و یک درخت بکارد و دو تا زباله بردارد و چهار سخنرانی آتشین در دفاع از محیط زیست بکند. سال گذشته در اجتماع مدیران محیط زیست در فارس استاندار یک سخنرانی آتشین در دفاع از محیط زیست کرد و گفت من سرباز محیط زیست می شوم و جلوتر از همه حرکت می کنم. همین استاندار در برابر موضع ما در مورد سد تنگ سرخ ایستاد و هر چه ما گفتیم این سد دریاچه مهارلو را خشک می کند و ظرفیت گرمایی شیراز و استان فارس پایین می آید به شدت مقاومت کرد تا آن سد ساخته شود.

این فعال زیست محیطی در ادامه سخنان خود افزود: مشاور اقتصادی استاندار ایلام اخیرا مدیر کل محیط زیست ایلام را مورد خطاب قرار داده است که شما به خاطر حفظ



چند دانه بلوط این استان را در محرومیت نگه داشته اید.

نماینده مردم یاسوج علیه ما اعلام شکایت کرده که چرا نماد طبیعت استان را خرس قهوه ای انتخاب کرده اید؛ خرس نماد نفهمی است و شما به مردم استان که گلوپه و بویر احمد توهین کرده اید. ما چقدر کار نکرده و راه نرفته داریم. ما باید به کجا بپردازیم تا این مشکلات را به صورت کلیدی حل کنیم.

مدیر کل آموزش و مشارکت مردمی سازمان محیط زیست با بیان اینکه راه حل کلیدی آشنا کردن مردم با محیط زیست پرورش نسلی است که به محیط زیست و مواهب طبیعی عشق بورزند، افزود: باید کاری کنیم که محیط زیست به صورت ناخودآگاه جزو ارزشهای غیرقابل معامله ایرانیان باشد. که فقط در این صورت است که ما شاهد ظهور مدیران و رؤسای جمهوری نخواهیم بود که فکر کند محیط زیست سد راه توسعه است. تمام هم و غم من و خانم ابتکار در سازمان محیط زیست این است که بتوانیم از مهد کودک ها شروع کنیم و مدارس جامع محیط زیستی و مدارس طبیعت را راه اندازی کنیم.

در ادامه همایش کارگاه تخصصی با حضور

آقایان انوش اسفندیاری، عضو شورای راهبردی اندیشکده تدبیر آب ایران، بهرام فیاضی دبیر انجمن آب و فاضلاب احمدعلی کیخا، مشاور سازمان حفاظت محیط زیست تشکیل شد.

انوش اسفندیاری، عضو شورای راهبردی اندیشکده تدبیر آب ایران ضمن تشریح فعالیتهای اندیشکده آب که وابسته به بخش خصوصی است

محمد درویش مدیر کل آموزش و مشارکت مردمی سازمان محیط زیست با اشاره به سیاست های کلان برنامه ششم : مقام معظم رهبری پیش از نوروذفاعی تمام قد از محیط زیست کردند و گفتند: محیط زیست مساله این دولت و آن دولت و این جناح و یا آن جناح سیاسی نیست و یک مساله ملی است

اظهار کرد: مهمترین نیاز کشور گسترش فضای گفت و گو درباره آب است. وی با اعلام وضعیت نگران کننده ظرفیت آب تصریح کرد: نمایه های اطلاع از وضعیت آب بسیار مغشوش است. سازمان زمین شناسی وضعیت زمین در سراسر کشور را بسیار نگران کننده دانسته است. از سویی سازمان های بین المللی بحران آب را یک بحران خزنده معرفی می کنند. مساله آب و مشارکت مردمی در حل این بحران ضروری است و این خواستار تبدیل مسئله آب به یک مسئله اجتماعی است.

وی افزود: یکی از دلایلی که آب در ایران مسئله اجتماعی نیست این است که مردم مسئله آب را مشکل دولت می دانند و نه مشکل خودشان. دبیر شورای اندیشکده تدبیر آب با بیان اینکه منظور از مسئله اجتماعی این است که درباره آب در همه جا و در همه حوزه های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی گفتگو شود تا تک تک افراد جامعه درباره آن فکر کنند افزود: دلیل دیگر آن را تمرکز کارها در پایتخت و دولتی بودن مدیریت آب در کشور است و بهای ارزان آب از دلایل دیگر بی توجهی اجتماعی به معضل آب است.

اسفندیاری همچنین راهبرد گفتگوی





افزود: بسیاری از دستورات و خواسته های سازمان محیط زیست توسط سایر نهادها نادیده گرفته می شود. زمان آن رسیده است که جامعه ما بدون حاشیه در این حوزه کار کند. سازمان های مدنی هم باید در نقش آفرینی خود توسعه پیدا کنند و نقش خود را به عنوان سازمان غیردولتی ایفا کنند تا بتوانند جهت بخش فعالیت های دولت و مجلس باشند. حال که بستر برای حرکت های سازمان های مردم نهاد مهیا شده است، از آنان می خواهیم تا فرصت پیش آمده است در راه توسعه قدم بردارند.

مدیر کل آموزش و مشارکت مردمی سازمان محیط زیست با بیان اینکه مقصر وضعیت فعلی محیط زیست چیدمان توسعه در کشور است یادآور شد: توسعه در کشور بدون لحاظ کردن توانمندی های اکولوژیک و بوم شناسی این سرزمین طراحی شده است. بدون اینکه این لحاظ شود که کشور در محدوده ای قرار گرفته است که کمربند خشک جهان گفته می شود.

با پیشنهاد مهندس محمد عطاردیان بیانیه شورای سازمان های جامعه مدنی در خصوص بحران آب قرائت شد که متن آن به شرح زیر است:

«چندین سال است که اظهارنظرها و هشدارهای متخصصین و آگاهان حوزه آب، نهادهای مدنی و برخی از مدیران دولتی نگرانی های عمیقی را در بخش های مختلف جامعه ایجاد کرده است. این نگرانی ها با مشاهده مناظر، زیستگاه ها، رودخانه ها، دریاچه ها، تالاب ها و بیشتر شده است و حتی اختلافات قومی و منطقه ای، رنگ و بوی تقابل اجتماعی را در صورت گسترش بی آبی خبر می دهد. در این شرایط، تحرک ماه های اخیر در جامعه مدنی ایران نشان از لمس بیش از پیش عمق بحران در جامعه دارد. در این رابطه، شورای سازمان های جامعه مدنی به عنوان نماینده بخشی از جامعه مدنی متکثر و متنوع ایران؛ ضمن هشدار نسبت به عواقب بی توجهی سیاست گذاران و دست اندرکاران؛ مشاهده عوارض و مشکلات زیر را در افزایش و گسترش بحران آب بسیار نگران کننده

مقام معظم رهبری بر همراهی و همسویی دولت و مجلس همانند دو بال پرند در موضوع آب و محیط زیست تاکید کرد.

وی تغییر رویکرد مجلس برای حل مسئله آب را ضروری دانست و افزود: مجلس آینده باید موضوع آب را اولویت اصلی خود بداند. حفظ محیط زیست وظیفه عمومی است و نباید با امضای چند نفر از نمایندگان از اصل حیاتی عدول کرد. فصل الخطاب بودن سازمان محیط زیست لازمه جلوگیری از تخریب های محیط زیستی و بحران های پیش روی آن است و باید از اعمال نظرات شخصی جلوگیری کرد.

وی با ذکر مثال هایی از نادیده گرفته شدن دستورات محیط زیستی خبر داد و

مجلس آینده باید موضوع آب را اولویت اصلی خود بداند. حفظ محیط زیست وظیفه عمومی است فصل الخطاب بودن سازمان محیط زیست لازمه جلوگیری از تخریب های محیط زیستی و بحران های پیش روی آن است و باید از اعمال نظرات شخصی جلوگیری کرد.

اجتماعی را مهم ترین نیاز کشور در شرایط فعلی برای اولویت یافتن مسئله آب دانست و بر اصلاح فرآیند حکمرانی آب در کشور تاکید کرد.

دیگر سخنران کارگاه تخصصی همایش بحران آب، بهرام فیاضی دبیر انجمن آب و فاضلاب بود که افول سرمایه اجتماعی و عدم مسئولیت پذیری را از مهم ترین دلایل بحران آب دانست و اظهار کرد: نبود نگاه آمایشی، کلان و استراتژیک در مدیریت کشور را زمینه ساز بحران اخیر که این وضعیت تغییر نکرده و چشم انداز آینده نیز نگران کننده است. وی از ناکارآمدی بدنه دولتی در بخش های متولی آب انتقاد و بر همسو سازی سیاست های آب در کشور تاکید کرد و افزود: نهادهای مدنی باید در حل تعارض های اجتماعی بیشتر مشارکت کنند و ساختاری فراتر از وزارت نیرو برای راهبری آب لازم است.

وی با تاکید بر اولویت دادن به موضوع اقتصاد آب را در شرایط فعلی ضروری دانست و بر پیگیری موارد زیر تاکید کرد:

- ۱- بحران آب، واقعیت یا توهم؟
- ۲- بحران آب و نقش دولت
- ۳- بحران آب و مسئولیت های مدنی
- ۴- بحران آب و تعارضات قومی
- ۵- بحران آب و افول سرمایه اجتماعی

احمدعلی کیخا، مشاور سازمان حفاظت محیط زیست نیز دیگر سخنران نشست بود که حاکمیت علم و قانون را مهمترین عامل توسعه متوازن دانست و با ذکر خاطره ای از





سد سیاهپیشه

ملی؛ پیشنهاد می‌کنیم:

۱- با گسترش اطلاع‌رسانی درباره عمق و گستره بحران آب و افزایش شفافیت درباره سیاست‌ها و برنامه‌های دولتی؛ موضوع بحران آب به موضوعی فراجناحی، ملی و فراگیر تبدیل و عزم ملی برای عبور از آن شکل بگیرد.

۲- شورای ملی مدیریت بحران آب با حضور نمایندگان سازمان‌های غیردولتی و بخش خصوصی با هدف اولویت‌بخشی به موضوع بحران آب، همسوسازی و هماهنگی بین بخش‌های مختلف دولت، مردم و نظارت بر عملکرد مسئولان اجرایی تشکیل شود.

۳- شوراهای مدیریت بحران آب در مناطق بحرانی در سطح استانی، منطقه‌ای و محلی با حضور نمایندگان سازمان‌های غیردولتی و کلیه تشکلهای آب شامل مردم، کشاورزان، صنعتگران و..... تشکیل شود.

۴- به دور از ملاحظه‌کاری‌های بی‌دلیل؛ به صورت گسترده دانش، تجربه و تخصص ایرانیان داخل و خارج و نهادهای بین‌المللی برای حل مسئله به کار گرفته شود.

۵- کندی و بوروکراسی ناکارآمد دولتی در این زمینه هر چه سریعتر به حکمرانی مطلوب، اثربخش، پاسخگو و مسئولیت‌پذیر تبدیل گردد.

همکاری را در عرصه بین‌المللی گشوده است و بذره‌های امید در جامعه جوانه زده است؛ شایسته است «ریاست محترم جمهوری» مطابق با شعارهای خود در خصوص جلب مشارکت نهادهای مردمی؛ نسبت به توافق، همسوسازی و همکاری ملی در خصوص بحران آب و پدیده شوم خشکسالی؛ حل این مسئله را در شورایی مرکب از دولت، بخش خصوصی، نهادهای مدنی و غیردولتی و با حضور طیف‌های مختلف سیاسی به گفتگو و همگرایی ملی تبدیل نموده و مشارکت ملی را برای عبور از این پیچ تاریخی جلب نماید. ما جمعی از نمایندگان سازمان‌های مدنی ضمن اعلام آمادگی برای همکاری و مشارکت با دولت و تعهد به حل این مسئله

**شورای سازمان‌های
جامعه‌مدنی به‌عنوان نماینده
بخشی از جامعه مدنی
متکثر و متنوع ایران؛ ضمن
هشدار نسبت به عواقب
بی‌توجهی سیاستگذاران
و دست‌اندرکاران؛ مشاهده
عوارض و مشکلات زیر
را در افزایش و گسترش
بحران آب بسیار نگران‌کننده
ارزیابی می‌کند**

ارزیابی می‌کند، لذا به اعتقاد ما:

۱- موضوع بحران آب به صورت همه جانبه، جایگاه و رتبه مناسبی در اولویت‌های تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری و اقدام‌های ملی ندارد.

۲- عمق و گستردگی بحران آب بصورت شفاف و ملموس توسط نهادهای ذیربط اطلاع‌رسانی نمی‌شود.

۳- سیاست‌ها و برنامه‌های آتی حوزه آب در دولت؛ جامع، شفاف و رفع‌کننده نگرانی‌های متخصصان و صاحب‌نظران آحاد مردم نیست.

۴- بین بخش‌های مختلف سیاست‌گذاری، تصمیم‌گیری و اجرایی در حوزه آب؛ همسویی و هماهنگی و وحدت نظر وجود ندارد.

۵- مصلحت‌گرایی و محافظه‌کاری بی‌دلیل به ویژه در بخش کشاورزی؛ مانع تغییرات و مواجهه واقع‌بینانه با واقعیات منطقه‌ای و توجه به حقوق آیندگان شده است.

۶- در سیاست‌گذاری‌ها و تصمیم‌گیری‌های مربوط به آب؛ نمایندگان نهادهای غیردولتی، مدنی و بخش خصوصی حضور و مشارکت اثربخش و تعیین‌کننده ندارند.

۷- نگاه تمرکزگرای دولتی مانع بکارگیری مشارکت‌های مردمی در سطح منطقه‌ای و محلی شده است.

اینک که با کلید و تدبیر دولت یازدهم، کشور و ملت از تنگنای فضای بسته و تحریم‌ها در حال عبور است، بستر تعامل و



گفت‌وگو با حبیب‌الله بیطرف

ردپای مجوزهای تکلیفی برای چاه‌های غیرمجاز

حبیب‌الله بیطرف که هشت سال سکان وزارت نیرو در دولت اصلاحات را بر عهده داشته درباره بحران آب اعتقاد دارد مشکل، بیشتر از آب‌های سطحی مربوط به حوزه آب‌های زیرزمینی است. شاید به واسطه همین نگاه است که وی بیشتر از آنکه سدسازی یا عوامل مشابه دیگر را در بحران آب مقصر بداند، برداشت‌های بی‌رویه از منابع زیرزمینی را موثر می‌داند. در همین مورد بیطرف یادآور می‌شود: در سال‌های ۱۳۸۷ و ۱۳۸۸ بود که با فعال شدن بیش از ۳۰۰ هزار حلقه چاه غیرمجاز، برداشت اضافی و بیلان منفی به بیش از ۱۰ میلیارد مترمکعب در سال رسید. او در ادامه از تبعات رشد چاه‌های غیرمجاز مانند وقوع بحران در دریاچه ارومیه سخن می‌گوید و در مورد علل ماندگاری و افزایش یافتن آنها به مسائل مختلف از جمله اشتباه سیاستگذاران در تصویب قوانین مجوزدار کردن این چاه‌های غیرمجاز، بروز مشکلات اجتماعی و مقاومت مردم در صورت پر کردن این چاه‌ها و مجوزهای تکلیفی برای این چاه‌ها اشاره می‌کند. متن کامل گفت‌وگوی تجارت‌فردا با وی را می‌خوانید.

با توجه به تجارب حضور شما به عنوان یکی از سیاستگذاران حوزه آب فکر می‌کنید تاکنون کدام اشتباهات در حوزه سیاستگذاری آب باعث وقوع بحران آب شده است؟
بحران آب در کشور ما ریشه‌های مختلفی دارد. ابتدا باید بررسی کنیم که اساساً مفهوم بحران آب چیست؟ آیا این بحران تنها مختص کشور ماست یا کشورهای منطقه و سایر مناطق جهان هم درگیر آن هستند؟ در پاسخ به این مورد باید اشاره کنم شاخص مهمی که در مساله آب در سطح جهان وجود دارد، شاخص سرانه آب شیرین تجدیدپذیر است. مفهوم این شاخص آن است که هر نفر در هر نقطه‌ای از کره زمین سالانه به‌طور متوسط به چه میزان قابلیت دسترسی به آب شیرین دارد. طبیعتاً چون جمعیت در حال رشد و میزان منابع آب تجدیدپذیر ثابت است، پس سرانه آب باید رو به کاهش باشد. مثلاً جمعیت کشور ما در سال‌های اوایل انقلاب اسلامی حدود ۳۵ تا ۳۶ میلیون نفر بود و اکنون به بیش از ۷۵ میلیون نفر رسیده است. پس

به‌طور طبیعی شاخص سرانه آب شیرین تجدیدپذیر در ایران در حدود چهار دهه اخیر، نصف شده است. بنابراین این یک مساله جهانی است. البته سرعت کاهش این شاخص در کشورهایی که رشد جمعیت آنها پایین‌تر باشد، کمتر و در کشورهایی که رشد جمعیت بالا باشد، بیشتر است. با این حال این شاخص در مناطق مختلف دنیا بسیار متفاوت است. در بعضی از قاره‌ها و کشورها این شاخص خیلی بالاست؛ مثلاً در کشور کانادا رقم این شاخص حدود ۸۰ هزار مترمکعب است. اما در ایران شاخص سرانه آب تجدیدپذیر ۱۶۰۰ مترمکعب در سال است. اگر در منطقه‌ای میزان این شاخص برای یک نفر بالای ۱۷۰۰ مترمکعب در سال باشد، می‌گویند هنوز وضعیت خوب و نرمال است اما اگر این شاخص بین هزار تا ۱۷۰۰ مترمکعب باشد، در محدوده تنش آبی قرار دارد و گفته می‌شود این کشور یا این منطقه، دچار تنش آبی شده است. پس وضعیت ما از نظر شاخص دسترسی به منابع آب تجدیدپذیر به ازای هر نفر، عادی نیست و ما وارد مرحله تنش آبی





شده‌ایم. بر اساس این تقسیم‌بندی جهانی، اگر در کشوری شاخص سرانه از ۵۰۰ تا هزار مترمکعب باشد آن کشور وارد مرحله کمبود آب شده و اگر زیر ۵۰۰ مترمکعب به ازای هر نفر باشد آن کشور در مرحله کمبود شدید آب است.

در حال حاضر چنین کشورهایی در جهان وجود دارند؟

در بعضی از کشورها چنین شرایطی وجود دارد. در کشور ما هم این شاخص در مناطق کویری، بسیار پایین است. موضوع دوم این است که پس از محاسبه منابع آب تجدیدپذیر یک کشور بررسی شود که چه مقدار از آن آب در دسترس قرار دارد. این شاخص می‌گوید امکان دسترسی یا دستیابی چقدر است. در اینجا بحث مهار آب‌ها پیش می‌آید و اینکه یک کشور چه مقدار از آب‌هایش را توانسته مهار کند و با ایجاد تاسیسات لازم، برای مردمش قابل استفاده کند. قبل از انقلاب اسلامی، وضعیت ما از این جنبه هم بحرانی بود؛ یعنی منابع آب تجدیدپذیر به تناسب جمعیت قابل توجه و قابل قبول بود، ولی فناوری و تاسیسات مهار و تنظیم آب جهت استفاده از آن را نداشتیم و در این زمینه سرمایه‌گذاری نکرده بودیم. از سال ۱۳۴۰ به بعد سرمایه‌گذاری در بخش آب در ایران صورت گرفت. اولین سد بزرگ، سد دز بود. بعد سد کرج، سد گلپایگان، سد شهید عباسپور و... ساخته شد. در مجموع ۱۳ سد در سال‌های قبل از انقلاب و حدود ۱۳۰ تا ۱۴۰ سد بزرگ هم بعد از انقلاب احداث شده است. این حرکت و فعالیت مدیریت آب کشور باعث شد منابع آب تجدیدپذیر بیشتری برای بخش‌های کشاورزی، صنعت و خانگی قابلیت استفاده داشته باشد.

مطالعات منابع آب نشان داده متوسط منابع آب تجدیدپذیر ایران، حدود ۱۳۰ میلیارد مترمکعب در سال است، منابع آب تجدیدپذیر شیرینی که هر سال از طریق بارندگی یا از مسیر ورودی مرزها، حاصل می‌شود. در سال‌های اخیر حداکثر میزان استفاده از منابع آب ۱۱۰ میلیارد مترمکعب در سال بوده است.

پس ما هنوز ۱۰۰ درصد آب‌های ورودی را مصرف نمی‌کنیم.

بله، منابع آب تجدیدپذیری که هنوز مهار نشده و قابلیت استفاده ندارد حدود ۲۰ میلیارد مترمکعب است که ما می‌توانیم با سرمایه‌گذاری‌های بیشتر آن منابع را هم استفاده کنیم. البته برای بخشی از آن

احتیاج به سرمایه‌گذاری‌های زیادی است که ممکن است در حال حاضر اقتصادی نباشد.

آیا این نسبت مصرف وضعیت مناسبی را نشان می‌دهد؟

از اینکه با احداث سدها و تاسیسات تنظیم و ذخیره‌سازی آب و همچنین تاسیسات برداشت آب‌های زیرزمینی، قابلیت استفاده ۸۵ درصد از منابع آب کشور فراهم شده، نسبت خوبی است. اما در دنیا می‌گویند اگر بخواهیم در قالب توسعه پایدار از این منابع استفاده کنیم باید حداکثر ۵۰ درصد از منابع تجدیدپذیر، مورد استفاده مصارف کشاورزی و صنعت و شرب و بهداشت قرار گیرد. در واقع استفاده ۱۰۰ درصد از منابع آب تجدیدپذیر، استفاده درستی نیست و باید سهم طبیعت، محیط زیست، آبخوان‌ها، دریاچه‌ها، مرداب‌ها و سایر موارد مشابه، از منابع آب تجدیدپذیر باقی بماند. البته در اکثر کشورهایی که محدودیت آب دارند میزان استفاده آنها بیش از ۵۰ درصد است. متوسط این رقم در دنیا حدود ۷۰ درصد است ولی ما اکنون نزدیک ۸۵ درصد را مصرف می‌کنیم. یعنی داریم به منابع آب تجدیدپذیر خود فشار می‌آوریم. پس عامل دیگر موثر در بحران آب حجم آب مورد استفاده ماست. اگر بخواهیم به اندازه متوسط دنیا عمل کنیم باید حدود ۷۰ درصد از کل منابع آب یعنی سالانه حدود ۹۰ میلیارد مترمکعب را مصرف کنیم.

اما موضوع سوم، نسبت‌های مصرف در بخش‌های مصرف‌کننده است. ما سه مصرف‌کننده عمده داریم؛ کشاورزی، صنعت و شرب. در حال حاضر نسبت این سه بخش از سهم مصرف آب در ایران به این ترتیب است که ۹۲ درصد مصرف آب در بخش کشاورزی، دو درصد در بخش صنعت و شش درصد در بخش شرب و بهداشت مصرف می‌شود. ملاحظه می‌کنید که نسبت‌های مصرف در ایران واقعاً غیرعادی است. متوسط سهم مصارف کشاورزی در دنیا حدود ۷۰ درصد کل مصرف است.

در کشورهای توسعه یافته بیشترین مصرف در کدام بخش است؟

در کشورهای توسعه یافته و با درآمد سرانه بالا سهم مصرف صنعت از کل مصارف آب حدود ۶۰ درصد است. در این صورت صنعت هم عمده نیازهای جامعه را مرتفع می‌کند؛ یعنی عمده اشتغال و ثروت را، بخش صنعت ایجاد می‌کند. علاوه بر سه موضوعی که صحبت کردیم، موضوع چهارم راندمان آبیاری در ایران یا بهره‌وری منابع آب در بخش کشاورزی است که متأسفانه در حال حاضر بسیار پایین است. اکنون متوسط راندمان آبیاری در کشت محصولات زراعی مثل گندم، جو، لوبیا، باقلا و همچنین در محصولات باغی مثل سیب، انار و انگور و... حدود ۳۵ درصد است که این رقم برای کشور کم‌آب ایران که متوسط بارندگی آن یک سوم متوسط بارندگی جهان است، قابل قبول نیست.



برای توضیح این مفهوم توجه کنید که در سال زراعی ۸۸-۸۹ کل محصولات کشاورزی ایران که از طریق آبیاری به دست می‌آید (چه زراعی و چه باغی) ۸۲ میلیون تن بوده و این مقدار محصول، با مصرف ۱۰۰ میلیارد مترمکعب آب به دست آمده است. یعنی ما به ازای هر مترمکعب آب فقط ۸۲۰ گرم محصول خشک به دست آورده‌ایم؛ و این در حالی است که متوسط آن در دنیا به ازای هر یک مترمکعب ۲/۵ کیلو است. یعنی در دنیا با این میزان مصرف آب، سه برابر ما محصولات کشاورزی به دست می‌آورند.

بنابراین چهار عامل سرانه نامناسب منابع آب، نسبت نامناسب مصرف به کل منابع آب، متناسب نبودن سهم بخش‌ها در مصرف آب و پایین بودن راندمان آبیاری در بخش کشاورزی، عوامل اصلی بحران آب در ایران هستند. توجه کنید اگر فرضاً بخش کشاورزی سالانه ۴۰ میلیارد مترمکعب، صنعت هم دو میلیارد مترمکعب و شرب و بهداشت هم شش میلیارد مترمکعب از منابع آب تجدیدپذیر را مصرف می‌کردند، سالانه کمتر از ۵۰ میلیارد مترمکعب مصرف آب داشتیم و آن وقت از نظر نسبت مصرف به منابع آب، در حد کشورهای پیشرفته صنعتی بودیم و فشار به منابع آب نمی‌آمد.

در واقع با توجه به این چهار عامل اصلی بحران آب که شما اشاره کردید می‌توان گفت نسخه نهایی شما برای بحران آب، اصلاحات در بخش کشاورزی است.

اصلاحات در آبیاری، روش‌های کشت، روش‌های داشت و برداشت، نحوه مصرف نهاده‌ها و استفاده از بذره‌های اصلاح‌شده منظور من است. نقش بذر، کود، نحوه آبیاری، دانش و مهارت کشاورزها خیلی مهم است. یکی از مصیبت‌های کشور ما این است که میزان اشتغال فارغ‌التحصیل‌های رشته‌های کشاورزی، آبیاری، دفع نباتات و اینها در فعالیتهای بخش کشاورزی بسیار کم است. کسانی در بخش کشاورزی مشغول هستند که نوعاً تحصیلات پایینی دارند و فارغ‌التحصیل رشته‌های کشاورزی نیستند. به این دلیل است که در کشور ما، عمده کشاورزی همچنان به صورت سنتی انجام می‌شود.

اگر مشکل را ناشی از بخش کشاورزی بدانیم آن وقت باید بگوییم حل بحران آب، مقطعی و یکی دوساله نیست.

بله، حل ریشه‌ای آن به حل مساله کشاورزی در ایران یعنی به مدرنیزاسیون و افزایش بهره‌وری در

بخش کشاورزی بستگی دارد. در کنار آن چهار عامل، پنجمین عامل موثر را مدیریت منابع آب، کارایی قوانین و درستی سیاست‌ها در بخش آب می‌دانم. اگر مروری بر قوانین داشته باشیم می‌بینیم اولین قانون در بخش آب، در سال ۱۳۰۷ در قالب قانون مدنی، راجع به قنات، چشمه‌ها و حریم آب‌ها از سوی مجلس شورای ملی وقت تصویب شده است. آخرین قانون هم در سال ۱۳۸۹ با عنوان تعیین تکلیف چاه‌های فاقد پروانه بوده که منجر به ضایعه بزرگی در بخش آب‌های زیرزمینی شد. در این ۹۰ سال دو قانون مهم برای بخش آب، در مجلس تصویب شده است. یکی قانون آب و نحوه ملی شدن آن در سال ۱۳۴۷ بوده که در مجلس

اگر بخواهیم در قالب توسعه پایدار از منابع آبی استفاده کنیم باید حداکثر ۵۰ درصد از منابع تجدیدپذیر، استفاده‌مصارف کشاورزی و صنعت و شرب و بهداشت قرار گیرد. در واقع استفاده ۱۰۰ درصد از منابع آب تجدیدپذیر، استفاده درستی نیست و باید سهم طبیعت، محیط زیست، آب‌خون‌ها، دریاچه‌ها، مرداب‌ها و... از منابع آب تجدیدپذیر باقی‌ماند



شورای ملی سابق تصویب شد و قانون مهم دیگر که جایگزین آن قانون شد، قانون توزیع عادلانه آب مصوب سال ۱۳۶۱ مجلس شورای اسلامی است. این دو قانون، قانون‌های پایه و مهم در بخش آب بوده‌اند. در وزارت نیرو، روی این دو قانون، کار کارشناسی مفصلی انجام شده است. قوت و ضعف و کارایی این دو قانون از جهات مختلف مورد ارزیابی قرار گرفته است. در مجموع ارزیابی بنده این است که قانون ملی شدن آب، قانون جامع‌تری نسبت به قانون توزیع عادلانه آب بوده و ما از بُعد قانون، کمبودهایی داریم که باید در آینده، قانون جامعی

برای مدیریت منابع آب در ایران به تصویب برسد. البته وزارت نیرو در سالیان مختلف روی این موضوع کار کارشناسی انجام داده، ولی هنوز به صورت یک لایحه از سوی دولت به مجلس ارائه نشده است. ضرورت دارد که بعد از حدود ۴۰ سال یا قانون توزیع عادلانه آب را اصلاح یا قانون دیگری را جایگزین آن کنیم.

این قانون‌ها چه ضعف‌هایی دارند که نیاز به اصلاح دارند؟

مثلاً در قانون توزیع عادلانه آب، بحث مدیریت توامان عرضه و تقاضا، خیلی ضعیف دیده شده است. فقط به مدیریت عرضه و توزیع آب توجه شده و به مدیریت تقاضا توجه نشده است. در کشوری که منابع آبی محدود و آب کم است، باید این منابع محدود با بهره‌وری مناسب مصرف شود. اگر در قانون مدیریت تقاضا لحاظ شده بود آن وقت می‌توانستیم به کشاورز بگوییم با اجرای سیستم‌های آبیاری تحت فشار یا روش‌های کم‌آبیاری، مصرف را کم کن و بدین ترتیب تقاضا را مدیریت می‌کردیم.

یکی از نقدهای مطرح‌شده به قانون سال ۱۳۶۱ این است که این قانون به چاه‌های بی‌مجوز حفر شده سال‌های ۵۷ تا ۶۱ مجوز قانونی داده است.

بله. این نکته وجود دارد که قانونگذار در قانون توزیع عادلانه آب، وزارت نیرو را مکلف به تعیین تکلیف چاه‌های بدون پروانه کرده و در آن سال‌ها بخش عمده چاه‌های غیرمجاز، پروانه‌دار شدند. ضعف دیگر قانون توزیع عادلانه آب، بحث اقتصاد آب است. نرخ آب در قانون توزیع عادلانه آب، در صورتی که توسط دولت استحصال شده باشد معادل هزینه‌های جاری بهره‌برداری و اگر توسط بخش خصوصی استحصال شده معادل هزینه‌های نظارت بر بهره‌برداری تعیین شده است. بنابراین قیمت آب و ارزش آب به نحوی نادیده گرفته شده است. این قانون ارزش ذاتی، برای آب قائل نشده است.

چرا در دوره وزارت شما اصلاحی صورت نگرفت؟ آیا مقاومتی بود؟

کار کارشناسی آن کامل نشده بود. در زمان ما بحث تهیه پیش‌نویس قانون جامع آب برای ایران شروع شد ولی کامل نشد. البته همیشه نمایندگان مجلس شورای اسلامی مدافع منافع آبی و روزمره کشاورزان هستند و از منافع بلندمدت آنها و مصالح کلان بخش کشاورزی غفلت شده است. در سال‌های پایانی دولت هشتم پیش‌نویس قانون جامع آب در حال تکمیل شدن بود که به دوران دولت نهم رسید

و آن دولت هم، به موضوع اصلاح قوانین پرداخت. موضوع پنجم در عوامل بحران وضعیت آب در ایران، بحث سیاستگذاری است. طبیعتاً سیاستگذاری باید متکی به قانون و در چارچوب قانون باشد و مدیریت منابع آب هم باید بر اساس میزان منابع آبی استحصال شده، ارزش اقتصادی آن و روش‌های نوین استفاده از منابع و رعایت بهره‌وری معقول از منابع آب، سیاستگذاری، برنامه‌ریزی و مدیریت کند. ببینید در بخش منابع آب، ما با دو منبع آب سطحی و زیرزمینی مواجه هستیم. سیاست اساسی در ایران در سال‌های گذشته در بخش منابع آب سطحی، تلاش برای استحصال یا مهار هر چه بیشتر آب‌های سطحی بوده است. در دوره ما آن چیزی که بیشتر مورد توجه قرار گرفت، اولویت طرح‌های منابع آب مشترک و استحصال سریع‌تر آب‌های مرزی در ایران بود. بعضی آب‌ها با اینکه بارش و حوزه بالادستی رودخانه آنها در ایران است ولی به دلیل نزدیکی با مرزهای کشور، از ایران خارج می‌شوند. بالغ بر شش تا هشت میلیارد مترمکعب از منابع آب بسیار باکیفیت خوب سطحی، سالانه از کشور ما خارج می‌شوند.

ما منابع زیرزمینی این چنینی هم داریم.

نه. در منابع آب زیرزمینی موضوع آب‌های مشترک خیلی محدود و ناچیز است. دومین سیاست در بخش آب‌های سطحی، استفاده صحیح از منابع آب سطحی و افزایش تخصیص سهم بخش‌های صنعت و شرب بوده است. اکنون نیز باید توجه کرد که اولویت اول در کشور، تامین آب شرب، اولویت دوم آب مورد نیاز صنعت و اولویت سوم کشاورزی است.

حتی اگر منجر به این شود که کشت بعضی از محصولات ما تعطیل شود؟

حتی اگر برخی از کشت‌ها محدود شود، با شرایط اقلیمی ایران بعضی از کشت‌ها، اصلاً اقتصادی نیستند

حفر بی‌رویه چاه و برداشت بی‌رویه از آب‌های زیرزمینی در کشور، یک پدیده نادرست بوده و مجوز دادن به چاه‌های غیرمجاز باز یک خطای استراتژیک بوده که متأسفانه اتفاق افتاده است.

امسال کشت برنج در برخی مناطق ممنوع شد، سیاست مناسبی بود؟

بله، کشت برنج فقط در مناطق شمالی ما که پرباران هستند اقتصادی است و در آن مناطق، برنج‌های با کیفیت خوب، به دست خواهد آمد. در مناطق

مرکزی ایران، برنج با کیفیت پایین و با مصرف آب بالا به دست می‌آید. اگر ارزش واقعی استفاده از آب را در قیمت تمام‌شده برخی از محصولات کشاورزی محاسبه کنیم می‌بینیم که برنج کیلویی ۱۲ هزار تومان تولید شده و کیلویی ۴۵۰۰ تومان فروش رفته، که این کار اقتصادی نیست.

با این حال نگرانی‌هایی در مورد سرنوشت کشاورزان این بخش وجود دارد.

باید در همان مناطق صنایع کم‌آبی ایجاد شود و برای این افراد اشتغال ایجاد کرد. البته هنوز در مقوله افزایش بهره‌وری منابع آب در بخش کشاورزی جا دارد که تمام کشت‌های موجود را با

از این دشت‌ها، یک منبع آب زیرزمینی غنی و خوب وجود دارد. سالانه میزان آبی که به این دشت‌ها و سفره‌های آب زیرزمینی تغذیه می‌شود حدود ۵۰ میلیارد مترمکعب است. یعنی از آن ۱۳۰ میلیارد مترمکعب آب منابع تجدیدپذیر، ۵۰ میلیارد مترمکعب در سفره‌های آب زیرزمینی تغذیه می‌شوند. علی‌القاعده باید تعادل برقرار باشد؛ یعنی بیش از ۵۰ میلیارد مترمکعب در سال، از سفره‌ها برداشت نکنیم. چون اگر بیش از این برداشت کنیم، از ذخایر برداشت کرده‌ایم، نه از ورودی به مخازن. حال اگر خشکسالی پیش آید و مثلاً ۲۰ درصد منابع آب در یک سال خشک کاهش پیدا کند، ما باید در مصرف به‌ویژه مصارف کشاورزی ۲۰ درصد



نصف آب مصرفی فعلی، با بهره‌وری مناسب کشت کرد. در درجه اول، باید بهره‌وری آب را در بخش کشاورزی بالا برد. اما در زمانی که بهره‌وری آب خیلی بالا رفته و دیگر هیچ راهی ندارد و منبع آبی نیست، تامین آب صنعت، باید در اولویت قرار بگیرد و باید از تخصیص آب کشاورزی کاسته شود و سهم صنعت را اضافه کرد.

برای منابع زیرزمینی چه باید کرد؟ اصلاً برآوردی از آسیب منابع زیرزمینی ما وجود دارد؟

ببینید ما حدود ۶۰۰ دشت داریم که در هر یک

صرفه‌جویی کنیم. بنابراین باید در آن سال به همان میزان ورودی به سفره‌های آب زیرزمینی حدود ۴۰ میلیارد مترمکعب برداریم. عرض شد که پتانسیل برداشت آب از منابع آب زیرزمینی در ایران، در سال‌های نرمال، حدود ۵۰ میلیارد مترمکعب است، اما متأسفانه شاهد این هستیم که در سال‌هایی مانند سال ۸۷ و سال ۸۸ تا حدود ۶۰ میلیارد مترمکعب از منابع آب زیرزمینی برداشت شده است. این می‌شود بیلان منفی. یعنی به منابع استراتژیک آبی و ذخایر کشور فشار می‌آید. در مطالعاتی که بر روی ذخایر آب‌های زیرزمینی در ایران صورت گرفته، وضعیت فعلی این مخازن استراتژیک، بسیار هشداردهنده





است. در ۵۰ سال اخیر مجموع بیلان منفی ذخایر آب‌های زیرزمینی در ایران به ۱۱۰ میلیارد مترمکعب رسیده و متأسفانه بخش عمده این بیلان منفی در ۱۰ سال اخیر اتفاق افتاده است. ما اگر این روند را در ۱۰ سال آینده ادامه دهیم، بسیاری از دشت‌های آباد ایران خشک خواهند شد. این یک فاجعه بزرگ است. برداشت و فشار بیش از ۲۰ درصد به سفره‌های آب زیرزمینی، جفایی است که در حق منابع آب کشور در بخش زیرزمینی آن صورت گرفته است. در بعضی از دشت‌های استان‌های کرمان، فارس، اصفهان و یزد که برداشت آب بیشتر بوده، عوارض متعددی مانند نشست زمین، شکاف و شق در اراضی، خشکیدن قنوات و تالاب‌ها و... به وجود آمده است. قطعاً باید این رویه اصلاح شود.

این در حالی است که در بسیاری از سال‌ها مانند دهه ۱۳۷۰ بیلان منفی دشت‌ها حداکثر پنج میلیارد مترمکعب بوده ولی اوج فاجعه در سال‌های ۱۳۸۷ و ۱۳۸۸ بود که با فعال شدن بیش از ۳۰۰ هزار حلقه چاه غیرمجاز، برداشت اضافی و بیلان منفی به بیش از ۱۰ میلیارد مترمکعب در سال می‌رسید و متأسفانه در سال ۱۳۸۹ قانون «تعیین تکلیف چاه‌های بدون پروانه» در مجلس شورای اسلامی به تصویب می‌رسد و بخشی از این چاه‌ها را قانونی می‌کنند. در آن سال‌ها فشارهای اجتماعی وجود داشت که مجوز بدهند و وزارت نیرو هم مجوز نمی‌داد اما در نهایت این فشارها منجر به صدور یک قانون شد و یکی از بارزترین مشکلات محیط زیستی‌ای که به دنبال آن به وجود آمد بحران دریاچه ارومیه بود.

یعنی بحران دریاچه ارومیه هم به حفر چاه‌های غیرمجاز ارتباط داشته است؟

ریشه اصلی بحران زیست‌محیطی در دریاچه ارومیه و اطراف آن، همین چاه‌های غیرمجاز است که بعداً مجاز شد. یعنی بیش از ۲۰ هزار حلقه چاه در محدوده استان‌های آذربایجان شرقی و غربی حفر شد و سالانه حدود ۷/۵ تا دو میلیارد مترمکعب آب شیرین اطراف و حوالی دریاچه ارومیه بیش از ظرفیت سفره‌های آب زیرزمینی منطقه برداشت شد و در زیر زمین آبخوان شور جا‌جا شد و در پی این جا‌جایی دو اتفاق ناگوار به وقوع پیوست؛ اول کاهش آب دریاچه ارومیه و دوم لب‌شور شدن آبخوان آب شیرین منطقه. در حال حاضر منابع آبی این چاه‌ها به آب‌های زیرزمینی لب‌شور و شور رسیده و متأسفانه برخی از بهره‌برداران از آب شور هم برداشت می‌کنند. در صورت ادامه وضع موجود آب شور به‌طور کامل جای آب شیرین را می‌گیرد

و به تدریج اراضی منطقه به شورزار تبدیل خواهد شد که این فاجعه دوم در اطراف دریاچه خواهد بود. اینکه می‌بینید آب دریاچه کم شده به دلیل این نیست که همه آب آن تبخیر شده یا در اثر احداث سدهای حوالی دریاچه آب به دریاچه نرسیده، چرا که تبخیر همیشه وجود داشته، خشکسالی در دوره‌های مختلف وجود داشته و سهم تنظیم آب تمام سدهای احداثی کمتر از ۱۰ درصد بوده، مهم‌ترین عامل در فاجعه‌ای که رخ داده به چاه‌های اطراف دریاچه ارتباط دارد.

آیا اکنون دیگر آب آن چاه‌ها قابلیت مصرف ندارد؟

الان آب این چاه‌ها لب‌شور شده و به تدریج قابلیت مصرفش را از دست می‌دهد و در صورت ادامه این روال ویرانگر این اراضی را متأسفانه به شورزار تبدیل خواهد کرد. این فاجعه بزرگ زیست‌محیطی است که پیش‌روی ماست.

فاجعه مورد اشاره شما تا کجا می‌تواند نفوذ کند؟

هرچقدر بیشتر آب از این چاه‌ها بردارند، آب شور دریاچه، جای آب‌های شیرین را می‌گیرد و فاجعه بزرگ‌تری اتفاق می‌افتد.

برای حل این مشکل چه کار باید کرد؟

باید چاه‌ها را پر و مسدود کرد و از آن استفاده نکرد. اما اکنون هیچ‌کس زیر بار این کار را نمی‌رود. اکنون معیشت ۳۰، ۴۰ هزار خانوار به این چاه‌ها وصل است و حاضر نیستند چاه‌ها را مسدود کنند. بنابراین معضل زیست‌محیطی تبدیل به مشکل اجتماعی جدی شده است. کار درست این است که با برنامه‌ریزی و کار فرهنگی اجتماعی و جلب همکاری بهره‌برداران به تدریج تمام این چاه‌های اضافی که در ۱۰ سال اخیر حفر شده چه غیرمجاز و چه دارای پروانه را مسدود کنند و اجازه بهره‌برداری ندهند.

حتی اگر این ۲۰ هزار چاه را پر کنند، چند سال طول می‌کشد تا آن آب‌ها تجدید شوند؟

شاید ۱۵ تا ۲۰ سال و اگر این چاه‌ها بسته نشوند، علاوه بر شور شدن منابع آب زیرزمینی، عمق فاجعه به شورزار شدن باغات اطراف دریاچه می‌رسد.

فکر می‌کنید چقدر ممکن است این دریاچه سرنوشتی مشابه سرنوشت دریاچه آرال پیدا کند و اطراف آن غیرقابل سکونت شود.

در دریاچه آرال ورودی رودخانه کم شد. یعنی چند کشور در بالادست رودخانه آب‌ها را به کانال‌ها و اراضی بسیار گسترده منتقل کردند و مصرف کردند و ورودی کم شد و در نتیجه آرال به یک شورزار تبدیل شد. در دریاچه ارومیه موضوع برعکس است. آب‌های آبخوان‌های اطراف دریاچه را تخلیه کردند و



آب دریاچه به آن آبخوان‌ها منتقل شده و متاسفانه ممکن است در صورت ادامه این روند آب دریاچه کم و دریاچه خشک شود و بعد از آن، باد و توفان‌های نمکی راه بیفتند و نمک‌های این محدوده را در مزارع اطراف بازپخش کند.

در شرایط فعلی محدوده اطراف دریاچه ارومیه از دو ناحیه در تهدید شوری است. همان‌طور که ممکن است این شوری از طریق چاه‌های کشاورزی منتقل شود، از طریق هوا هم امکان دارد سرایت کند و منطقه دچار یک بحران زیست‌محیطی خیلی جدی شده و امکان زیست در آنجا با مشکلات و چالش‌های عمیقی روبه‌رو شود. سیاست‌های غلط و اجازه‌های ناصحیح به برداشت آب، به خصوص در ۱۰ سال اخیر باعث شد نزدیک به ۱۰ میلیارد مترمکعب بیلان سفره‌ها منفی شود.

اگر این رقم سالانه باشد آن وقت می‌توان گفت که ذخیره‌های استاتیک آب‌های زیرزمینی در آینده نه‌چندان دور در معرض اتمام هستند؟

البته در سال‌های اخیر این میزان دوباره کم شده است. به این دلیل که بخشی از این سفره‌ها دیگر کشش ندارند و اصلاً آب نمی‌دهند. فکر می‌کنم بیلان منفی از اوج آن در سال ۸۷ که به ۱۰ تا ۱۱ میلیارد مترمکعب می‌رسید اکنون به شش تا هفت میلیارد مترمکعب کاهش پیدا کرده است. مطالعه‌ای که تحت عنوان میرایی دشت‌های ایران انجام گرفته، نشان می‌دهد در صورت ادامه روند سال‌های اخیر در برداشت بی‌رویه از منابع آب‌های زیرزمینی، عمر باقی‌مانده دشت‌های ایران بسته به شرایط خاص هر دشت میان هشت تا ۲۵ سال خواهد بود و این، زنگ‌ها را به صدا درآورده که امروز برنامه تعادل‌بخشی سفره‌های آب زیرزمینی یک ضرورت ملی است.

فکر می‌کنید چقدر از آن ذخایر استاتیک باقی مانده است؟

افق، افق وحشتناکی است. منفی شدن بیلان از زمانی بوده که تعداد چاه‌ها در ایران از حدود ۴۰ سال پیش زیادتر شده است. حفر بی‌رویه چاه و برداشت بی‌رویه از آب‌های زیرزمینی در کشور، یک پدیده نادرست بوده و مجوز دادن به چاه‌های غیرمجاز باز یک خطای استراتژیک بوده که متاسفانه اتفاق افتاده است.

به جز موضوع مجاز کردن چاه‌ها، بحث سدسازی چقدر در بحران آب

تاثیر داشته است؟

سدسازی در حوزه آب‌های سطحی است اما اکنون مشکل ما عمدتاً در حوزه آب‌های زیرزمینی است. البته حالا بعضی هم می‌گویند تعدادی از رودخانه‌ها در انتها، به دشت‌هایی می‌رفتند و نفوذ صورت می‌گرفت و منابع آب زیرزمینی هم تقویت می‌شد. ولی نوعاً سدهای بزرگ روی رودخانه‌هایی است که آب آنها به دریاها و خلیج فارس می‌ریخت. یا مثلاً به کویر می‌رفت. به اعتقاد من توسعه سدسازی، روی بحران آب‌های زیرزمینی تاثیر چندانی نداشته است بلکه سدسازی یک ظرفیتی را هم برای تنظیم و مهار آب‌های سطحی که از دسترس خارج می‌شد، ایجاد کرده است. ما امروز در کشور، با همین حدود ۱۴۰، ۱۵۰ سد مخزنی روی رودخانه‌ها، نزدیک به ۵۰ میلیارد مترمکعب، قدرت ذخیره‌سازی ایجاد کرده‌ایم. حجم مخازن این سدها، حدود ۵۰ میلیارد مترمکعب است. قبلاً که این سدها وجود نداشت، این آب‌ها می‌آمدند و می‌رفتند اما اکنون با وجود این سدها می‌توان ۵۰ میلیارد مترمکعب آب را ذخیره کرد. توجه کنید این مهم نیست که منبع آب یک کشور در آب سطحی، مثلاً ۵۰ میلیارد یا ۷۰ میلیارد مترمکعب باشد، بلکه مهم این است که چون بارندگی‌ها در زمستان و بهار است و مصرف کشاورزی در فصول بهار و تابستان، پس باید آن آب‌ها را در جایی ذخیره و در فصول مورد نیاز از آن استفاده کرد. به اعتقاد من، صنعت سدسازی ایران

و ایجاد ۵۰ میلیارد مترمکعب مخزن ذخیره‌سازی آب روی رودخانه‌های ایران، سرمایه بسیار بزرگ و بارزشی برای این مملکت و این ملت است. بعضی که قضاوت‌های خیلی عجولانه‌ای می‌کنند، می‌گویند سدسازی فاجعه ایجاد می‌کند در حالی که به نظر من این قضاوت‌ها عجولانه و غیرکارشناسی و غیرعلمی است. ممکن است بعضی از سدها، آثار زیست‌محیطی هم داشته باشند، ولی کارکردهای آنها در سطح ملی، کارکرد بسیار ارزشمندی است. مثلاً سد کرج تقریباً ۳۰۰ میلیون مترمکعب آب بسیار باکیفیت، برای شرب ۱۲ میلیون نفر جمعیت تهران، تنظیم می‌کند.

شما به بیلان منفی سفره‌های آب زیرزمینی اشاره کردید، اساساً امکان احیای این سفره‌های زیرزمینی وجود دارد؟

در درازمدت بله. اگر برداشت را مدیریت کنیم. اگر برنامه تعادل‌بخشی سفره‌های آب زیرزمینی به‌عنوان یک برنامه مهم ملی تلقی و همه ذی‌نفعان از دولت و مردم و مجلس و قوه قضائیه مشارکت جدی و مستمر کنند، امکان‌پذیر است.

با آن ۳۰۰ هزار چاه غیرمجاز که آمارش منتشر شده، چه باید کرد؟

باید این چاه‌ها را به‌تدریج با یک برنامه مدیریت‌شده از مدار استفاده خارج کرد یا مجوزهای مجموع

چاه‌ها را کاهش دهند که به بخشی از بهره‌برداران فشار وارد شود و البته با روش‌های افزایش بهره‌وری، بهره‌برداران مجاز تشویق شوند که از روش‌های درست استفاده کنند. مثلاً می‌توان به آنها وام داد که سیستم آبیاری تحت فشار را اجرا کنند یا از طریق مدرنیزاسیون کردن کشاورزی، کشاورزان را رغب کنند که مصرف سرانه در هکتار خود را کاهش دهند. در حال حاضر متوسط مصرف آب کشاورزی برای هر هکتار ۱۰ هزار مترمکعب در سال است که رقم بسیار بالایی است. باید این رقم را به چهار تا شش هزار مترمکعب در سال برسانیم.

با چاه‌های غیرمجاز چه باید کرد؟

چاه‌های غیرمجاز را باید محدود کنند و آنها را ببندند.

در دوره خودتان آمار داشتید که چقدر چاه غیرمجاز وجود داشت؟

آن موقع میزان کل چاه‌ها حدود ۴۳۰ هزار حلقه بود که اکنون این میزان به ۷۶۰ هزار حلقه رسیده و نزدیک به ۳۰۰ هزار حلقه آن غیرمجاز است.

در دوره شما از آن ۴۳۰ هزار حلقه چاه، چه تعدادشان غیرمجاز بودند؟

در دوره ما حدود ۱۰۰ هزار حلقه چاه غیرمجاز وجود داشت.

جمعیت کشور ما در سال‌های اوایل انقلاب اسلامی حدود ۳۵ تا ۳۶ میلیون نفر بود و اکنون به بیش از ۷۵ میلیون نفر رسیده است. پس به‌طور طبیعی شاخص سرانه آب شیرین تجدیدپذیر در ایران در حدود چهار دهه اخیر، نصف شده است.

چه مشکلی وجود داشت که نمی‌توانستید این چاه‌ها را ببندید؟

مشکل اجتماعی. کسانی که از این چاه‌ها استفاده می‌کنند نوعاً مردم محروم و خانواده‌های محترمی هستند.

اما همین چاه‌ها ارزش‌های میلیاردی پیدا کرده‌اند.

بله، وزارت نیرو هم از نظر قانونی اختیار بستن این چاه‌ها را دارد؛ یعنی ضابط قوه قضائیه برای پر کردن چاه‌های غیرمجاز است. با این حال اگر وزارت نیرو برای پر کردن چاه با مقاومت مردمی مواجه شود، باید از نیروی انتظامی و قوه قضائیه کمک بگیرد. کارشناس وزارت نیرو و دو کارگری که می‌خواهند چاه را پر کنند، فقط در صورتی موفق می‌شوند که

ما برای ۲۰ میلیارد مترمکعب دیگر هنوز باید سد بزنیم. یک جاهایی هنوز آب دارد خارج می‌شود؛ مثل منابع آب مرزی‌مان که باید حتماً سد بزنیم. باید برنامه‌ای هم برای مدیریت بلاهای طبیعی داشته باشیم. چرا که بازسازی زیرساخت‌های آب و برنامه ساماندهی تجارت مجازی آب ضرورت دارد



هیچ مقاومت اجتماعی‌ای وجود نداشته باشد. بلی طبق قانون، وزارت نیرو می‌تواند این کار را انجام دهد، ولی این کار در صورتی شدنی است که یک جمعیت ۵۰ یا ۱۰۰ نفره نیايند جلوی این کار را بگیرند و با کارشناس و کارگران درگیر شوند. اگر چنین درگیری‌هایی رخ دهد، وزارت نیرو باید از نیروی انتظامی درخواست کند که فضایی امن ایجاد کند تا چاه را پر کنند، نیروی انتظامی هم باید نیرو بیاورد و جمعیت مقابل را وادار و متقاعد به همکاری کند.

به صورت کلی نسخه شما برای این چاه‌ها چیست؟ واقعاً می‌توان این چاه‌ها را پر کرد یا باید به شکل دیگری آنها را ساماندهی کرد؟

در جاهایی که منجر به بحران زیست‌محیطی شده است مثل منطقه اطراف دریاچه ارومیه و برخی از دشت‌های فوق بحرانی، دولت باید با بهره‌برداران این چاه‌ها تعامل کند، هزینه‌هایی به آنها بپردازد، جایگزین‌هایی برای اشتغال‌شان فراهم کند و بعد چاه‌ها را ببندد. موضوع این نوع چاه‌ها بسیار اولویت دارد و باید خیلی سریع انجام شود.

منظورتان این است که دولت به آنها یارانه بپردازد یا صنایعی ایجاد و اهالی را در آنها مشغول به فعالیت کند؟

بستگی به امکاناتی دارد که دولت می‌تواند فراهم کند. در مورد عموم چاه‌ها، چه مجاز و چه غیرمجاز هم باید با مشارکت بهره‌برداران و سرمایه‌گذاری برای استفاده از روش‌های با راندمان بالاتر بهره‌برداری از

منابع آب، میزان مصرف را کاهش داد.

بن‌بست عجیبی در اینجا وجود دارد؛ اگر دولت بخواهد به چاه‌های غیرمجاز مجوز دهد و قانونی‌شان کند، حفر چاه غیرمجاز تشویق شده است و در مقابل هم شما می‌گویید که بستن آن تبعات خاصی دارد.

نکته مهم این است که هیچ مجوز جدیدی نباید صادر شود.

در دوره شما، مجوز جدید صادر می‌شد؟

خیلی کم. در آن دوره این موضوع را مدیریت می‌کردیم.

یعنی دولت می‌تواند مقاومت کند و مجوز جدیدی ندهد؟

خیلی سخت است، اما بله، می‌شود. باید انگیزه مدیران برای خدمت و رعایت قانون و مقررات قوی باشد. فضای قانون‌مداری در کشور هم بسیار موثر است. اگر همه ببینند که قانون باید رعایت شود، کمتر کسی به خود اجازه می‌دهد خلاف قانون رفتار کند.

ما مجوزهای تکلیفی هم در حوزه چاه‌ها داشته‌ایم؟

بله، همین قانونی که در سال ۱۳۸۹ تصویب شد، به‌نوعی مجوز تکلیفی بوده است. همیشه فشارهای سیاسی و اجتماعی برای صدور مجوز حفر چاه در دشت‌های ممنوعه زیاد بوده است، ولی تا سال ۱۳۸۵ شرکت‌ها مقاومت می‌کردند که در نهایت از سال ۱۳۸۵ به این سو که قانون‌گریزی در سطوح مختلف مدیریت کشور تقویت شد، انگیزه مدیریت‌های آب منطقه‌ای هم برای اصرار در اجرای قانون و مرتب نه گفتن و به خطر انداختن موقعیت خودشان بسیار کم شد. وقتی رئیس‌جمهور در سخنرانی‌اش می‌گفت به اینها مجوز حفر چاه بدهید، مدیر آب منطقه‌ای یا کارشناس هم با خودش فکر می‌کرد من به چه دلیلی مقاومت کنم؟

در دولت آقای روحانی شما تغییری در دادن مجوز و جلوگیری از تخلفات می‌بینید؟

قطعاً تغییراتی ایجاد شده است. من آمار ندارم، اما می‌دانم که فشار برای مجوز دادن به چاه‌های غیرمجاز برداشته شده و اکنون این فشار وجود ندارد. برای اجرای برنامه‌های خوب هم قانون خوب لازم است هم مجری خوب. یادآوری می‌کنم قوی‌ترین سندی که در بخش آب در کشور ایران تصویب شده، راهبردهای بلندمدت آب بوده که در سال ۱۳۸۲



در هیات دولت تصویب شد، ولی به مجلس نرفت. بخش‌هایی از آن در قانون برنامه چهارم آورده شد اما می‌دانید که متأسفانه سرنوشت برنامه چهارم چه شد؟ مجریان به برنامه چهارم اعتقاد نداشتند و آن را اجرا نکردند.

موضوع دیگر احتمال مهاجرت ایرانیان در سال‌های آینده به دلیل بحران آب است که آقای کلاتری، دبیر کل خانه کشاورز آن را مطرح کرده‌اند. شما فکر می‌کنید این احتمال در چه حد باشد؟

من این احتمال را بسیار ضعیف می‌دانم، به این دلیل که به هر صورت ما سالانه ۱۳۰ میلیارد مترمکعب منابع آب تجدیدپذیر داریم. مهم این است که از این منابع درست استفاده شود. باید سیاست‌گذاری شود، دولت باید ابزار و امکاناتش را فراهم کند و مردم و دولت در پیشبرد سیاست‌ها مشارکت کنند. من به عنوان راهکار برای بخش آب، چهار ماموریت استراتژیک قائل هستم. منابع آب تجدیدپذیر سرمایه بسیار ارزشمندی است که کشور ایران دارد. کشورهای امارات و عربستان این منبع را ندارند، منابع آب آنها بسیار محدود است و ناچارند بخش عمده آب مورد نیازشان را از طریق نمک‌زدایی آب دریا به دست بیاورند. ما برای این ثروت ارزشمند چهار ماموریت قائل هستیم؛ باید از این منابع در ارتقای رفاه عمومی و اجتماعی به‌درستی استفاده شود. باید از این منابع به درستی در توسعه اقتصادی استفاده شود. باید در حفاظت از محیط زیست و اکوسیستم‌های طبیعی از این منابع درست استفاده کنیم. با استفاده درست از آب، اکوسیستم‌ها را حفظ و زنده کنیم و توسعه بدهیم. استفاده دیگر هم در سطح کلان، در حفظ منافع ملی در منابع آب مشترک است. ما باید از این آب‌های مشترک خود استفاده کنیم. ما منابع آبی داریم که بین ایران و افغانستان مشترک است؛ مثل آب هیرمند یا بین ایران و عراق یا ایران و ترکمنستان مشترک است. ما باید از این منابع آب با همسایگان با دیپلماسی فعال به روشی منطقی و اصولی و به صورت درست استفاده کنیم. یکی از راهکارها ایجاد سازه‌های مناسب است. ما سد دوستی را روی رودخانه هریرود بین ایران و ترکمنستان ایجاد کردیم که هر دو کشور و در نهایت افغانستان که به عنوان کشور سوم از این رودخانه ذی‌نفع است، بتوانیم به نسبت عادلانه و منطقی، از این منابع آب استفاده کنیم. اگر این سد نبود، ایران نمی‌توانست درست از این منبع استفاده کند. اگر بخواهیم آب به عنوان یک سرمایه ملی در



این چند حوزه مورد استفاده قرار گیرد، باید برای مدیریت منابع آب، نقشه راه درست و راهبردهای درست تنظیم کنیم و سپس برنامه‌های کلیدی برای اجرای آن نقشه راه و راهبردها، تهیه شود. ما در دوره خود ۱۵ برنامه کلیدی برای استفاده درست از منابع آب در نظر گرفته بودیم که فکر می‌کنم این برنامه‌ها باید کماکان دنبال شوند. مهم‌ترین این برنامه‌ها استفاده از آب برای تامین نیازهای شرب بوده که برنامه‌های ایجاد سد و پروژه‌های انتقال آب از جمله برنامه‌ها در راستای تحقق این هدف بوده‌اند.

یعنی هنوز هم باید سد تاسیس شود؟

ما برای ۲۰ میلیارد مترمکعب دیگر هنوز باید سد بزنیم. یک جاهایی هنوز آب دارد خارج می‌شود؛ مثل منابع آب مرزی‌مان که باید حتماً سد بزنیم. باید برنامه‌های هم برای مدیریت بلاهای طبیعی داشته باشیم. برنامه مدیریت اختلافات و مناقشات، برنامه توسعه برق آبی و کاهش مصارف انرژی، برنامه مشارکت در تامین امنیت غذایی به صورت صحیح، برنامه توسعه و احیا و بازسازی زیرساخت‌های آب و برنامه سامان‌دهی تجارت مجازی آب. وقتی که ما محصولات کشاورزی خود را صادر می‌کنیم، در حال صادرات بخشی از منابع آب خود هستیم. ما باید در واردات و صادرات مواد غذایی و محصولات کشاورزی حتماً سیاست واردات محصولات پرآب و صادرات محصولات کم‌آب را داشته باشیم. چون کشور کم‌آبی هستیم و در منطقه خشکی قرار داریم. بهره‌برداری از منابع آب غیرمتعارف باید جزو برنامه‌های دولت باشد. همچنین احیای اکوسیستم‌های تخریب‌شده،

تعادل‌سازی بیلان آبخوان‌های زیرزمینی که الان به یکی از برنامه‌های بسیار ضروری و حیاتی تبدیل شده است و ایجاد برنامه‌های تطبیقی مدیریت مصرف آب با تغییرات اقلیم نیز یکی دیگر از مسائل است. برنامه سازمان‌دهی همکاری‌های بین‌المللی برای آب، برنامه‌ریزی و توسعه همکاری‌های منطقه‌ای در بخش آب هم از برنامه‌هایی است که ما اندیشیده‌ایم. الزامات اجرای این برنامه‌ها نیز چهار سیاست مهم است؛ یکی برقراری حکمرانی خوب در بخش آب، دوم بهبود و توسعه ظرفیت‌های باقی‌مانده منابع آب، سوم تامین نیازهای مالی بخش آب و ارتقای ارزش اقتصادی آب و چهارم استقرار سامانه اطلاعات مدیریت منابع آب. این کارها باید با مشارکت گسترده ذی‌نفعان یعنی بهره‌برداران، استفاده‌کنندگان و سرمایه‌گذاران بخش آب صورت بگیرد. شرط اصلی هم این است که باید واقعاً عزم و اراده سیاسی برای مدیریت بحران آب به وجود بیاید. با حرف نتیجه‌ای حاصل نمی‌شود، بلکه باید اراده سیاسی و عزم ملی در این زمینه رخ دهد، به علاوه مشارکت همه سطوح مدیریت نیاز است. اگر این اقدامات در قالب برنامه‌های بلندمدت برنامه ششم و هفتم توسعه دنبال شود، می‌تواند اثربخش باشد. نمی‌شود به آب مقطعی یا موضعی نگاه کرد، بلکه باید به این بخش جامع و بلندمدت نگاه کرد تا دوره بحران را پشت سر بگذاریم و به سمت دوره ایمن و با امنیت آبی حرکت کنیم. این امر نیز مرهون همدلی و هم‌زمانی مردم و دولت و تلاش گسترده دولت و ملت و تدوین برنامه‌های قابل اجرا در این بخش است.

ارزش یک چاه ۲/۵ برابر زمین ۲ هزار متری در شهریار

- چاه‌های غیرمجاز حداقل ۶ هزار میلیارد تومان می‌ارزند
- قاچاق ۸ هزار میلیاردی آب در کشور
- با در نظر گرفتن فروش هر ساعت آب ۱۲ هزار تومان در نقاط مختلف ایران، می‌توان تخمین زد تنها در تابستان امسال ۳۰۰ هزار چاه غیرمجاز پتانسیل بیش از هشت هزار میلیارد تومان درآمدزایی را داشته‌اند

آب است. چرا که چند سال بعد نماینده محترم مجلس موقع نزدیک شدن به انتخابات چاه‌های غیرمجاز را مجاز می‌کند.»

یک چاه یک جا چند؟

در همین مورد باشگاه خبرنگاران جوان هم بیستم خرداد ماه امسال در گزارشی صوتی به بررسی خشک شدن قنات‌ها از سویی و داغ شدن بازار چاه‌های عمیق غیرمجاز از سوی دیگر پرداخت. در این گزارش به فروش یک حلقه چاه آب شش اینچ به قیمت ۵۰ میلیون تومان اشاره می‌شود که این رقم از ارزان‌ترین چاه‌های عنوان شده در این گزارش است. در همین گزارش فردی ارزش چاه‌های منطقه شهریار را ۸۰۰ میلیون تومان عنوان می‌کند و سپس به تجارت آب در روستای کناس سفلی از توابع بخش حسن‌آباد شهرستان اقلید استان فارس اشاره می‌شود که فردی چهار حلقه چاه آب دارد و هر کدام را با قیمت ۲۰ میلیون تومان می‌فروشد.

در همین مورد محمد درویش، مدیر کل دفتر آموزش و مشارکت مردمی سازمان حفاظت محیط زیست نیز می‌گوید: در سفر اخیرم به منطقه اردکان (در استان یزد) دیدم که هر چاه آبی را با مبالغ تا چهار میلیارد تومان خرید و فروش می‌کنند. این باعث می‌شود کشاورز کار خود را که حتی کشت پسته باشد کنار بگذارد و آن پول چاه را در بانکی بگذارد و با سود آن خیلی راحت

مالی آب‌های چاه‌های غیرمجاز می‌توان این میزان را با بودجه ماهانه دولت برای پرداخت یارانه مقایسه کرد. آن طور که اخیراً علی طیب‌نیا، وزیر اقتصاد اعلام کرده دولت اکنون ماهانه ۳,۴ هزار میلیارد تومان برای پرداخت یارانه هزینه می‌کند. در واقع می‌توان برآورد کرد که میزان درآمد چاه‌های غیرمجاز کشور ۲,۳ برابر بودجه ماهانه یارانه کشور است. حال معلوم است در این چنین شرایطی ارزش هر کدام از این چاه‌ها به میلیاردها تومان برسد. در این مورد محمد حسین کریمی‌پور، مشاور رئیس اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران می‌گوید: «اکنون به شهرستان انار در استان کرمان بروید و وضعیت را ببینید. فکر می‌کنید قیمت یک حلقه چاه آب در این شهرستان چقدر است؟ اگر همین امروز در شهرستان انار استان کرمان یک چاه با دبی ۳۰ لیتر در ثانیه داشته باشید من همین الان از شما ۱۰ میلیارد تومان می‌خرم. اگر این چاه در عمق باشد من همین الان این چاه را از شما دو میلیارد تومان می‌خرم و اصلاً زمین و باغ شما را هم نمی‌خواهم، تنها برای چاه شما این میزان پول می‌دهم. پس مردم یاد گرفته‌اند یک چاه یک یا دو یا ۱۰ میلیارد تومانی را با تجاوز به قانون و گردن کلفتی و دادن رشوه‌های خرد و ریز به مامورانی که مراجعه می‌کنند به دست بیاورند و گویی که سیستم مربوطه در کشور هم به تنها چیزی که جدی نگاه نمی‌کند، موضوع ثبات

در روزهای اوج بحران کم‌آبی، برآوردها نشان می‌دهد تنها در تابستان امسال در بازار آب چاه‌های غیرمجاز قابلیت جابه‌جایی بیش از هشت هزار میلیارد تومان برای این چاه‌ها وجود داشته است. آن طور که تابستان سال گذشته اقتصادنیوز در یک گزارش میدانی به موضوع فروش آب چاه‌ها در مناطق روستایی مرکز کشور پرداخته بود برای هر ساعت آبیاری باغ‌ها در این مناطق رقمی حدود ۱۲ هزار تومان پراخت می‌شود. این رقم حاکی از آن است که هر چاه موجود در مناطق مرکزی ایران قابلیت درآمدزایی روزانه ۲۸۸ هزار تومان و ماهانه هشت میلیون و ۶۴۰ هزار تومان را دارد. اگر تنها برای فصل تابستان هم این رقم محاسبه شود می‌توان برآورد کرد در ۹۳ روز تابستان امسال قابلیت درآمدزایی هر چاه ۲۶ میلیون و ۷۸۴ هزار تومان وجود داشته است. این در حالیست که به گفته محمد حاج‌رسولی‌ها، مدیر عامل شرکت مدیریت منابع آب ایران بیش از ۳۰۰ هزار چاه غیرمجاز در کشور وجود دارد. بدین ترتیب می‌توان تخمین زد این ۳۰۰ هزار چاه غیرمجاز تنها اگر در تابستان امسال فعال بوده‌اند قابلیت تبادل بیش از هشت هزار میلیارد تومان به واسطه آب را داشته‌اند.

درآمد چاه‌های غیرمجاز ۲,۳ برابر بودجه ماهانه یارانه

به گزارش اقتصادنیوز، در مورد بزرگی گردش





زندگی کند. اما کاربرد این چاهها چه می‌تواند باشد و مشتریان این چاهها چه کسانی هستند؟ در این مورد نیز درویش توضیح می‌دهد که افرادی برای بهره‌برداری از آب این چاهها در کارخانه‌های فولادسازی، ساخت سفال و آجر و سیمان‌سازی یا حتی بخش معدن این چاهها را می‌خرند.

ارزش حداقل ۶ هزار میلیاردی این چاهها

به گزارش اقتصادنیوز، از سوی دیگر تجارت آب یا خود این چاهها چندان هم غیررسمی به نظر نمی‌رسد. البته اگر این چاهها مجوز یا سنددار باشند که خیلی راحت‌تر خریدوفروش می‌شوند. این امکان حتی از طریق آگهی اینترنتی نیز امکان‌پذیر است. همان‌طور که در یکی از سایت‌ها فروش تنها ۱۸ ساعت آب یک چاه عمیق با پنج هکتار زمین، شش اینچ آب‌دهی و زمین مرغوب بابت کشاورزی در یکی از دشت‌های منطقه خارطوران، شهرستان شاهرود با سند شش دانگ آگهی شده و قیمت آن را ۴۰ میلیون تومان درج کرده‌اند. مراجعه به آگهی‌های فروش باغ‌ها و زمین‌های کشاورزی و حتی بنگاه‌های اقتصادی‌ای مانند واحدهای پرورش انواع دام نشان می‌دهد که یکی از امتیازهای ویژه این مکان‌ها داشتن چاه آب یا حتی داشتن حق برداشت مثلا یک ساعته آب در روز است. در واقع این موضوع امتیازی است برای فروش گران‌تر این زمین‌ها و واحدهای کشاورزی یا صنعتی.

در هر صورت با در نظر گرفتن رقم حداقلی

ارزش این چاه‌های غیرمجاز که در این گزارش ۲۰ میلیون تومان است می‌توان برآورد کرد که این ۳۰۰ هزار حلقه چاه غیرمجاز حداقل بیش از شش هزار میلیارد تومان ارزش دارند.

مقایسه قیمت چاه و باغ

با این حال فروش مجزای این چاهها هم رونق خاص خودش را دارد و به نظر می‌رسد در مناطق مختلف این چاهها با قیمت‌های متفاوتی خریدوفروش می‌شوند. از سوی دیگر مقایسه ارزش این چاهها و آب‌های آنها با قیمت زمین‌ها و باغ‌های اطراف شهر تهران که در مقایسه با دیگر استان‌های کشور هنوز جزو خشک‌ترین مناطق کشور محسوب نمی‌شود قابل توجه است. مثلا در همان نقطه از تهران که یک حلقه چاه آب بیش از ۸۰۰ میلیون تومان ارزش دارد یک قطعه باغ به مساحت دو هزار متر تنها ۳۲۰ میلیون تومان قیمت‌گذاری شده است.

در واقع به نظر می‌رسد مثلا در یک نقطه از کشور یک حلقه چاه آب ۲٫۵ برابر ارزش یک زمین دو هزار متری است. آن‌طور که اقتصادنیوز هم گزارش داده هر متر باغ در شهریار ۱۶۰ هزار تومان است که با احتساب این رقم هم می‌توان برآورد کرد که یک حلقه چاه در شهریار معادل پنج هزار متر باغ در این منطقه است. این نسبت در مناطق دیگر اطراف تهران نیز قابل توجه است. برآوردها با توجه به قیمت هر متر زمینی که اقتصادنیوز بیستم مرداد ماه امسال منتشر

کرده نشان می‌دهد که با فروش یک حلقه چاه در شهریار می‌توان هشت هزار متر باغ در هشتگرد یا شش هزار و ۶۶۶ متر باغ در سهیلیه کرج یا شش هزار و ۱۵۳ متر باغ در وادان دماوند یا چهار هزار و ۳۲۴ متر باغ در آبسرد دماوند یا سه هزار و ۶۳۶ متر باغ در طالقان یا دو هزار و ۶۶۶ متر باغ در ملارد یا هزار و ۸۱۸ متر باغ در طاووسیه کرج یا ۴۹۰ متر باغ در منطقه هنزک لواسان خرید. همه این آمارها نشان می‌دهد که ارزش باغ‌های اطراف تهران نسبت به چاه‌های این مناطق چقدر کم‌ارزش‌ترند.

شاید به همین واسطه هم است که در برخی از شهرستان‌های کم‌آب مانند مناطق مرکزی ایران هنگام معاملات بر سر این چاهها فرد خریدار حتی اشاره‌ای به ارزش خود باغ یا زمین نمی‌کند و تنها بر سر قیمت چاه آب چانه‌زنی انجام می‌شود. با این حال وجود این چاه‌های ارزشمند در باغ‌ها و زمین‌ها در حالیست که بخشی از آنها اصلا پروانه بهره‌برداری ندارند اما در سال‌های اخیر مسدود نشده‌اند.

چاه‌هایی که به گفته برخی از مقامات مسوول هنگام مسدود کردن آنها مردم منطقه مقاومت‌هایی را از خود نشان می‌دهند که در نهایت از تخریب و مسدود کردن آن چاه‌ها ممانعت به عمل می‌آید. تعداد آنها نیز همچنان به نظر می‌رسد صعودی باشد که در پایان دولت هشتم ۱۰۰ هزار حلقه بود و اکنون سه برابر آن رقم گذشته شده است.



حضور شرکت کیسون در جمع صد پیمانکار برتر بین‌المللی صنعت ساخت و ساز جهان



برای نخستین بار در تاریخ ساخت و ساز کشور، یک شرکت خصوصی ایرانی به نام شرکت سهامی عام کیسون در جمع ۱۰۰ پیمانکار برتر بین‌المللی جهان در سال ۲۰۱۵ قرار گرفت.

شرکت کیسون براساس عملکرد سال ۲۰۱۴ خود در رقابت با ۲۵۰ پیمانکار برتر جهان در سال ۲۰۱۵، با ۱۹ پله ارتقا نسبت به سال قبل، رتبه ۹۹ جهان را در فعالیت‌های برون‌مرزی در بازارهای بین‌المللی بدست آورد.

این شرکت همچنین با پنج پله ارتقا نسبت به سال قبل، رتبه ۲۰۷ را در مجموع فعالیت‌های درون و برون‌مرزی کسب کرد.

آنچه اهمیت این موفقیت را دوچندان می‌کند این است که فعالیت شرکت‌های ایرانی در سال‌های اخیر به دلیل تحریم‌های بین‌المللی با محدودیت‌های فراوانی روبرو بوده است.

پایگاه تحلیلی اطلاعاتی ای.ان.آر که اخبار مربوط به پروژه‌ها و افراد شاغل در صنعت ساختمان را در سطح بین‌المللی منتشر می‌کند، نوشت: هر ساله بر اساس شاخص‌هایی، ۱۰۰ شرکت برتر ساختمانی جهان معرفی می‌شوند. برتری مستمر و پایدار در مدیریت پروژه و ساخت، توانایی به نمایش گذاردن دانش ژرف در صنعت و لحاظ خواسته‌ها و سلیقه مشتریان از جمله این شاخص‌ها است.

موسسه (ای.ان.آر) با بیش از ۱۳۰ سال سابقه در این زمینه از چند دهه پیش اقدام به رتبه‌بندی شرکت‌ها در زمینه‌های پیمانکاری، طراحی و غیره نموده است.

اکثر قریب به اتفاق بزرگان صنعت ساخت و ساز دنیا در این رتبه‌بندی شرکت دارند. مجموع درآمد ۲۵۰ شرکت برتر دنیا در سال ۲۰۱۴ با حدود ۳,۴ درصد افزایش نسبت به سال پیش به بیش از ۹۰۹ میلیارد دلار رسیده که در این میان سهم شرکت کیسون حدود ۹۰۹ میلیون دلار بوده است.

شرکت اتکینز آمریکای شمالی که فقط ۷۵ نمایندگی و بیش از دو هزار و ۷۰۰ شاغل در این منطقه دارد، در مدیریت برنامه، رتبه یازدهم جهان را بدست آورد و یکی از شرکت‌های زیرمجموعه آن به نام فیت فول+گولد، رتبه ۱۴ جهان را در مدیریت ساختمان به دست آورد.

آقای مهندس رضا امیرخلیلی رییس و مدیرعامل این شرکت نیز به عنوان چهره برجسته صنعت ساختمان جهان انتخاب شد.

گفتنی است، کیسون یک شرکت خصوصی است که خدمات مهندسی و ساخت را در یک تراز جهانی در زمینه طراحی، مدیریت، تدارک و اجرای پروژه‌های بزرگ و چند نظامه به کارفرمای داخلی و خارج از ایران ارائه می‌دهد.

این شرکت طی بیش از یک دهه گذشته بخش مهمی از منابع خود را به حضور راهبردی در بازار جهانی ساخت و ساز از جمله گینه استوایی، الجزایر و سودان در آفریقا، هندوستان، عمان و سایر کشورهای خلیج فارس در آسیا، قرقیزستان، قزاقستان و بلاروس در کشورهای مستقل مشترک المنافع، جمهوری بولیوی و ونزوئلا در آمریکای لاتین اختصاص داده است.

کیسون تنها شرکت در میان پیمانکاران عمومی کشور است که شش بار در سال‌های ۱۳۷۹، ۱۳۸۰، ۱۳۸۶، ۱۳۸۷، ۱۳۸۸ و ۱۳۸۹ به عنوان صادرکننده نمونه خدمات فنی و مهندسی انتخاب شده است. این شرکت در حال حاضر برخی از بزرگترین پروژه‌های جهان را طراحی می‌کند و می‌سازد. در نتیجه امروز بخش بزرگی از درآمد شرکت از پروژه‌های برون‌مرزی تأمین می‌شود. خدماتی که این شرکت به کارفرماهای داخلی و بین‌المللی خود ارائه می‌دهد، تمام رشته‌های اصلی صنعت ساخت را در برمی‌گیرد.

سندیکای شرکت‌های ساختمانی ایران این موفقیت را به عنوان افتخار بخش خصوصی ایران به مدیران و کارکنان سختکوش شرکت کیسون خصوصاً جناب آقای مهندس محمدرضا انصاری ریاست هیات مدیره شرکت کیسون تبریک عرض نموده و آرزوی سربلندی و توفیق روزافزون را برایشان دارد.



جناب آقای مهندس محمدرضا انصاری
ریاست هیات مدیره شرکت کیسون



" دستور العمل شماره (۴۱) روابط کار "

مدیران کل محترم تعاون، کار و رفاه اجتماعی استان ها

با سلام و احترام

به موجب تبصره (۳) الحاقی به ماده (۷) قانون کار، موضوع بند (۱) ماده (۴۱) قانون «رفع موانع تولید رقابت پذیر و ارتقای نظام مالی کشور» مصوب ۱۳۹۴/۲/۱۱ مجلس شورای اسلامی؛ وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، مکلف شده است برای قراردادهای کتبی نمونه برگ مخصوص تهیه نموده و در اختیار کارگران و کارفرمایان قرار دهد، نمونه قرارداد تهیه شده در یازده بند، به موجب این دستورالعمل برای آگاهی و اجرا ابلاغ می شود؛ در ضمن به پیوست قانون رفع موانع تولید رقابت پذیر و ارتقای نظام مالی کشور که ماده (۴۱) آن اصلاحاتی در قانون کار وارد کرده است نیز ابلاغ می گردد.

۱- بند (۱) قرارداد با توجه به ماده (۱۰) قانون کار، مشتمل بر مشخصات دقیق طرفین می باشد. در این بند منظور از نوع و میزان مهارت، مهارت کارگر از نظر کارگر «ساده»، «نیمه ماهر» و «ماهر» و یا درجه مهارت در مورد کارگرانی که مهارت آنان درجه بندی شده است، می باشد. لازم به ذکر است که در صورت اختلاف در نوع و میزان مهارت بین طرفین؛ نظر سازمان آموزش فنی و حرفه ای کشور یا دیگر مراجع صاحب صلاحیت ملاک عمل خواهد بود.

۲- بند (۲) قرارداد مشخص کننده نوع قرارداد است و بر حسب این که قرارداد «دائم»، «موقت» یا «کار معین» باشد، می بایست در محل مربوط درج شود. «قرارداد دائم» به قراردادی گفته می شود که کار ماهیتاً مستمر بوده و مدتی نیز در قرارداد ذکر نشده و یا تاریخ انقضای برای قرارداد تعیین نشده باشد، «قرارداد مدت موقت» قراردادی است که مدت در آن ذکر می شود و یا اینکه تاریخ انقضای قرارداد تعیین می شود و یا ماهیت کار مستمر نمی باشد. قرارداد کار «کار معین» قراردادی است که در آن کارگر برای انجام کار مشخصی به کار گرفته می شود و بعد از اتمام کار، قرارداد نیز خاتمه می یابد.

۳- در بند (۳) قرارداد، «نوع» کار یا حرفه یا «حجم» کار و یا وظیفه ای که کارگر به آن اشتغال می یابد نوشته می شود. منظور از حجم کار در قرارداد، واحد کالا یا محصول و میزان کاری است که در نظام کارمزدی یا کارمزد ساعتی در مقابل دریافت کارمزد، مورد توافق طرفین قرار می گیرد.

۴- در صورت توافق طرفین مبنی بر واریز حقوق و مزایا به حساب کارگر، بند (۷) قرارداد تکمیل می گردد.

۵- به استناد بند (ح) الحاقی به ماده (۱۰) قانون کار و بند (ز) الحاقی به ماده (۲۱) قانون کار موضوع بندهای (۲) و (۳) ماده (۴۱) قانون «رفع موانع تولید رقابت پذیر و ارتقای نظام مالی کشور»، طرفین می توانند در صورت توافق در قرارداد کار حق فسخ درج نمایند. لازم به توضیح است که گنجانیدن شرط فسخ، ویژه قراردادهای غیر موقت (دائم)

می باشد و در صورت درج این شرط در قراردادهای مدت موقت یا کار معین، شرط مندرج باطل خواهد بود. همچنین شرط فسخ نباید خلاف قانون بوده و باید عرفاً و عقلاً امکان پذیر باشد.

۶- با عنایت به اینکه به موجب بند (ز) الحاقی به ماده (۲۱) قانون کار موضوع بند (۳) ماده (۴۱) قانون «رفع موانع تولید رقابت پذیر و ارتقای نظام مالی کشور» آمده است که «فسخ قرارداد به نحوی که در متن قرارداد (منطبق با قانون کار) پیش بینی شده است» بنابراین فسخ قرارداد کار باید شامل مواردی باشد که در قانون کار پیش بینی شده است به همین لحاظ و از آنجا که به موجب ماده (۱۶۵) قانون کار اخراج کارگر (فسخ یک جانبه قرارداد کار از طرف کارفرما) بدون دلایل موجه پیش بینی نشده است؛ به همین دلیل موضوع حق فسخ مزبور در بند (ز) ماده (۲۱) قانون کار شامل خیار شرط موضوع ماده (۳۹۹) قانون مدنی نمی شود و در نتیجه گنجاندن مدت معین برای فسخ قرارداد از طرف کارفرما یا کارگر یا هر دو یا شخص خارجی در قرارداد کار صحیح نبوده و باطل می باشد و در صورت گنجاندن مدت مزبور، مثل آن است که در قرارداد کار گنجانده نشده است؛ بنابراین حق فسخ مزبور در بند (ز) ماده (۲۱) قانون کار، شامل انواع دیگر خیار هم چون خیار تخلف از شرط می باشد؛ به این معنی که به عنوان مثال کارفرمایان می توانند با توافق کارگران در قراردادهای کار دائم شرط نمایند که در صورت تخلف کارگر از آیین نامه های انضباطی کارگاه، کارفرما بتواند قرارداد کار را فسخ نماید.

۷- با عنایت به تبصره (۴) الحاقی به ماده (۷) قانون کار موضوع ماده (۴۱) قانون «رفع موانع تولید رقابت پذیر و ارتقای نظام مالی کشور»، کارفرمایان موظفند به کارگران با قرارداد موقت به نسبت مدت کارکرد، مزایای قانونی پایان کار را به ماخذ هر سال یک ماه آخرین مزد پرداخت نمایند».

۸- از تاریخ ابلاغ این دستورالعمل، دستورالعمل شماره (۱۱) روابط کار به شماره ثبت ۹۴۶۴۷ مورخ ۱۳۸۸/۹/۲۱ منسوخ و این دستورالعمل جایگزین آن می شود. مدیران کل محترم تعاون، کار و رفاه اجتماعی استان ها مسوول حسن اجرای این دستورالعمل بوده و مفاد آن باید بلافاصله پس از ابلاغ، به اطلاع کلیه کارشناسان و کارکنان مربوط رسانده شود.


سید حسن هاشناس
معاون وزیر




جمهوری اسلامی ایران
وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی

قرارداد کار

(۱) مشخصات طرفین:

کارفرما / نماینده کارفرما:

آقای / خانم / شرکت فرزند شماره شناسنامه / شماره ثبت
به نشانی:

کارگر:

آقای / خانم فرزند متولد شماره شناسنامه
شماره ملی میزان تحصیلات نوع و میزان مهارت
به نشانی:

(۲) نوع قرارداد: دائم موقت مدت قرارداد: کار معین

(۳) نوع کار یا حرفه یا حجم کار یا وظیفه ای که کارگر به آن اشتغال می یابد:

(۴) محل انجام کار: (۵) ساعت کار:

(۶) حق السعی:

الف: مزد ثابت / مبنای روزانه / ساعتی ریال (حقوق ماهانه: ریال)

ب: حق مسکن

ج: بن کارگری

د: حق اولاد

(۷) حقوق و مزایای کارگر: بصورت هفتگی / ماهانه به حساب شماره نزد بانک
شعبه توسط کارفرما یا نماینده وی پرداخت می گردد.

(۸) بیمه: به موجب ماده (۱۴۸) قانون کار، کارفرما مکلف است کارگر را نزد سازمان تامین اجتماعی بیمه نماید.

(۹) عیدی و پاداش سالانه: به موجب ماده واحده قانون مربوط به تعیین عیدی و پاداش سالانه کارگران شاغل در کارگاه های مشمول قانون کار، مصوب ۱۳۷۰/۱۲/۶ مجلس شورای اسلامی، به ازای یک سال کار معادل شصت روز مزد ثابت / مبنای (تا سقف نود روز حداقل مزد روزانه قانونی کارگران) به عنوان عیدی و پاداش سالانه به کارگر پرداخت می شود. برای کار کمتر از یک سال، میزان عیدی و پاداش و سقف مربوط به نسبت کارکرد محاسبه خواهد شد.

(۱۰) حق سنوات یا مزایای پایان کار: به هنگام فسخ یا خاتمه قرارداد کار حق سنوات، مطابق قانون به کارگر پرداخت می شود.

(۱۱) این قرارداد در تاریخ: روز ماه سال در چهار نسخه تنظیم گردید که یک نسخه نزد کارفرما، یک نسخه نزد کارگر، یک نسخه به شکل کارگری (در صورت وجود) و یک نسخه نیز توسط کارفرما به اداره تعاون، کار و رفاه اجتماعی محل تحویل داده می شود.

امضای کارگر

امضای کارفرما / نماینده کارفرما

بررسی بخشنامه ماده ۱۶۹ قانون مالیات‌های مستقیم

معتبر اطلاع‌رسانی گردد.

- در ادامه آقای مهندس ملکبانی فر ریاست هیأت‌مدیره سندیکای شرکتهای ساختانی ایران با دفاع از نظرات آقای مهندس انصاری، توضیح کاملی از مشکلات ایجاد شده توسط این بخشنامه برای اعضا و علی‌الرأس شدن دفاتر مؤدیان در رسیدگی به دفاتر به استناد بخشنامه فوق را بیان نمودند و خواستار اصلاح بخشنامه شدند و یادآور شدند مشکل شرکتهای کاغذی باید از طرف خود وزارت امور اقتصاد و دارائی حل گردد. صحبت‌های آقای مهندس ملکبانی فر مورد توجه نمایندگان قوای سه‌گانه در جلسه قرار گرفت و در نهایت سه پیشنهاد برای حل مشکل بیان نمودند:

- ۱- غربالگری کلیه کدهای اقتصادی مودیان که سازمان امور مالیاتی ارائه نموده
- ۲- تاریخ دار شدن لیستهای اعلامی شرکتهای کاغذی در سامانه سازمان امور مالیاتی عدم عطف به ماسبق شدن در رسیدگیها (در رسیدگی به دفاتر مودیان به علت مشخص نبودن تاریخ درج اسامی شرکتهای کاغذی در لیست سیاه سازمان ممیزین مالیاتی بدون توجه به تاریخ رسیدگی می‌کنند)
- ۳- حذف بخش مورد ايراد از هزینه‌های اعلامی در صورت احراز تخلف، نه علی‌الراس شدن دفاتر مودیان. (در ماده ۱۶۹ مکرر جریمه را ذکر کرده و در بخشنامه علی‌الراس شدن آمده است)

آقای دکتر عسگری و آقای وکیلی از سازمان امور مالیاتی با توضیح در مورد بخشنامه ماده ۱۶۹ مکرر اقدامات خود و ممیزین مالیاتی را مطابق قانون اعلام نمودند و موارد زیر را بیان نمودند:

- سازمان رسیدگی به دفاتر مودیان را بر مبنای بررسی اطلاعات حاصله از مودیان گذاشته است. ارائه اطلاعات فصلی مبنای رسیدگی سازمان امور مالیاتی است.
- ۴۸۵ هزار مودی طرف سازمان داریم که ۸ هزار نفر در لیست سیاه قرار گرفته‌اند.
- در ادامه با بیان اینکه اصلاح نظام مالیاتی کشور در دست است، در نظام جدید رابطه مودی و ممیز قطع می‌گردد و مبنای تشخیص مالیات گرفتن درست اطلاعات است و در اجرای قانون تکلیف قانون بایستی مورد عمل واقع شود.
- پس از توضیحات دیگر نمایندگان و اعضای انجمنها در جلسه، خانم دکتر امین‌زاده بر رفع مشکلات بخش خصوصی تاکید نمودند.

مصوبات جلسه :

- مقرر گردید سازمان امور مالیاتی سامانه مالیات بر ارزش افزوده تحت عنوان «مودیان ثبت نام شده فاقد اعتبار به دلیل

جلسه با ریاست سرکار خانم امین‌زاده معاونت حقوقی ریاست جمهوری و با حضور آقایان دکتر کهزادی نماینده قوه قضائیه، آقای مهندس بذریاش نماینده مجلس شورای اسلامی و آقای دکتر عسگری ریاست سازمان امور مالیاتی، آقای وکیلی معاونت سازمان مالیاتی و آقای جلال‌پور ریاست اتاق بازرگانی ایران و نمایندگان سازمان تامین اجتماعی و نمایندگان انجمنهای صنفی و آقای مهندس ملکبانی فر نماینده سندیکای شرکتهای ساختانی ایران از ساعت ۱۷/۰۰ روز دوشنبه مورخ ۱۹/۵/۹۴ شروع و ساعت ۲۰/۳۰ خاتمه یافت.

- **دستور جلسه:** بررسی بخشنامه شماره ۵۳۷/۹۳/۲۰۰ در خصوص اجرایی شدن ماده ۱۶۹ مکرر قانون مالیاتهای مستقیم و نحوه برخورد و اقدام در ارتباط با اطلاعیه‌های واصله از سامانه دریافت اطلاعات موضوع ماده ۱۶۹ مکرر قانون مالیاتهای مستقیم از حیث رویه رسیدگی ادارات امور مالیاتی به معاملات صورت گرفته شرکتهای با اشخاص مجهول‌المکان، شرکتهای کاغذی و امثالهم و همچنین مراتب اعتراض راجع به کسر حق بیمه از مزایای رفاهی و انگیزه‌های کارگران مشمول قانون کار در دستور جلسه این نشست قرار داشت.

- آقای مهندس جلال‌پور ریاست اتاق بازرگانی ابتدای جلسه گزارشی از فعالیتهای کمیته ماده ۷۵ و ۷۶ قانون برنامه پنجم توسعه را توضیح دادند. برنامه اتاق بازرگانی ایران در دوره جدید فعالیت جداگانه کمیته ماده ۷۵ و ۷۶ با کمیته شورای گفت و گو می‌باشد و در نظر داریم قوانین محل کسب و کار را احصاء نمائیم و در کمیته‌ها مطرح و بررسی و به دولت جهت رفع آنها اعلام نمائیم.

- خانم دکتر امین‌زاده پس از تبریک به آقای جلال‌پور بابت انتخاب ایشان به ریاست اتاق بازرگانی ایران اعلام نمودند: دولت در نظر دارد از طریق ارتباط با کمیته ماده ۷۶ اتاقهای تهران و شهرستانها قوانین مزاحم کسب و کار را احصاء و در رفع آن اقدام نماید. یکی از اولویتهای دولت و توجهات دولت یازدهم، شفافیت قوانین و ثبات قوانین مورد توجه و خواست دولت است و بیان نمودند امیدواریم که آئین دادرسی تجاری که تحت بررسی مجلس است تصویب شود تا مشکل بخش خصوصی در این زمینه مرتفع گردد.

- آقای انصاری از انجمن مدیران صنایع با اعتراض به بخشنامه شماره ۵۳۷/۹۳/۲۰۰ اعلام نمودند اصلاح بخشنامه‌ها با هدف تسهیل فضای کسب و کار باشد و درخواست ما اصلاح بخشنامه و تصویب بند ۲ جلسه قبلی مصوبه کمیته ماده ۷۶ است «فهرست شرکتهای فاقد اعتبار موصوف مورخ شده و ممیزان مالیاتی در مقام رسیدگی به امر، آثار این دسته‌ای را نسبت به طرف معامله تسری نداده و به اصطلاح عطف به ماسبق ننمایند» و نام شرکتهای کاغذی از طریق رسانه‌های

درخواست اصلاح تاریخ تعلق و مآخذ محاسبه مالیات پیمانکاری

هیات دولت را توضیح دادند و اعلام کردند در حال حاضر اطلاعاتی از تغییرات انجام گرفته یا نگرفته در متن ندارند و مشکلات حوزه پیمانکاری در بخش خصوصی مربوط به تاریخ تعلق مالیات و مآخذ مالیات است، که درخواست مهندسان مشاور و پیمانکاران «اصلاح تاریخ تعلق مالیات» است.

■ در ادامه آقای مهندس ملکینی فر رئیس هیات مدیره سندیکای شرکتهای ساختمانی ایران با تشریح مشکلات پیش نویس لایحه، درخواست اصلاح بند ۵ ماده ۱۶ لایحه که موضوع تاریخ تعلق مالیات پیمانکاری می باشد را مطرح و درخواست کرد: ماده ۹ قانون حداکثر استفاده از توان تولیدی و خدماتی کشور مصوب ۱۳۹۱/۰۵/۱ که مشکل بخش پیمانکاری را در دریافت مالیات بر ارزش افزوده و تاریخ تعلق مشخص و مرتفع نموده در پیش نویس لایحه اعمال گردد. مهندس ملکینی فر اضافه کرد: همچنین لازم است مواد ۲۹ و ۳۰ که تفکیک کارفرمایان بخش دولتی و غیردولتی و واریز مالیات بر ارزش افزوده مستقیماً به حساب سازمان امور مالیاتی که مغایر با روح و تعریف قانون مالیات بر ارزش افزوده می باشد، حذف گردد. وی تاکید کرد: در صورتی که تاریخ تعلق مالیات پیمانکاری به تاریخ دریافت صورت وضعیت از کارفرمایان اصلاح شود مشکل این بخش حل می گردد و نیازی به پیچیدگی مواد هم نمی باشد.

■ آقای ارسلان فتحی پور اعلام کرد کمیسیون اقتصادی مجلس بررسی مالیات بر ارزش افزوده را در دستور کار خود دارد.

■ آقای دکتر عسگری به تصمیم گیری در مورد نحوه پرداخت مالیات بر ارزش افزوده کارفرمایان دولتی اشاره داشت و به زعم ایشان تصمیم درستی گرفته شده است.

■ با توجه به اینکه طرفین به جمع بندی مشترک و تصمیم واحدی نرسیدند؛ مقرر شد آقای دکتر پدram سلطانی نماینده اتاق ایران در کمیسیون اقتصادی دولت که لایحه را بررسی می کند، حضور یافته و نظرات بخش خصوصی را منتقل نماید.

پنجاهمین نشست جلسه شورای گفت و گوی دولت و بخش خصوصی ایران با ریاست آقای دکتر طیب نیا وزیر اقتصاد و با حضور آقایان تاجگردون، ارسلان فتحی پور نمایندگان مجلس شورای اسلامی، آقای دکتر کهزادی نماینده قوه قضائیه، آقای جلال پور رئیس اتاق بازرگانی و دبیر شورا، آقای دکتر عسگری و آقای پناهی از سازمان امور مالیاتی، آقای محمدی معاون وزیر اقتصاد، آقای کمیجانی قائم مقام بانک مرکزی، نمایندگان اتاق های تعاون و اصناف و استاندار، نمایندگان شورای گفت و گوی استان قزوین، شماری از نمایندگان انجمن های بخش خصوصی و اصناف کشور، آقای مهندس ملکینی فر، آقای مهندس مسعودی و آقای تکلی در این جلسه به عنوان نمایندگان سندیکا حضور داشتند.

دستور جلسه این نشست ارائه گزارش تعدادی از حاضرین در جلسه درباره پاسخ در خور توجه هیات محترم دولت و وزارت اقتصاد به اعتراضات و آراء تشکلهای اقتصادی نسبت به موادی از «پیش نویس لایحه دائمی مالیات بر ارزش افزوده» بود.

در پی اعتراض و یا سوالات حاضران در جلسه موارد زیر توسط وزیر و یا نمایندگان دولتی عنوان شد:

■ تکلیف به سپرده گذاری ۵٪ تسهیلات در نزد بانکها، غیرقانونی است (بلوکه کردن ۵٪ از سپرده ها توسط بانک غیر قانونی است) و در صورت مشاهده با ارائه مستندات به بانک مرکزی اعلام نمایند تا برخورد شود.

■ ضرورت اصلاح ورود به سیستم نرم افزاری سامانه جامع ارائه اطلاعات فصلی

■ ضرورت اعلام به موقع به مؤدیان و فعالان اقتصادی در صورت ممنوع الخروجی از سوی هریک از ارگانها و سازمان های دولتی از جمله بانک و سازمان امور مالیاتی.

■ آقای دکتر پدram سلطانی در خصوص موضوع مالیات بر ارزش افزوده روند اقدامات و جلسات برگزار شده و بررسی پیش نویس لایحه در

■ نمایندگان سازمان امور مالیاتی اشاره نمودند در صورتی که (بارنامه، رسید انبار یا رسید واریز چک) مودیان دو مورد از این سه مورد را داشته باشد در رسیدگی دفاتر مورد قبول است.

■ غربالگری کدهای اقتصادی صورت گیرد. بحث و تبادل نظر در خصوص دستور جلسه دوم به علت ضیق وقت به نشستهای آتی کمیته موکول شد.

صدور صورت حسابهای غیرواقعی» را به نحو مستمر و موثر مورد پایش قرار دهد همچنین به جهت عدم اتفاق نظر در خصوص پیشنهاد های مطرحه سازمان امور مالیاتی و تشکلهای مربوطه مقرر گردید جلسه کارشناسی تکمیلی نیز تشکیل گردد و نتایج حاصله از آن در جلسه آتی کمیته ماده ۷۶ به منظور اخذ تصمیم نهایی ارسال گردد.



پروفسور محمد هاشم پسران

خروج از سه توقفگاه اقتصادی

پروفسور محمد هاشم پسران اقتصاددان برجسته ایرانی در جهان معتقد است اقتصاد ایران در سال‌های اخیر به واسطه مشکلات موجود در ۳ نقطه توقف کرده است؛ «کاهش سرمایه‌گذاری»، «کاهش توان تولید و خدمات» و «رکود و بیکاری» ۳ توقفگاه اقتصادی که مورد تاکید پروفسور هاشم پسران است. این اقتصاددان برجسته ایرانی معتقد است برای اینکه اقتصاد ایران به سمت توسعه حرکت کند باید از این ۳ توقفگاه عبور کرد و لازمه اصلی این موضوع این است که سیاست‌های اقتصادی این ۳ توقفگاه مورد تاکید قرار بگیرد. همزمان با حصول توافق هسته‌ای میان ایران و گروه ۵+۱ بسیاری از کارشناسان اقتصادی معتقدند اقتصاد ایران به منظور استفاده صحیح از تمام ظرفیت‌های موجود اقتصادی در آغاز گشایش‌های مجدد، نیازمند انجام اصلاحات ساختاری و برطرف کردن عدم تعادل‌های مزمینی است که سال‌هاست اقتصاد را رنجور و ضعیف و در برابر تحریم ضربه‌پذیر کرده است. در همین رابطه پروفسور محمد هاشم پسران، اقتصاددان برجسته ایرانی و استاد اقتصاد کمبریج و کالیفرنیا، جنوبی در گفت‌وگو با هفته‌نامه «تجارت فردا» به تشریح وضعیت اقتصاد ایران در پسا تحریم پرداخته و ۳ مسیر پیشنهادی به منظور توسعه اقتصادی را توصیه کرده است.

توصیه اول: افزایش سرمایه‌گذاری

نخستین توصیه‌ای که از سوی پروفسور پسران مطرح شده مربوط به سرمایه‌گذاری منابع ارزی آزاد شده و درآمدهای نفتی است. به اعتقاد این اقتصاددان برجسته منابع بلوکه‌شده ایران در خارج که با رفع تحریم‌ها آزاد خواهد شد نباید مصرفی جز سرمایه‌گذاری داشته باشد، درآمد حاصل از فروش نفت نیز در صندوقی برای سرمایه‌گذاری ذخیره شود و صرفاً از درآمدهای این صندوق بتوان هزینه کرد. ضمن اینکه سرمایه‌گذاری در صنایع نفت، گاز و پتروشیمی باید به عنوان مزیت اقتصاد ما صورت بگیرد. پروفسور پسران در این رابطه به وضعیت اقتصادی کشور نروژ اشاره می‌کند: نروژ کشوری نسبتاً کوچک خارج از بازار اروپاست؛ اما با این همه توانسته نرخ ارز خود را از نوسانات درآمدهای نفتی تا حدود زیادی ایمن نگه دارد. نروژی‌ها با ایجاد یک صندوق ذخیره ارزی که

به نوعی یک صندوق بازنشستگی دولتی است، درآمدهای نفتی خود را به آن صندوق واریز و به تدریج از منابع آن برای درآمدزایی کشورشان استفاده کرده‌اند. این اقتصاددان برجسته ایرانی افزود: ممکن است برخی بگویند که اقتصاد ایران مانند نروژ نیست که حرف درستی است، اما نروژی‌ها هم می‌توانستند مانند ما درآمدهای نفتی را در داخل اقتصادشان مصرف کنند که به احتمال فراوان با وابستگی شدید به درآمدهای نفتی، دچار مشکلات اقتصاد ایران می‌شدند، اما آنها در شرایط فعلی یک صندوق برای سرمایه‌گذاری دارند که برای یک کشور پنج میلیون نفری بیش از ۹۸۰ میلیارد دلار منابع ذخیره‌شده دارد. وی ادامه داد: با این همه این‌طور نیست که حالا با این مقدار قابل توجه منابع در هزینه آن دست و دلبازی بی‌حد و حصر داشته باشند، بلکه هر سال حدود سه تا چهار درصد، آن هم صرفاً از محل



درآمدهای صندوق، مجوز برداشت برای هزینه در اقتصادشان تزریق می‌کنند.

پروفسور پسران با ذکر این مثال بر این موضوع تاکید می‌کند که ایران هم می‌تواند در این جهت گام بردارد: اقتصاد ایران طی سال‌های گذشته خودش را تا حدودی با نظام تحریم تطبیق داده است و اکنون ساده‌تر می‌تواند چشمش را بر درآمدهای نفتی ببندد و آنها را در صندوقی ذخیره کند. ایران هم مانند نروژ می‌تواند صندوقی ایجاد کند و به جای اینکه اصل منابع صندوق را هزینه کند از بازدهی و درآمد صندوق خرج کند. یعنی می‌تواند منابع حاصل از درآمدهای نفتی را در بازار رقیب سرمایه‌گذاری کند و درآمدی را که از آن طریق به دست می‌آورد هزینه کند. دقت داشته باشید که این صندوق با صندوق توسعه ملی که هم‌اکنون در ایران وجود دارد متفاوت است چون منابع صندوق توسعه ملی در حال حاضر عمدتاً در پروژه‌های داخلی هزینه می‌شود، اما منابع صندوقی که مدنظر من است باید در خارج از کشور سرمایه‌گذاری شود و تنها از درآمدهای آن بتوان هزینه کرد. امکان انجام این کار وجود دارد و با این اتفاق سدی در برابر شوک‌های ارزی به اقتصاد ایجاد می‌شود. ضمن اینکه اقتصاد ایران از درآمد هم بهره‌مند می‌شود. پروفسور پسران افزود: آمار بانک مرکزی نشان می‌دهد اثر تحریم‌ها بیشتر روی حوزه تولید و به ویژه کاهش سرمایه‌گذاری بوده است تا در حوزه مصرف. بر اساس این آمار در دوره سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۳ میزان تولید حدود ۸ درصد کاهش یافته است. در همین دوره میزان سرمایه‌گذاری هم ۱۶ درصد کاهش نشان می‌دهد اما مصرف بخش خصوصی تنها ۱/۷ درصد افت کرده است. بنابراین لازم است اکنون که در حال خروج از شرایط تحریم هستیم عدم تعادل بین سرمایه‌گذاری و مصرف را برطرف کنیم. یعنی به جای اینکه مصرف را بالا ببریم باید بیشتر سرمایه‌گذاری کنیم.

توصیه دوم: افزایش توان تولید

دومین توصیه که از سوی پروفسور پسران برای دوران پسا تحریم پیشنهاد شده توجه به افزایش توان تولید است. به گفته استاد اقتصاد کمبریج و کالیفرنیا جنوبی با توجه به کاهش بیشتر تولید نسبت به مصرف طی سال‌های

برای خروج از رکود و ایجاد اشتغال الزامات نیازهای تورم‌زا به سیاست‌های تورم‌زایی نداریم و می‌توانیم راهی را برویم که آمریکا بعد از بحران مالی ۲۰۰۸ طی کرد. راه توسعه اقتصاد ایران حرکت در جهت خصوصی‌سازی اقتصاد است. باید مراقب افزایش مجدد تورم باشیم و کوشش کنیم تورم را به سمت کاهش بیشتر سوق دهیم



گذشته، اولویت باید در احیای ظرفیت تولید کشور باشد. به خصوص تولیداتی که توان صادراتی دارند. در این مسیر حتی نیازی به تلاش برای یکسان‌سازی نرخ ارز هم نیست چون با قوت گرفتن ارزآوری در اقتصاد، فاصله بین دونرخ به مرور کاسته شده و در نهایت یکی خواهد شد. وی گفت: در واقع هر اقدامی که بتوانیم انجام دهیم که به تولید و صادرات کمک کند خود یک نوع اولویت است. چون به صورت خودبه‌خود تولید ناخالص داخلی را بالا می‌برد یعنی رشد اقتصادی ایجاد می‌کند؛ برای کشور درآمد ارزی ایجاد می‌کند و در واقع به کاهش فاصله نرخ ارز آزاد و مبادله‌ای کمک و ما را به یکسان شدن نرخ نزدیک‌تر می‌کند.

توصیه سوم: خروج از رکود

سومین توصیه پروفسور پسران خروج از رکود است که به اعتقاد وی اولویت اصلی اقتصاد ایران در شرایط کنونی است. به گفته این اقتصاددان برجسته ایرانی برای خروج از رکود و ایجاد اشتغال الزامات نیازی به سیاست‌های تورم‌زایی نداریم و می‌توانیم راهی را برویم که آمریکا بعد از بحران مالی ۲۰۰۸ طی کرد. راه توسعه اقتصاد ایران حرکت در جهت خصوصی‌سازی اقتصاد است. وی با بیان اینکه

درست است که باید مراقب افزایش مجدد تورم باشیم و کوشش کنیم تورم را به سمت کاهش بیشتر سوق دهیم، تصریح کرد: اما فکر می‌کنم شرایط کنونی ایران به گونه‌ای نیست که توسعه اقتصاد الزاماً منجر به تورم شود. این به نظر من اشتباه است. این‌طور نیست که یک عده فکر کنند مساله منحنی فیلیپس است که اگر بخواهیم تورم را کاهش دهیم حتماً رکود ایجاد می‌شود یا برعکس اگر بخواهیم از رکود خارج شویم افزایش تورم اجتناب‌ناپذیر است. اقتصاد آمریکا بعد از بحران مالی ۲۰۰۸ را ببینید. پروفسور پسران تاکید کرد: آمریکا در این زمینه بسیار موفق عمل کرده است. آمریکا اقتصاد خود را از بحران خارج کرد و رونق بخشید بدون اینکه تورم ایجاد کند. بر اساس آخرین آمار در فاصله سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۴ تولید ناخالص داخلی آمریکا به طور متوسط ۲/۲ درصد رشد داشته و متوسط نرخ تورم در همین دوره معادل ۱/۸ درصد محاسبه شده است. وی افزود: در حالی که بسیاری افراد معتقد بودند سیاست‌های دولت برای خروج از بحران تورم ایجاد می‌کند و نرخ بهره بالا می‌رود. اغلب محافظه‌کاران چنین عقیده‌ای داشتند، اما دیدید که چندان هم این‌طور نبود. دلیلش هم این بود که یک ظرفیت استفاده‌نشده در اقتصاد آمریکا وجود داشت. اکنون هم همان‌طور که گفتید اغلب شرکت‌های تولیدی در ایران با نیمی از ظرفیت خود کار و تولید می‌کنند. این بنگاه‌ها با مقداری کمک و گشایش می‌توانند ظرفیت تولید خود را به حداکثر برسانند بدون اینکه تورم جدیدی ایجاد کنند.

این اقتصاددان برجسته ایرانی تاکید کرد: در آمریکا برای توسعه اقتصاد به دنبال این رفتند که ببینند چه پروژه‌هایی تصویب شده و هنوز اجرا نشده است یا چه پروژه‌هایی در حال اجرا است و می‌توان به اجرای آن سرعت بخشید. در اقتصاد ایران هم پروژه‌های نیمه‌تمام بسیاری وجود دارد. پروژه‌هایی که می‌توان به اجرای آن سرعت داد. ما نیازی به تعریف پروژه جدید نداریم که هزینه زیاد و وقت بسیاری نیاز دارد تا به تولید برسد، اما پروژه‌هایی داریم که بیش از ۶۰ درصد پیشرفت کرده و اکنون نیمه‌تمام باقی مانده است.

منبع: روزنامه دنیای اقتصاد





اتاق فرمان بخش خصوصی برای پول‌های خارجی

آقای محسن جلال‌پور رئیس اتاق ایران جزئیات راه‌اندازی دفتر پساتحریم را تشریح کرد

خصوصی را در این باره تایید می‌کند و اعتقاد دارد اگر قرار است سرمایه‌های خارجی جذب شرکت‌های دولتی و شبه دولتی شود، بهتر است هیچ سرمایه‌گذاری در این خصوص رخ ندهد. چراکه منجر به افزایش سهم دولت در اقتصاد خواهد شد. محسن جلال‌پور راه نجات اقتصاد ایران را ایجاد فضای رقابتی می‌داند و می‌گوید: نمی‌توان با اقتصاد دولتی این مساله مهم محقق شود. درحالی که برای حضور در بازارهای جهانی، مهم‌ترین شاخص، رقابت‌پذیری است. اما رئیس اتاق بازرگانی ایران از سویی اعتقاد دارد بخش خصوصی نیز فعلا ظرفیت لازم را برای

جبران ناپذیری دارد. در رفت‌وآمدهای اخیر هیات‌های تجاری خارجی، مهم‌ترین انتقادی که از سوی بخش خصوصی مطرح شد، مذاکرات دولتی با شرکت‌های مطرح خارجی بود. به اعتقاد آنها، دولتی‌ها آن‌طور که انتظار می‌رود به بخش خصوصی میدان نمی‌دهند. به علاوه بیشتر این مذاکرات در صنایع پیشران بوده که اغلب، شرکت‌هایی دولتی و شبه‌دولتی هستند و سهم بخش خصوصی از حضور سرمایه‌گذاران خارجی در ایران اندک است. رئیس اتاق بازرگانی ایران در گفت‌وگو با روزنامه «دنیای اقتصاد»، نگرانی‌ها و گله‌مندی‌های بخش

بمانجان ندیمی

با ورود هیات‌های تجاری خارجی به ایران در دوره پساتحریم، به نظر می‌رسد فصل جدیدی پیش روی اقتصاد ایران قرار گرفته است. آنچه از حضور هیات‌های تجاری خارجی در ایران انتظار می‌رود افزایش سرمایه‌گذاری و آغاز همکاری مشترک است.

اما برخی از فعالان اقتصادی از سرمایه‌گذاری خارجی به‌عنوان تیغ دو لبه یاد می‌کنند. چرا که اگر این موضوع درست مدیریت نشود، تبعات



جذب سرمایه ندارد. اما انتظار می‌رود دولت در این شرایط، فضا را برای ارتقای ظرفیت بخش خصوصی مهیا کند و امکاناتی مشابه با آنچه که در اختیار شرکت‌های تحت پوشش خود می‌گذارد، به بخش خصوصی بدهد. وی در خصوص دفتر پساتحریم که در اتاق بازرگانی ایران راه‌اندازی شده است نیز می‌گوید: این دفتر سه اقدام را انجام می‌دهد؛ اول؛ شناسایی هیات‌ها، دوم؛ وصل کردن هیات‌ها به اعضای اتاق بازرگانی و سوم؛ دعوت کردن از هیات‌های جدید. از سوی این دفتر با امور بین‌الملل اتاق و دفتر پساتحریم دولت همراه است. همچنین با سفارتخانه‌ها و اتاق‌های مشترک هم‌جهت حرکت می‌کند. جلال‌پور در این گفت‌وگو به نقش اتاق‌های مشترک در دوره پساتحریم اشاره و عنوان می‌کند اتاق‌هایی که فعال باشند، می‌توانند بسیاری از مسوولیت‌های هیات‌های تجاری آن کشور را برعهده بگیرند. همچنین به گفته وی، هیات‌های خارجی که اتاق یا شورای مشترک ندارند، توسط امور بین‌الملل اتاق بازرگانی هدایت خواهند شد. در ادامه مشروح گفت‌وگوی، رئیس اتاق بازرگانی ایران با «دنیای اقتصاد» را می‌خوانید.

■ با ورود هیات‌های تجاری خارجی به ایران، از سوی فعالان اقتصادی زرمه‌های جذب هیات‌ها توسط دولت به گوش می‌رسد. دلیل آن هم مذاکرات این هیات‌ها در صنایع پیشران است که اغلب دولتی و شبه‌دولتی هستند. این امر موجب بروز برخی از

نگرانی‌ها در بخش خصوصی شده است. از سوی برخی از کارشناسان معتقدند نباید در این شرایط چنین دغدغه‌هایی وجود داشته باشد. چراکه طبیعی است وقتی سرمایه‌گذار خارجی وارد کشور شود، به سوی صنایعی می‌رود که هم ریسک کمتری دارد و هم سود بیشتر. شما به‌عنوان رئیس پارلمان بخش خصوصی ایران، نگرانی‌های موجود را بجا می‌دانید یا خیر؟

۱۰۰ درصد این نگرانی بیجاست. دلیلش را هم خدمت‌تان عرض می‌کنم. ببینید اقتصاد ایران، تبدیل به اقتصادی پایدار، اقتصادی مردمی و اقتصادی سالم نخواهد شد، مگر اینکه ما از بسیاری از عادت‌ها و روش‌های گذشته‌مان دست بکشیم. ایران اگر بخواهد به WTO بپیوندد، در اقتصاد جهانی سهمی داشته باشد، بخواهد یک اقتصاد سالم را تجربه کند و به اقتصاد تولید صادرات محور با هدف اشتغال‌زایی دست یابد، چاره‌ای جز این ندارد که از نگاه به منابع زیرزمینی‌اش و ایجاد یک فضای رانته و انحصاری جلوگیری کند.

■ از آنجا که بیشترین تاکید شما بر رقابت‌پذیر بودن صنایع است، آیا ورود سرمایه به بخش دولتی می‌تواند مانع از رقابت‌پذیر بودن اقتصاد ایران شود؟

تنها راه نجات اقتصاد ایران رقابت‌پذیری است. هر چه موقعیت در اختیار دولت، شرکت‌های دولتی و نهادها قرار گیرد، عرصه رقابت برای

بخش خصوصی تنگ‌تر می‌شود. من به جرات به شما به‌عنوان رئیس اتاق ایران عرض می‌کنم که این پارلمان معتقد است اگر هیچ سرمایه‌گذاری در کشور بعد از دوران تحریم اتفاق نیفتد، به مراتب بهتر است تا اینکه سرمایه‌های خارجی جذب مجموعه‌های دولتی و نهادها شود.

■ چرا تا این اندازه بر عدم سرمایه‌گذاری در نهادها و شرکت‌های دولتی و نیمه‌دولتی در چنین شرایطی که به نظر می‌رسد برای رشد اقتصادی نیاز به رشد صنایع پیشران داریم، تاکید دارید؟

به این جهت که مجموعه قدرتمند شدن و توانمند شدن دولت و نهادها در اقتصاد کشور، یعنی ایجاد و گسترش فضای انحصار، یعنی جلوگیری از رقابت و جلوگیری از رشد بخش خصوصی واقعی. این موضوع به این معنی است که در آینده یک اقتصاد وابسته به منابع، اقتصاد وابسته به حکومت، اقتصاد سیاسی و در نتیجه اقتصاد بسیار شکننده‌ای را پیش رو خواهیم داشت. با وجود چنین اقتصادی، نمی‌توانیم در عرصه‌های جهانی که برایمان مهیا خواهد شد، با قدرت حضور یابیم و رقابت کنیم. این اقتصاد حتما در محدودیت‌ها آسیب‌پذیر است. حتما آرمان‌های ما را در کشور به نتیجه نخواهد رساند. این اقتصاد، شغل ایجاد نمی‌کند. قبلا هم عرض کرده‌ام که اگر درآمدهای ارزی و منابع نفتی، کشور را دارای یک اقتصاد پایدار می‌کرد، کشورهای اطراف این قدر متزلزل نبودند.

یک اقتصاد پایدار و ریشه‌ای از جهت سیاسی، امنیتی و حفظ موقعیت کشور در دنیا به مراتب پشتیبان بهتری برای یک نظام است تا یک اقتصاد دولتی و وابسته به منابع زیرزمینی. باید به این باور برسیم که ما نباید در یک نسل، آب، نفت و همه ظرفیت‌های کشور را از بین ببریم. ما باید حافظ منابع بین‌نسلی و منابع ملی کشور برای نسل‌های بعدی باشیم. به همین دلیل اجازه نداریم میلیاردها مترمکعب آب زیرزمینی را که میلیون‌ها سال برای ذخیره شدنش زمان صرف شده، استخراج، احصا و مصرف کنیم و برای نسل‌های بعدی بی‌آبی به ارث بگذاریم. نباید کشور را با منابع زیرزمینی و منابع معادن آباد کنیم. کجای دنیا کشوری توانسته با استفاده از ثروتش خلق مزیت، خلق اشتغال و خلق یک شرایط بهتر کند؟ تنها در شرایطی این امر محقق می‌شود که این ثروت در سرمایه‌گذاری مولد به کار رود. اما متأسفانه سال‌ها است در ایران این ثروت در هزینه‌های جاری، در سرمایه‌گذاری‌های غیرمولد، شکننده، دولتی، شبه‌دولتی و نهادی مصرف می‌شود. غافل از اینکه این شرکت‌ها و نهادها هیچ قدرت رقابتی ندارند و فقط با

حمایت‌ها و با پشتیبانی‌های بسیار خاصی به فعالیت خود ادامه می‌دهند. اینها آینده کشور را از نظر اقتصادی بسیار ناامن خواهند کرد. بنابراین ما معتقدیم که این هیات‌ها باید با بخش خصوصی وارد مذاکره شوند.

■ **رسیدن بخش خصوصی به آنچه حشش است قطعاً قابل دفاع است. اما به نظر شما، بخش خصوصی ظرفیت لازم را برای اینکه بتواند سرمایه‌گذار جذب کند، دارد؟**

آنچه که از بدنه بخش خصوصی شنیده می‌شود حاکی از مشکلات زیادی است که در این بخش وجود دارد.

در کنار تمام این صحبت‌ها ما اعتقاد داریم بخش خصوصی فعلاً آن ظرفیت لازم را ندارد. اما توقع‌مان از نظام، دولت و حاکمیت این است که هیات‌ها را مدیریت و همراهی کرده و به بخش خصوصی وصل کند؛ ظرفیت‌ها را برای بخش خصوصی به وجود بیاورد. امکاناتی را که می‌خواهد به شرکت‌های دولتی‌اش بدهد، در اختیار شرکت‌های خصوصی بگذارد. در حال حاضر دولت دو میلیون و ۷۰۰ هزار کارمند دارد؛

در حالی که کشوری مشابه ایران کمتر از این میزان کارمند در اختیار دارد. تصور کنید ایران با ۸۰ میلیون نفر جمعیت دارای دو میلیون و ۷۰۰ هزار کارمند دولتی است؛ اما ژاپن با ۱۳۰ میلیون نفر جمعیت، ۳۱۰ هزار کارمند دولتی دارد. این نیروی اضافی که به‌عنوان کارمند دولتی محسوب می‌شوند، هزینه‌های جاری و بوروکراسی فراوانی را ایجاد کرده است که خود به‌عنوان موانع تولید محسوب می‌شوند.

در فضای ایجاد شده از طریق واگذاری مالکیت به بخش خصوصی واقعی می‌توان بخش خصوصی را قدرتمندتر کرد. همزمان دولت از توانمند کردن بخش خصوصی حمایت کند و امکانات خود را به بخش خصوصی بیاورد. این اتفاق یک انقلاب است که در واقع در اقتصاد کشور می‌تواند اتفاق بیفتد.

■ **آیا حمایت‌های دولتی به تنهایی می‌تواند موجب توانمند شدن بخش خصوصی و جاری شدن سرمایه‌های خارجی به بخش خصوصی شود؟**
من همیشه یک طرف فریادم به سوی دولت است



و آنچه که باید را از آنها مطالبه می‌کنم. اما از یک طرف هم به بخش خصوصی می‌گویم که باید با وضعیت امروز خودتان را همراه کنید و به‌روز شوید. دوران دودفتری، دوران غیرشفاف بودن و دوران دورزدن‌ها در اقتصاد کشور به پایان رسیده است؛ این همیشه حرف من بوده است. در این دوره باید بخش خصوصی خودش را با دنیا همراه کرده و ظرفیت لازم را برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی ایجاد کند. این یک کار مکمل است. بخش خصوصی ما وقتی می‌تواند این ظرفیت‌ها و این شرایط را ایجاد کند که مطمئن باشد شرایط برای توسعه‌اش وجود دارد.

اگر احساس کند هزینه‌هایی که می‌کند به این منجر می‌شود که شرایط‌اش از این هم سخت‌تر شود، قطعاً دیگر هزینه نمی‌کند. اگر بخش خصوصی این اطمینان را داشته باشد که شرایط به سمت بزرگ شدن، توسعه و دسترسی به امکانات برای این بخش وجود دارد، حتماً این ظرفیت را هم دارد که خودش را برای شفاف‌سازی، حضور در نهادهای بین‌الملل و یک فضای سالم اقتصادی آماده کند.

■ این عزم در بخش خصوصی وجود دارد. به نظر شما آیا در دولت هم برای این موضوع عزم جدی وجود دارد یا خیر؟

من در بخش خصوصی کاملاً این آمادگی را می‌بینم. در رده‌های بالای دولت نیز کاملاً معتقدند که این باور وجود دارد. اما نگرانی من بیشتر در خصوص اعتقاد رده‌های پایین‌تر به این موضوع است. این رده‌ها متأسفانه به دلایل متعدد خودشان را همراه نکرده‌اند؛ درخواست ما این است که این مطلب به صورت یک فرهنگ از طرف رسانه‌ها و رسانه ملی مطرح شود تا هم‌زمان بتوانیم در پساتحریم اقتصاد کشور را به یک اقتصاد سالم، رقابتی، فعال و جدی برای بخش خصوصی واقعی تبدیل کنیم.

■ چندی پیش دفتتری در اتاق بازرگانی ایران راه‌اندازی شد به نام دفتر پساتحریم. کارکرد این دفتر چیست؟ آیا برنامه‌ای برای این دفتر تدوین کردید یا خیر؟

دفتری که صحبتش در اتاق است هم‌اکنون فعال است. ما سه حرکت را داریم انجام می‌دهیم؛ اول؛ شناسایی هیات‌ها، دوم؛ وصل کردن هیات‌ها به اعضایمان و سوم؛ دعوت کردن از

تنها راه نجات اقتصاد ایران رقابت‌پذیری است. هرچه موقعیت در اختیار دولت، شرکت‌های دولتی و نهادهای قرار گیرد، عرصه رقابت برای بخش خصوصی تنگ‌تر می‌شود. اگر هیچ سرمایه‌گذاری در کشور بعد از دوران تحریم اتفاق نیفتد، به مراتب بهتر است تا اینکه سرمایه‌های خارجی جذب مجموعه‌های دولتی و نهادهای شود



هیات‌های جدید. در بحث هیات‌های تجاری به صورت جدی در این دفتر فعالیت می‌کنیم. این قسمت به تنهایی چند بخش دارد؛ هیات‌هایی که می‌خواهند به ایران بیایند را مدیریت می‌کنیم که با هم‌تایان خود دیدار داشته باشند؛ همچنین هیات‌هایی که قرار است به خارج از کشور اعزام شوند را هم مدیریت می‌کنیم تا بتوانیم هیات‌های تخصصی اثرگذار را برای مذاکرات اعزام کنیم. از دیگر وظایف این دفتر، ارتباط با دولت و حاکمیت در راستای فعال ساختن بخش خصوصی و اثرگذار بودن این بخش با توجه به برنامه‌های پساتحریم است؛ سومین کاری که دفتر پساتحریم می‌کند احصای ظرفیت‌های ما در تشکلهای، استان‌ها و بنگاه‌های مربوطه است. به همه استان‌ها و به همه تشکلهایمان اطلاع دادیم که ظرفیت‌هایشان را برای پذیرش سرمایه‌گذاری خارجی اعلام کنند. از سویی این دفتر با امور بین‌الملل اتاق و دفتر پساتحریم دولت همراه است. همچنین با سفارتخانه‌ها و اتاق‌های مشترک هم‌جهت حرکت می‌کند.

■ نقش اتاق‌های مشترک در دوره پساتحریم چگونه تعریف می‌شود؟ در حال حاضر یکسری کشورها هستند که در ایران نه اتاق مشترک دارند و نه شورای مشترک. اگر اتاق مشترکی را در این اندازه ببینیم که بتواند مدیریت کار را در دوران پساتحریم با کشور مربوطه انجام دهد، کل اقدامات مدیریتی

هیات‌های اعزامی از سوی آن کشور را به اتاق مشترک مربوطه واگذار می‌کنیم.

■ شوراهای مشترک چه تفاوتی با اتاق مشترک دارند؟ آیا عملکرد آنها و وظایفی که به آنها محول می‌شود، متفاوت با آنچه اتاق‌های مشترک انجام می‌دهند، است؟ شوراهای پیش از اتاق‌های مشترک تشکیل می‌شوند. هنگامی که فعال شدند و به یک حدی از فعالیت رسیدند و تشخیص داده شد که این شوراهای فعال هستند، تبدیل به اتاق می‌شوند. مثلاً شورای عمان در دوره هفتم تشکیل شد. ولی آنقدر فعال بود که در اواخر دوره هفتم به اتاق مشترک تبدیل شد.

در حال حاضر به تمام شوراهای اعلام کردیم که فعال شوند. در این صورت به سرعت می‌توانیم آنها را به اتاق مشترک تبدیل کنیم؛ از اتاق‌های مشترک هم خواستیم فعال باشند که بتوانیم کارهای هیات‌ها را به آنها واگذار کنیم. رفت‌وآمدها، حضور سفرا و حضور در نمایشگاه‌ها همگی در اتاق‌های مشترک فعال، می‌تواند مدیریت شود. مثلاً اتاق مشترک ایران - ایتالیا فعال است بنابراین مدیریت هیات‌های اعزامی به ایتالیا و هیات‌هایی که از این کشور به ایران می‌آیند، همگی برعهده این اتاق مشترک است. اتاق ایران - آلمان نیز به همین ترتیب عمل می‌کند. در واقع شوراهای و اتاق‌های مشترک باید خودشان را نشان دهند.

■ هیات تجاری ژاپن که اخیراً به ایران آمد اما نه اتاق مشترک داشت و نه شورای مشترک. برای این دست هیات‌ها چه تدابیری اندیشیده‌اید؟

بعضی از این هیات‌ها آنقدر سریع می‌آیند و برمی‌گردند و آنقدر مسوولان دولتی ما در ردیابی، پیگیری، نشست و مذاکره با این هیات‌ها فعال و علاقه‌مند و جدی هستند که فرصت را به اتاق و بخش خصوصی نمی‌دهند. ولی ما در امور بین‌الملل اتاق بازرگانی این آمادگی را داریم و اعلام هم کردیم که بعضی از کشورها که اتاق مشترک یا شورای مشترک ندارند، حتماً امور بین‌الملل اتاق اقدامات لازم را صورت می‌دهد. در مورد ژاپن هم ما آمادگی‌مان را اعلام کردیم، مذاکرات اولیه هم دارد صورت می‌گیرد که شورای مشترک را راه‌اندازی کنیم.



ایمنی ماشین آلات در پروژه‌های عمرانی

هر دستگاه یا ماشینی دارای اسناد فنی است که در زمان خرید همراه آن از طرف فروشنده تحویل خریدار می‌گردد. یکی از این اسناد دفترچه اپراتوری و ایمنی ماشین است. (در ارتباط با ماشین آلات موجود در هر پروژه یا انبار اگر این سند موجود نباشد مدیریت واحد نگهداری از ماشین آلات باید آنرا به هر طریق ممکن تهیه نماید. اصولاً از طریق تماس با کارخانه‌ی سازنده و یا نمایندگی‌ها قابل تهیه است، در هنگام خرید ماشین نیز باید توجه نمود که این سند حتماً همراه ماشین باشد) مطالعه دقیق دستورات سازنده در زمینه‌های اپراتوری و ایمنی که محتوای این دفترچه را تشکیل می‌دهد باید توسط واحد نگهداری از ماشین آلات صورت گرفته و متعاقباً

بررسی حوادث مربوط به ماشین آلات مورد استفاده در پروژه‌های عمرانی نشان می‌دهد که در این حوادث اغلب سازه‌ها و تجهیزات کارگاهی و یا افراد مشغول در سایت کاری دستگاه، ماشین و یا راننده و یا ترکیبی از آنها صدمه می‌بینند، کمتر پیش می‌آید که افراد و یا تجهیزات عمومی متفرقه در این حوادث خسارت ببینند، مگر اینکه این دستگاه‌ها را در سیستم حمل و نقل عمومی وارد کرده باشیم بدون اینکه تمهیدات لازم برای آنها پیش بینی و اجرا شده باشد. در قدم اول برای رعایت مسائل ایمنی، محیط زیست و سلامت اپراتورها و سایر افراد ذیربط در حوزه‌ی ماشین آلات و تجهیزات ثابت تولید باید به شرح زیر اقدام نمود:

مهندس محمدرضا حبیب زاده*
عضو کمیسیون ماشین‌آلات سندیکا



پیام آبادگران
مرداد ۱۳۹۴
شماره ۳۳۳



به اپراتورها آموزش داده و در اختیار آنها قرار داده شود. (چنانچه لازم باشد این مستند ترجمه و برای مطالعه ی اپراتور و سایر افراد ذیربط ساده نگاری شود) و برای حصول اطمینان از آگاهی آنها، باید این افراد توسط فرد ذیصلاح واحد نگهداری مورد آزمایش قرار گیرند (در ابتدا و سپس دوره های مشخص) ضمن اینکه در صورت مواجه شدن با مورد و یا حادثه ای دال بر عدم رعایت آن، درس های فرا گرفته ناشی از تحلیل موضوع نیز باید به آموزش های قبلی اضافه شود.

بدین ترتیب می توان اطمینان حاصل نمود که آنچه باید توسط اپراتور رعایت شود مورد توجه قرار گرفته است اما این پایان کار مدیریت در زمینه ی پرداختن به مسائل ایمنی و محیط زیست و سلامت نیست.

حوادث و اتفاقات نشان می دهند که لازم است مدیریت به عرصه های دیگری هم بپردازد و بسترهای خطر ساز را در فعالیت های پروژه شناسایی کرده و نسبت به رفع عوامل سازنده آن تصمیم گرفته و دستور اقدام داده و پیگیری انجام دستورات تا رفع نهایی باشد.

مهمترین عواملی که به ایجاد بسترهای خطر آفرین کمک می کند را می توان به شرح زیر برشمرد:

۱. ویژگی عمده این دستگاه ها بزرگی ابعاد آنها و محدودیت دید اپراتورهاست بخصوص با توجه به اینکه اپراتورها عمدتاً روی عملیاتی که در حال انجام آن هستند تمرکز می کنند و کمتر به محدوده ی کار خود می پردازند.

۲. محیط کاری اغلب ماشین آلات در پروژه های عمرانی محدود و تنگ و نامتناسب است و چه بسا در چنین محیط هایی از علائم راهنمایی و رانندگی و هشدار نیز بدرستی استفاده نمی شود. ۳. به دلایل مختلف عملیات نگهداری و در برخی موارد تعمیرات در محل استقرار دستگاه ها انجام می شود که بطور قطع تمهیدات لازم برای رعایت موارد ایمنی همانند تعمیرگاه ها در آن محیط ها فراهم نیست.

۴. مسائلی چون ناکافی بودن تعداد دستگاه ها، تاکید بر سرعت کار، بیش از ظرفیت کار کشیدن از دستگاه و طولانی بودن شیفتر کار از یک طرف و نامتناسب بودن امکانات، مشکلات مالی و در دسترس نبودن لوازم و قطعات مصرفی و یدکی از طرف دیگر شرایطی ایجاد می کنند که علیرغم قرار گرفتن ماشین و اپراتور در شرایط

هر حادثه ای که تحلیل می شود ردی از فقدان توجهات مدیریتی رادرنزنجیره نظام مند علت ها نشان می دهد که با با مقصر دانستن اپراتور یا شخص حادثه دیده و یا ابزار و تجهیزات، به عبارتی ساده و منفرد دانستن علت، هرگز به دانش مدیریتی بدون حادثه نایل نخواهیم شد.



بحرانی از نظر خطر آفرینی، این دو همچنان مورد استفاده قرار می گیرند.

۵. استرس های مستمر ناشی از سرعت کارها و تشویق و تنبیه های تبعی آن، که همواره در پروژه ها و توسط مدیران و مسئولین و سرپرستان تاکید میگردد، عاملی است که می تواند تأثیری منفی بر رعایت کامل موارد ایمنی داشته باشد.

۶. دغدغه های مالی ناشی از مشکلات مالی پروژه های عمرانی می تواند گاه و بیگاه افراد شاغل را از تمرکز روی کار و محیط کار منحرف گرداند.

استفاده از تلفن همراه در حین کار بخصوص چنانچه موضوع مکالمات از جمله گرفتاری های شخصی و یا خانوادگی باشد نیز به این عدم تمرکز کمک می نماید.

۷. معمولاً در پروژه های عمرانی، اگر هم تاکید بر برگزاری دوره های آموزش در زمینه ایمنی باشد، از افراد تصمیم گیر که می توانند در کاهش پتانسیل های خطر آفرین شرایط و محیط کار موثر باشند دعوت بعمل نمی آید، در نتیجه آگاهی لازم برای اندیشیدن به شرایط و محیط خطر آفرین را کسب نمی کنند و علیرغم دیدن و حتی شنیدن موارد انحراف و مغایر به تصمیمی نمی رسند.

۸. در دفاتر فنی پروژه های عمرانی، آنجا که طرح ها و روش های اجرایی تهیه و تنظیم می شود معمولاً جای فردی که از زاویه ایمنی توصیه ای داشته باشد خالی است.

۹. زمان، هزینه و حتی کاهش اعتبار اجرا کننده

طرح وقتی حادثه ای رخ می دهد به راحتی پذیرفته و با گذشت زمان فراموش می شود، عبارتی تأثیر حوادث زودگذر است.

۱۰. سازوکار هایی که حوادث را تحلیل کرده و متاثر از نتایج آن تغییراتی را در کل سیستم ایجاد نماید نیاز به وقت، حوصله، توجه مدیریتی و بخصوص کارشناسان خبره دارد که معمولاً در پروژه ها به دلایل مختلف کمتر یافت می شود. اغلب اوقات می شنویم که وقتی اتفاقی افتاده اپراتور یا فرد حادثه دیده و یا یک نارسایی منفرد عامل شناخته شده و بررسی ها به یک مورد محدود گشته و قائله بسته شده است.

اما تجربه بررسی و تجزیه و تحلیل ده ها حادثه نشان می دهد که معمولاً زنجیره ای از عوامل حتی کاملاً مستقل از یکدیگر و وقتی با نظمی خاص کنار هم می نشینند حادثه ای رخ می دهد. به عبارتی حوادث به سختی رخ می دهند که قطعاً جلوگیری از وقوع آنها در پتانسیل اپراتورها به تنهایی نیست.

اپراتورهای ما که از فیلترهای گزینشی عبور می کنند چنانچه خطایی ساده و منفرد مطرح باشد پتانسیل رفع آن را دارند، اما آنجا که عوامل خطر ساز در محدوده ی اقدامات مبتنی بر انجام وظائف آنها نیست حوادث رخ می دهد.

چنانچه زنجیره عوامل و حتی نحوه چیدمان آنها مورد تجزیه و تحلیل قرار نگیرد و تک تک آنها بررسی و ریشه یابی و رفع علت نشوند. احتمال اینکه مجدداً حادثه ای، چه بسا تکراری، رخ دهد بسیار زیاد است.

بررسی هر حادثه نشانگر این است که تعداد زیادی از عوامل با نظمی خاص باید کنار هم جمع شوند تا حادثه ای اتفاق افتد.

هر حادثه ای که تحلیل می شود ردی از فقدان توجهات مدیریتی را در زنجیره نظام مند علت ها نشان می دهد که با با مقصر دانستن اپراتور یا شخص حادثه دیده و یا ابزار و تجهیزات، به عبارتی ساده و منفرد دانستن علت، هرگز به دانش مدیریتی بدون حادثه نایل نخواهیم شد. این نکته نیز حائز اهمیت است که در بررسی های مدیریتی نباید به دنبال مقصر گشت چرا که مسیر بررسی کور می شود. بلکه باید به دنبال روش ها بود و آن ها را اصلاح کرد. روش اجرایی ناشی از دانش و تجربه قبلی با هر حادثه و بررسی آن بهبود یافته و اقدام بر آن اساس، حوادث را کاهش خواهد داد. کاری که از هر حادثه به بعد، مدیریت مربوطه باید بدان بپردازد.

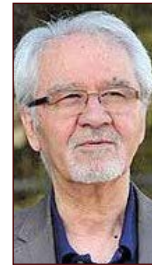


اولویت‌های سیاست‌گذاری در دوران پساتوافق

بالاخره پس از ۱۲ سال مذاکرات فشرده و سنگین انتظارها به پایان رسید و روز گذشته خبر دستیابی به توافق هسته‌ای و به نتیجه رسیدن مذاکرات اعلام شد. به این ترتیب با برداشته شدن تحریم‌ها و باز شدن درهای اقتصاد کشور به روی سرمایه‌گذاران و شرکت‌های سایر کشورها به نظر می‌رسد فصل تازه‌ای در اقتصاد ایران در حال شکل‌گیری است. اقتصاد ما که برای دوره طولانی حال و روز مساعدی نداشته و پیوسته دوره‌های رکودی و تورمی را حتی در بازه‌هایی به صورت توأمان تجربه کرده، بیش از سایر بخشها از این توافق و دستاوردهای آن بهره‌مند خواهد شد. از این پس دولت و به‌ویژه تیم اقتصادی با مجموعه گسترده‌ای از راهکارها و سیاستهای پیشنهادی به منظور حل مشکلات و رفع نقمهای موجود در سیستم اقتصادی کشور روبه‌رو خواهد بود. از این رو به نظر می‌رسد با توجه به حجم زیاد مشکلات اقتصادی کشور و گستردگی راهکارها و سیاستها، باید در ابتدا اجماعی میان کارشناسان و تحلیل‌گران اقتصادی درباره اولویتهای اقدامات اقتصادی دولت شکل بگیرد. به همین دلیل در پرونده امروز باشگاه اقتصاددانان نظر طیف‌های مختلفی از استادان و کارشناسان اقتصادی در ارتباط با اولویت‌ها و ضروریات تصمیمات و سیاست‌های اقتصادی دولت در راستای رشد اقتصاد کشور و رونق گرفتن هرچه سریعتر فعالیت‌های صنایع مختلف در سراسر کشور و خروج از وضعیت رکودی، جمع‌آوری شده است. در ضمن با توجه به اهمیت موضوع و به منظور رعایت اختصار تلاش شده است نظرات هر یک از کارشناسان در قالب یک پاراگراف ارائه شود. در شماره‌های بعدی به تفصیل به این موضوع خواهیم پرداخت.



دکتر مهدی بهکیش
اقتصاددان



توافق به دست آمده را از صمیم قلب به ملت ایران تبریک می‌گویم و از تمام تیم مذاکره‌کننده به خصوص دکتر ظریف سپاسگزاری می‌کنم.

شکی نیست که ما ایرانیان از یک فضای محدود شده ۳۵ ساله آزاد می‌شویم و شاید بسیاری از جوانانی که سنی کمتر از آن دارند، این تغییر را به درستی لمس نکنند. ما دوران جنگ را گذرانده‌ایم، سپس گرفتار محدودیت‌های تحریم‌ها شده‌ایم. حتی شاید یادمان نباشد که می‌توان در این دنیا آزاد زندگی کرد و هر لحظه منتظر مانعی نبود. البته رفع تحریم‌ها در ابتدا در روابط خارجی ما اثر می‌گذارد، ولی آثار آن در زندگی داخلی ما به سرعت نمایان می‌شود. اقتصاد ما نیز ۳۵ سال در محدودیت زندگی کرده است و به روال‌های که گاه ناسالم آن خو گرفته است. در این دوران یاد گرفتیم که کارهایمان را دور از چشم تحریم‌کنندگان انجام دهیم تا گرفتار نشویم، ولی این روال ما را به عادت‌هایی آلوده کرده که با زندگی در دنیای امروز هم‌نوا نیست. اگر بخواهیم در دنیای جهانی شده سرفراز زندگی کنیم که حتماً طالب آن هستیم باید شفاف شویم و برخی از عادات ۳۵ ساله را به فراموشی سپاریم. تغییر این روال سخت است و تلاش فرهنگی بسیاری را

می‌طلبد. امر مهم دیگر آن است که در دوران محدودیت‌ها فرصت نیافتیم که اقتصادمان را رقابتی کنیم. دولت و جامعه بازرگانی باید دست به دست یکدیگر دهند و به رقابتی شدن اقتصاد همت گمارند. اگر بخواهیم منزلت واقعی ایران را بازسازی کنیم باید عقب افتادگی‌ها را جبران کنیم. یک اقتصاد متمرکز در این دنیای جهانی شده نمی‌تواند رشد مورد نیاز را ایجاد کند و در شأن ایرانیان نیست که ترکیه به او تکنولوژی بفروشد و ما نگران واردات از ترکیه باشیم از ترس آنکه نمی‌توانیم با آنها رقابت کنیم و در نتیجه تعرفه‌های بالا برای حمایت از صنایع مان وضع کنیم. اطمینان داریم که می‌توانیم از مسیر رقابتی کردن اقتصاد مزیت‌هایمان را فعال کنیم و عقب افتادگی‌ها را جبران کنیم.

در نهایت لازم است غرور ملی را بازسازی کنیم و ثابت کنیم که ایران می‌تواند کشوری پیشرفته در منطقه باشد و با همسایگان رابطه‌ای متوازن همراه با احترام متقابل داشته باشد. این کار شدنی است، ولی لازمه آن تجهیز کلیه منابع به خصوص نیروهای فکری است. اگر متخصصان در جایگاه مناسب خود قرار نگیرند در این وادی پر رقابت به جایگاه مناسب نخواهیم رسید حتی با رفع تحریم‌ها. نقش مهم دولت تهیه برنامه‌ای دو ساله برای نوسازی اقتصاد است و نقش اتاق‌های بازرگانی و جامعه صنعتی/ بازرگانی کشور فراهم آوردن زمینه‌های استفاده از مزیت‌های کشور است. من و شما هم باید تلاش کنیم شفافیت را رواج دهیم و بستر فساد را از جامعه پاک کنیم.

غلامرضا سلامی
مشاور*



اولویت اول دولت سیاست‌های خروج از رکود و کاهش بیکاری است اما اینکه رفع تحریم‌ها چگونه به این مشکلات پاسخ خواهد داد، بستگی به سیاست‌های دولت دارد. اینکه دولت چگونه می‌تواند خودش را از تنگنای اقتصادی نجات دهد و بدهی‌های خود را به سیستم بانکی جبران کند. از آنجا که یک سوم بدهی‌های معوقه بانک‌ها مربوط به بدهی‌های دولت است، اگر دولت بدهی‌های خود را

پرداخت کند، سبب می‌شود تا اقتصاد ایران از این رکود خارج شود و چرخ صنعت بچرخد. حال آنکه دولت چگونه می‌تواند بدهی‌های خود را جبران کند خود جای سوال دارد. کارشناسان تخمین زده‌اند که از پول‌های بلوکه شده چیزی حدود ۱۵ تا ۲۰ میلیارد دلار سهم دولت است و باقی آن سهم بانک مرکزی است که ریال آن خرج شده است. حال تنها راه حل آن است که دولت دست به انتشار اوراق مشارکت بزند و از مردم ریال بگیرد و بدهی‌های خودش را باز پرداخت کند. در غیر این صورت اگر دلارهای بلوکه شده خود را به ریال تبدیل کند تنها به تورم دامن می‌زند. * حسابدار و مشاور مالی وزیر راه



کارخانه کاشی آپادانا

دولت در سال‌های اخیر به بخش‌های اقتصادی زیادی بدهکار شده است. پیمانکاران، بانک‌ها، بانک مرکزی و... بزرگ‌ترین طلبکاران دولت هستند و به دلیل گستردگی و تعداد زیاد این بدهی‌ها اقتصاد ما عملاً از کار افتاده است؛ بنابراین اولویت اول دولت تلاش برای تسویه بدهی‌ها و کمک برای حل مشکلات ناشی از آن برای فعالان اقتصادی و بانک‌ها است.

* مدیرکل پیشین اداره آمار بانک مرکزی

دکتر محمدهادی
مهدویان
مدیرکل پیشین



به‌طور کلی اقدامات مهم دولت را باید در سه دسته طبقه‌بندی کرد:

- ۱- انجام اقدامات در راستای تصفیه بدهی به پیمانکاران، بانک‌ها و صندوق‌های بازنشستگی از طریق گسترش بازار بدهی.
- ۲- تجدید ساختار بانک‌ها به‌منظور بسط منابع اعتباری و خروج از تنگنای اعتباری بنگاه‌ها و صنایع تولیدی.
- ۳- نظم در مدیریت منابع ارزی دولت.

* عضو شورای عالی بورس و مشاور وزیر راه

دکتر حسین
عبده‌تبریزی
مشاور وزیر راه



اولین اقدام دولت باید تسهیل شرایط و فراهم کردن فضا برای سرمایه‌گذار داخلی و خارجی باشد. در واقع دولت باید از این فرصت نهایت استفاده را برده و بتواند با جذب سرمایه برای پروژه‌ها و طرح‌های مختلف در سراسر کشور، مشکل اشتغال جوانان را که به معضل بزرگی برای اقتصاد ما تبدیل شده، حل کند.

* رئیس پیشین سازمان خصوصی‌سازی

دکتر غلامرضا
کردزنگنه
رئیس پیشین



به نظر می‌رسد اقدامات دولت باید متوجه دو بخش نظام پولی و مالی و مسکن باشد. نظام پولی و مالی کشور دارای ضعف‌ها و مشکلات عمیقی است که در صورتی که اصلاحات لازم در آن انجام نشود، بسیاری از بخش‌های دیگر را هم تحت تاثیر قرار می‌دهد. از سوی دیگر بخش مسکن و ساختمان که همواره یکی از مهم‌ترین بخش‌ها برای اقتصاد کشور بوده و درصد زیادی از بار اشتغال را به دوش کشیده باید بیش از پیش مورد توجه و حمایت قرار بگیرد.

* رئیس پیشین صندوق توسعه ملی

دکتر محمدرضا
فرزین
رئیس پیشین



پیام‌آبادگران
مرداد ۱۳۹۴
شماره ۳۳۳

دکتر حسین
عباسی
مدرس *



در اینکه تحریم‌ها مشکلات زیادی برای اقتصاد ایران ایجاد کرده، تردیدی نیست. در عین حال انداختن تقصیر همه مشکلات بر گردن تحریم‌ها انکار واقعیت تلخ بی‌تدبیری‌های خودمان است. به دلیل نقش همین بی‌تدبیری‌ها در شکل‌گیری وضع کنونی اقتصاد است که نمی‌توان انتظار تحولی عظیم در اقتصاد پسا تحریم داشت. به خصوص اینکه زمان زیادی طول خواهد کشید تا ترمیم‌های قابل توجهی در فروش نفت و ورود ارز به کشور محقق شود. شاید بیشترین صدمه‌ای که تحریم‌ها به کشور زد، تخریب روابط تجاری ایران با شرکای باکیفیت بود و جایگزینی آنها با شرکای دغل‌بازی که به قصد ماهیگیری از آب گل‌آلود به ایران

نزدیک شدند. به همین دلیل به نظر من شاید عاقلانه‌ترین کار این باشد که از فرصتی که ایجاد می‌شود برای ترمیم روابط تجاری خارجی و انداختن مسیر مبادلات خارجی ایران در مسیر درستش استفاده کنیم. اکنون که سیستم سیاسی با مهارت وارد بده‌بستان سیاسی با بزرگ‌ترین و سرسخت‌ترین دشمنان دیرینه ایران شده و قادر است با سیاست و کیاست از آنها امتیاز بگیرد، می‌توان امید داشت که همین توانایی را در عرصه گسترش روابط تجاری با دنیا هم به کار گیرد و با همراهی تیم اقتصادی دولت راه را برای بده بستان اقتصادی تجار و تولیدکنندگان ایرانی با دنیا هموار کند.

* مدرس اقتصاد دانشگاه «مریلند»



اسکله: بندر صیادی زرآباد- چابهار

دکتر ناصر خیابانی
عضو هیات علمی *



بی‌شک یکی از مهم‌ترین اهداف دولت در ماه‌های پیش رو فراهم آوردن شرایط مناسب برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی است. به‌منظور تحقق این امر توجه به موارد ذیل ضروری است:

۱. بسترسازی مناسب برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی با اصلاح قوانین محدودکننده جذب سرمایه‌گذاری
۲. اصلاح نظام تعرفه‌ای و گمرکی: حرکت در جهت حذف موانع غیرتعرفه‌ای و اصلاح تدریجی تعرفه‌های بازرگانی با تاکید بر توانایی رقابتی بخش‌های تولیدی.
۳. اصلاح نظام ارزی: باید سیستم ارزی کشور به سمت

تک نرخی شدن و واقعی شدن قیمت ارز حرکت کند و سیستم متناسب ارزی با شرایط جدید ایجاد شود.

۴. اصلاح قوانین کار: شرکت خارجی که وارد بازار ایران می‌شود و قصد راه‌اندازی یک فعالیت اقتصادی را دارد، در هنگام جذب و به کارگیری نیروی انسانی خود متوجه محدودیت‌های موجود در قوانین کار خواهد شد. بنابراین اصلاح قوانین کار از جمله مسائل کلیدی است.

۵. نهایتاً اصلاحات در حوزه پولی و مالی یک ضرورت است.

* عضو هیات علمی دانشکده اقتصاد علامه طباطبایی



اولین موضع گیری دولت پس از اعلام امضای قرارداد با ۱+۵ و لغو تحریمها باید حرکتی حاکی از پختگی و آینده نگری و مسلط بودن بر اوضاع و عدم بروز نشانه های هیجان زدگی و عجله در تصمیم گیری ها باشد.

بهتر است منابع ارزی موجود در خارج از کشور در بهترین انتخاب های سرمایه گذاری در خارج نگهداری شود و افزایش واردات به تدریج و با افزایش صادرات نفتی و غیرنفتی و نیز سرمایه گذاری مستقیم خارجی صورت بگیرد؛ زیرا هم ایرانیان خارج از کشور و هم سرمایه گذاران خارجی میلیاردها دلار و یورو در اختیار و یا دسترس دارند (با توجه به نرخ های پایین بهره در سطح بین المللی) که با لغو تحریمها و رفع موانع تولید و سرمایه گذاری خارجی می توانند به ایران آورده و ظرفیت های تولید را افزایش دهند و نیازی نیست دولت منابع ارزی کشور را صرف واردات حساب نشده کند. در این صورت منابع ارزی خارج کشور می تواند به عنوان پشتوانه ای برای ثبات بازارهای ارزی که برای یکسان سازی نرخ ارز لازم است عمل کند.

همچنین نباید کنترل انبساط مالی و پولی را از دست داد و مخارج دولت را به سرعت و ناگهان افزایش داده و سیاست های پولی را انبساطی کرد و اجازه داد دستاوردهای دو سال گذشته در کنترل تورم و ثبات اقتصادی از دست برود. جو مثبت و خوش بینی که به دنبال لغو تحریمها ایجاد می شود خود برای افزایش تقاضا برای سرمایه گذاری ها و ایجاد پول درونی کفایت می کند و در اینجا حتی ممکن است لازم باشد بانک

مرکزی اجازه دهد نرخ های سود بانکی با رقابت بین بانکی تعیین شده احیانا حتی افزایش یابد تا ضمن جذب منابع سپرده گذاری از داخل و خارج کشور (با توجه به لغو محدودیت های سرمایه گذاری خارجی در کشور) تخصیص منابع به سمت سرمایه گذاری های با سودآوری بالا باشد.

برای کنترل نقدینگی شاید لازم باشد دولت اجازه دهد دستگاه های دولتی اوراق مشارکت با نرخ های سود مثبت و تضمین شده ولیکن برای میان مدت مانند سر رسید سه ساله و چهار ساله منتشر کنند و درآمد حاصل را صرف بازپرداخت بدهی دولت به پیمانکاران و تکمیل پروژه های پر بازده عمرانی کند.

در عین حال برای خروج از رکود و ایجاد رونق اقتصادی بهترین کار تشویق صادرات خواهد بود که به تدریج زنجیره تولید را به حرکت درآورد. همچنین اگر دولت بتواند بخشی از سهم بیمه کارفرمایان را در برنامه های میان مدت تشویق تولید تقبل کند در کاهش هزینه تولید و افزایش تقاضا برای نیروی کار موثر خواهد بود. در عین حال برای افزایش دسترسی بنگاه ها به نقدینگی و سرمایه در گردش می توان ضمن حفظ کنترل عرضه پول با نرخ سود بانکی نرخ سپرده قانونی بانک ها را کاهش داد تا نقدینگی در اختیار بنگاه ها قرار گیرد. به طور خلاصه از اقداماتی که نشانه های افزایش بی برنامه مخارج دولت و به هم ریختگی انضباط مالی و پولی و تصمیم گیری های خلق الساعه و بدون برنامه را بروز دهد باید اجتناب کرده مدتی دندان روی جگر گذاشت و با تامل و کارشناسی برنامه پنج ساله ششم را برای رشدهای بالا تنظیم و اجرا کرد.

* اقتصاددان و مدیرکل اوپک وزارت نفت



کوروش طاهر فر
مشاور*



به نظر می‌رسد که اولویت دولت یازدهم از بدو شروع فعالیتش، تمرکز بر توقف روند افزایشی تحریم‌ها و جلوگیری از گسترش محدودیت‌هایی بود که در دوره قبل هر از گاهی با شکل و ترتیب تازه‌ای ضربات و آسیب‌هایی به سلامت اقتصاد کشور وارد می‌کردند. بر خلاف تصور عمومی تحریم‌ها علت بروز مشکلات اقتصادی نبوده و مشکلات ناشی از برخی رفتارها و اقدامات سیاستی بوده است و خود تحریم‌ها نیز

به علت همین رفتارها و اقدامات سیاستی شکل گرفته و بر شدت مشکلات افزوده بودند.

واقعا نمی‌توان عوامل زمینه ساز مشکلات اقتصادی همچون افزایش بی‌سابقه حجم نقدینگی، سرکوب مالی، بهره‌وری ناچیز، گسترش بخش زیرزمینی، بی‌توجهی به شایسته‌سالاری، فساد و اختلاس‌های بانکی و... را در بروز بیماری‌های اقتصاد نادیده گرفت و رشد منفی و تورم بی‌سابقه را صرفا ناشی از تحریم‌ها دانست. بنابراین در صورتی که در رفتارها و اقدامات سیاستی تغییر معنی‌داری ایجاد نشود مشکلات اقتصادی دوران

پس از تحریم با دوران تحریم تفاوت ماهوی نخواهد داشت.

* مشاور سازمان سرمایه‌گذاری و کمک‌های اقتصادی و فنی ایران

دکتر سعید لیلانز
اقتصاددان*



مهم‌ترین ماموریت دولت دروازه‌بانی ارزی است. در واقع با توجه به اینکه در سال‌های اخیر با محدودیت‌های زیادی در منابع ارزی روبه‌رو بوده‌ایم، با برداشته شدن تحریم‌ها و عادی شدن روابط حجم عظیمی از منابع مالی و ارزی در اختیار دولت قرار می‌گیرد و این موضوع باعث می‌شود سه گروه برای دسترسی به این منابع نهایت تلاش خود را انجام دهند و فشار زیادی به دولت وارد کنند. گروه اول برخی نهادها و

تلاش می‌کنند از راه‌های مختلف برای دستیابی به این منابع فشار وارد کنند. گروه سوم مردم و طبقات محروم اجتماعی هستند که در انتظار گشایش در زندگی خود و دستیابی به رفاه هستند. در نتیجه نقطه شروع همه موفقیت‌ها یا شکست‌های از این به بعد دولت روحانی همین کنترل و مقاومت در برابر این فشارهاست در صورتی که دولت بتواند این فشارها را مدیریت کند و تسلیم نشود می‌توان به موفقیت دولت در دستیابی به اهدافش امیدوار بود. در صورتی که اولاً منابع به صورت کنترل شده آزاد شود، ثانياً به واردات کالاهای سرمایه‌ای و اولیه و نه مصرفی اختصاص یابد و ثالثاً به ارز بانک مرکزی دست نزنند، می‌توان گفت در نقطه شروع موفقیت‌های اقتصادی قرار گرفته‌ایم. به گونه‌ای که شاهد یک رشد اقتصادی مناسب و کاهش تورم و رشد اشتغال و... خواهیم بود.

سازمان‌ها هستند که برای پیشبرد مسوولیت‌های خود به فکر دستیابی به منابع بیشتری هستند. گروه دوم رانت‌خوارها و فاسدها هستند که





اولویت‌های اقتصادی پساتحریم

دکتر موسی غنی‌زاد



پیام‌آبادگران
مرداد ۱۳۹۴
شماره ۳۳۳

به رشدهای اقتصادی پرنوسانی با میانگین حدود ۴ درصد سالانه، همانند دو دهه پس از برنامه پنج‌ساله توسعه اول خواهد بود؛ البته با همان میزان آسیب‌پذیری و بلکه بیشتری که در جریان تشدید تحریم در سال‌های اخیر تجربه کردیم. به نظر نمی‌رسد هیچ صاحب‌نظری چنان تصویری از آینده اقتصاد ایران پس از تحریم را مطلوب بدانند. بستر فعلی گذار از شرایط تحریم به پساتحریم، امکان عملی کردن اصلاحات ساختاری مهم و ضروری را فراهم ساخته است. همه در پی جذب سرمایه‌گذاری خارجی هستند و علاقه‌مندی زیادی هم در حال حاضر از سوی سرمایه‌گذاران خارجی برای ورود به اقتصاد ما وجود دارد، اما سوی بنگاه‌های بزرگ نفت و گاز که مستقیماً با دولت و شرکت‌های دولتی وارد معامله می‌شوند و طبیعتاً تضمین کافی برای امنیت سرمایه‌گذاری خود دارند، آیا برای دیگر بنگاه‌ها و سرمایه‌گذاران خارجی

اغلب صحبت از این است که در شرایط فعلی با چه تدابیری می‌توان به نرخ رشد اقتصادی بالاتری دست یافت که سطح درآمد سرانه حقیقی ما را به سال‌های پیش از تحریم برساند. صحبت از این است که چگونه با بازگرداندن شرکت‌های بزرگ نفت و گاز به ایران سطح تولید خود را در این زمینه‌ها بالا برده و درآمدهای ارزی دولت را به سطح پیشا تحریم رساند. صحبت از این است که با جذب سرمایه‌گذاری خارجی در سایر عرصه‌های اقتصادی به تکنولوژی و مدیریت مدرن دست پیدا کنیم و بهره‌وری اقتصاد ملی را افزایش دهیم. شکی نیست که همه این تدابیر و اقدامات از شرایط لازم برای بیرون آمدن از رکود اقتصادی سال‌های اخیر است، اما شرط کافی برای دست یافتن به نظام اقتصادی سالم و پایدار در برابر تکانه‌های بیرونی نیست. حداکثر دستاوردهای ما با انجام موفقیت‌آمیز اقدامات فوق، بازگشت

تجربه تشدید تحریم‌های اقتصادی، رشد منفی و رکود تورمی سال‌های ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲، میزان آسیب‌پذیری اقتصاد ایران را در برابر عوامل بیرونی نشان داد. البته مدیریت اقتصادی نادرست و ناکارآمد در سال‌های وفور درآمدهای نفتی نیمه دوم دهه ۱۳۸۰، نقش مهمی در ابعاد آسیب‌های وارد شده به اقتصاد ایران داشت که خود جای بحث جداگانه‌ای دارد، اما نکته مهمی که در مباحث مربوط به وضعیت پساتحریم و توصیه‌های سیاستی اغلب مغفول واقع می‌شود، ساختار نابسامان اقتصاد ایران است که همچنان دست نخورده باقی مانده است. لازم به یادآوری است که در بستر همین ساختار اقتصادی بیمار بود که سیاست‌های مخرب سال‌های وفور درآمدهای نفتی امکان‌پذیر شد. این سیاست‌ها آسیب‌پذیری اقتصاد ملی را در برابر تحریم‌ها به شدت افزایش داد؛ اما

که بخواهند مستقیماً سرمایه‌گذاری کرده و با بخش خصوصی ایران همکاری کنند، شرایط مساعد از نظر فضای کسب و کار و امنیت سرمایه‌گذاری واقعا فراهم است؟ در شرایطی که بنگاه‌های داخلی دائماً در معرض تهدیدات و تضییقات قوانین و مقررات و دیوانسالاری دولتی هستند چگونه می‌توان به سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی امید بست؟ به این پرسش اساسی باید پاسخ داد که چرا پس از گذشت بیش از دو دهه از ایجاد مناطق آزاد، این مناطق نتوانسته‌اند سرمایه خارجی برای فعالیت‌های تولیدی جذب کنند و صرفاً به صورت مبادی واردات کالا ادامه حیات داده‌اند؟ آیا با ادامه این وضعیت نباید انتظار داشت که بنگاه‌های خارجی در دوران پساتحریم صرفاً به فکر فروش کالاهای خود در بازار نسبتاً بزرگ ایران باشند و نه بیشتر؟ آنچه سوءمدیریت سال‌های وفور درآمدهای نفتی پیش از تحریم آشکار ساخت، معضل تامین مالی بنگاه‌ها و نیز تامین کسری بودجه خود دولت بود. این معضل با تشدید تحریم‌ها و سپس پایین آمدن قیمت‌های جهانی نفت، ضربه هولناکی به اقتصاد ملی وارد آورد که رکود تورمی بی‌سابقه نتیجه نهایی آن بود. ارزانی تصنعی و دستوری نرخ اعتبارات (سود بانکی) در نظام اقتصادی

آنچه سو، مدیریت سالهای وفور درآمدهای نفتی پیش از تحریم آشکار ساخت، معضل تامین مالی بنگاه‌ها و نیز تامین کسری بودجه خود دولت بود. این معضل با تشدید تحریم‌ها و سپس پایین آمدن قیمت‌های جهانی نفت، ضربه هولناکی به اقتصاد ملی وارد آورد که رکود تورمی بی‌سابقه نتیجه نهایی آن بود.



بانک محور ایران، موجب سوءاستفاده و اتلاف گسترده منابع بانکی شد که هنوز نظام بانکی کشور نتوانسته از ضربه ناشی از آن کمر راست کند. این مساله ابعاد اهمیت فقدان بازار بدهی را در اقتصاد ما

عیان ساخت؛ چراکه اگر چنین بازاری وجود داشت، نرخ بهره واقعی در اقتصاد معلوم می‌شد و مقامات پولی نمی‌توانستند به اراده خود، نرخ دستوری تعیین کنند و در تخصیص منابع کمیاب و پر اهمیت مالی اختلال ایجاد کنند. وانگهی وجود این بازار می‌توانست بار بزرگی از دوش نظام بانکی بردارد و با شیوه‌ای کاملاً غیرتورمز، مشکل تامین مالی بنگاه‌ها و دولت را تا حدود زیادی برطرف کند. باوجود اظهارات مقامات مسوول، معضل تعیین دستوری نرخ بهره بانکی و فقدان بازار بدهی همچنان به قوت خود باقی است و همچنان مانع تخصیص بهینه منابع مالی می‌شود.

معضلات اقتصاد ایران، چه در عرصه سرمایه‌گذاری و چه در خصوص تامین مالی، که در بالا به آنها اشاره شد و به نظر می‌رسد پس از برداشته شدن فشار تحریم‌ها در اولویت اصلاح ساختار اقتصادی کشور قرار دارند، اساساً به رویکرد دولت‌مدارانه به اقتصاد برمی‌گردند. آیا در دولت تدبیر و امید این اراده سیاسی وجود دارد که این رویکرد نادرست را کنار نهاده و با تدبیر هوشمندانه‌ای به اصلاح اساسی قوانین، مقررات و نهادها همت گمارد و امید را به آینده اقتصاد بحران‌زده کنونی ایران بازگرداند؟





قانون رفع موانع تولید
رقابت‌پذیر
و ارتقای نظام مالی کشور

قانون رفع برخی از موانع تولید

خصوصی، تعیین تکلیف بدهی‌های دولت و تهاتر و تسویه بدهی‌های دولت به بخش خصوصی، افزایش سرمایه بانکها، تعریف مشوق‌های سرمایه‌گذاری تصویب شد و نهایتاً در تاریخ ۹۴/۰۲/۲۰ ابلاغ گردید.

قانون رفع موانع تولید چه می‌گوید؟!

این قانون نگاهی بر حل مشکلات بخش خصوصی و تولیدکنندگان ارائه‌دهندگان خدمات دارد از بندهای مهم و اثرگذار این قانون تهاتر بدهی دولت و بخشهای غیردولتی است بر همین اساس :

- طبق مواد ۱ و ۲ مقرر شده است تا واحد مرتبط با بدهیهای دولت در وزارت اقتصاد تشکیل شود تا تکلیف تهاتر بدهی‌های دولت و بخشهای خصوصی و تعاونی با اوراق تسویه خزانه مشخص شود و با بدهی‌های دولت به بخش خصوصی و تعاونی از طریق انتشار اوراق صکوک اجاره پرداخت و تسویه شود.

- پیش‌بینی مشوق‌هایی برای خرید طرحهای عمرانی دولت در مواد ۷ و ۲۴ این قانون از نکات مثبت دیگر است مواردی هم چون تسهیلات صندوق توسعه ملی، خریداری پنجاه سال کالاها و خدمات ناشی از اجرای طرحها و پروژه‌ها توسط دستگاه‌های دولتی با پرداخت یارانه یا کمک زیان برای طرحهای فاقد سودآوری

- در سالهای اخیر مجلس و دولت‌های وقت با توجه به تشدید مشکلات اقتصادی تلاش کرده‌اند قوانینی برای حل مسائل اقتصادی به صورت طرح یا لایحه ارائه دهند که «قانون رفع برخی از موانع تولید» و «قانون بهبود مستمر فضای کسب و کار» از جمله این قوانین بودند.

- دولت یازدهم با توجه به مشکلات سالهای اخیر و محدودیتهای موجود در مسائل

اقتصادی و بحث تحریم‌ها و رشد منفی اقتصاد و ابلاغ سیاستهای کلی اقتصاد مقاومتی توسط مقام معظم رهبری، به این نتیجه رسید که نیاز است لایحه‌ای را جهت رفع موانع تولید با رویکرد سیاستهای خروج از رکود در سالهای ۹۳ و ۹۴ که قبلاً تهیه شده بود و با الهام از سیاستهای اقتصاد مقاومتی تقدیم مجلس شورای اسلامی نماید؛ هرچند در این بین موافقان و مخالفانی با لایحه و سیاستهای دولت وجود داشت ولی در نهایت لایحه مذکور با تلفیق طرح مجلس محترم شورای اسلامی به نام «قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقای نظام مالی کشور» در قالب ماده ۶۰ جهت رفع مشکلات تولید، امکان سرمایه‌گذاری بخش

محمد نکلی*



• ماده ۲۱ قانون، افتتاح حساب ویژه تأمین سرمایه در گردش (اعتبار حساب جاری) ماده ۲۲ الزام به بررسی همزمان درخواست تسهیلات ارزی و ریالی طرح دارای توجیه اقتصادی و فنی توسط سیستم بانکی، در ماده ۲۳ استمهال اخذ تسهیلات بنگاههای تولیدی که به دلیل شرایط کشور از سال ۸۹ تا ۹۲ دچار مشکل شده‌اند و دارای بدهی سررسید گذشته‌اند.

• راههای تأمین منابع مالی دستگاههای اجرایی برای اجرای پروژه‌ها توسط بخش خصوصی در این قانون تعیین شده است به خصوص برای وزارتخانه‌های نفت و نیرو؛ معمولاً این قوانین قبلاً به عنوان بند (ق) در بودجه‌های سنواتی به آن اشاره و در قانون مشخص می‌گردید در ماده ۱۲ به خصوص برای بخش انرژی راههای تأمین منابع مالی مشخص شده است؛ ابتدای ماده عنوان گردیده که دولت می‌تواند تا سقف یکصد میلیارد دلار به صورت ارزی و ۵۰۰ هزار میلیارد ریال به صورت ریالی برای تولید، صادرات یا ارتقای کیفیت یا صرفه‌جویی با کاهش تلفات در صنعت برق، گاز، نفت و آب قرارداد منعقد نماید (بند ت طرحهای احداث سد و نیروگاه یا کارهای آبی مختص اعضای این تشکل می‌باشد) که در صورت اجرا می‌توان به اقتصاد با ثبات امیدوار بود.

• تکلیف صندوق توسعه ملی به اولویت قرار دادن این گونه طرحها و واگذاری تسهیلات ارزی و ریالی به بخش خصوصی است.

- در مواد ۳۰ تا ۳۷ قانون که به بخش مالیات و معافیت‌های مالیاتی اختصاص داده شده است بر این اساس در ماده ۳۰ عواید حاصل از آورده نقدی برای تأمین سرمایه بنگاه‌ها شامل معافیت خواهد بود (هزینه قابل قبول مالیاتی) در ماده ۳۱ معافیت‌های ۵ یا ۱۵ ساله مالیاتی برای فراهم نمودن بستر فعالیت‌های تولیدی بسته به سطح توسعه منطقه پیش‌بینی شده است.

در ماده ۳۴ استرداد حداکثر یک ماهه مالیات بر ارزش افزوده کالاها و صادرات به صادرکنندگان بخش خصوصی و مشوقهای مالیاتی در ماده ۳۷ هم مؤثر در تولید می‌باشد. محدود کردن بنگاهداری بانکها به وضع مالیات با نرخ بالاتر به عملکرد این شرکتها

• اما بحث بعدی این مطلب اشاره به یکی از نقاط ضعف این قانون در حوزه شرکتهای پیمانکاری طرحهای زیربنای و عمرانی کشور است که در برخی مواد با تصریح واحدها یا بنگاههای تولیدی، شرکتهای پیمانکاری خدماتی که در پایه تولید نقش مؤثری دارند مورد توجه قرار نداده است. خدمات شرکتهای پیمانکاری بعنوان پایه رشد و توسعه اقتصادی و تولید کشور می‌باشد و تولید آب، برق و انرژی و محصولات واحدهای تولیدی مستقیماً به ارائه خدمات این شرکتها مرتبط می‌باشد. لذا در این قانون همانطور که در مواردی از آن به نام بخش خصوصی عنوان شده است بایستی به نحوی با تدوین آئین نامه‌ها و اصلاحات لازم تمام مواد قانون رفع موانع تولید مشمول شرکتهای خدماتی صنعت احداث نیز بشود.

- از دیگر مباحث مهم این قانون که پس از تصویب آن مدنظر می‌باشد تدوین آئین‌نامه‌های اجرایی این قانون است. این قانون هر چقدر هم که مترقی و دارای نقاط قوت و رافع موانع تولید و رشد سرمایه‌گذاری و توسعه اقتصادی باشد نتایج حاصل از آن بسته به اجرای آن می‌باشد که در گرو تصویب آئین‌نامه‌های آن است که در خود قانون به آئین‌نامه‌ها اشاره شده است و در ماده ۶۰ قانون با اشاره به مواد ۲ و ۳ قانون بهبود مستمر محیط کسب و کار دولت و دستگاههای اجرایی را مکلف به اخذ نظرات بخش خصوصی و تشکل‌ها نموده است.

در قانون پیش‌بینی گردیده است آئین‌نامه‌های اجرایی مواد این قانون به پیشنهاد سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و وزارتخانه‌های امور اقتصادی و دارایی، نفت و نیرو یا سایر دستگاهها حسب مورد، ظرف مدت سه ماه پس از ابلاغ این قانون به تصویب هیأت‌وزیران برسد. لذا دولت و دستگاههای اجرایی مکلفند نظرات بخش خصوصی را از اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران به عنوان متولی بخش خصوصی و تشکل‌های صنفی عضو اتاق و غیر عضو در تدوین آئین‌نامه‌ها اخذ نمایند و در اجرای صحیح و قانونی آن همه فعالان بخش خصوصی و دولت به کمک هم درآیند.

• عضو کمیسیون قوانین و مقررات

سندیکای شرکتهای ساختمانی ایران



پاگرد در راه پله‌ها، زمینه‌ساز فراغتی کوتاه برای انسان از فشار ناشی از بالا رفتن از پله‌ها است و این پاگرد در مجله.....

کمیسیون انتشارات

دکتر محمود سریع القلم
استاد دانشگاه شهید بهشتی تهران



اگر ما در حد ترکیه با جهان ارتباط داشتیم، تخصص را گرامی می‌داشتیم و به یک نفر، بیش از ده حکم اجرایی نمی‌دادیم.

اگر ارتباطات جدی بین‌المللی داشتیم، سریع آلودگی هوای تهران، ایمنی جاده‌ها، ترافیک شهری، نظام اداری و ده‌ها مورد را مجبور می‌شدیم حل و فصل کنیم.

اگر ارتباطات وسیع بین‌المللی داشتیم، نمی‌توانستیم نرخ دورقمی تورم را برای ده‌ها حفظ کنیم.

اگر بین‌المللی بودیم، در دانشگاه‌های ما، از اساتید کره‌ای و ژاپنی گرفته تا محققان مصری و برزیلی حضور پیدا می‌کردند، تدریس می‌کردند، آموزش می‌دادند و می‌آموختند و افراد دانشگاهی در داخل کشور، خود را محک می‌زدند.

اگر بین‌المللی بودیم، قبول نمی‌کردیم درصد قابل توجهی از مردم ایران از اتومبیل پرآید استفاده کنند.

اگر بین‌المللی عمل می‌کردیم، روبروی شاخص ارزی ایران در صرافی‌های خارجی، معادل‌های بسیار ضعیف را نمی‌دیدیم.

منظور از بین‌المللی شدن چیست؟ سه اصل است: رقابت، کیفیت و استاندارد. تصور نکنید که مقصود تعامل صرفاً با غرب است. یکی از بهترین مصادیق برای فهم بین‌المللی شدن، کشور کره جنوبی است. هم پیشرفت خارق‌العاده‌ای

کرده‌اند و بدون منابع طبیعی نزدیک به یک تریلیون دلار تولید ناخالص داخلی دارند. هم‌زبان و فرهنگ و ادبیات خود را حفظ کرده‌اند و هم می‌توانند با سیستمی رقابتی و جهانی که بپا کرده‌اند، همسایه شمالی خود را تهدید اقتصادی کنند. کره شمالی نگران باز شدن است چون تضادهای درونی آن برملا می‌شود و نظمی که ایجاد کرده‌اند را متزلزل می‌کند.

آیا من و شما می‌توانیم سه نفر از مقامات کره جنوبی را نام ببریم. احتمالاً خیر. چون کره جنوبی سیستم است و نه فرد. اما همین که در جهان گفته می‌شد ونزوئلا یا لیبی، همه می‌دانستند نام کدام افراد را باید مطرح کنند. اول شرط توسعه‌یافتگی این است که همه بپذیرند، سیستم‌سازی مبنای تحول است و افراد صرفاً سیستم را مدیریت می‌کنند.

در جهان سوم تعهد جایگاهی ندارد، آدمها بین ساعت یک ربع به هفت، هفت، و هفت و ده دقیقه فرقی قائل نیستند، وقتی با تأخیر سر قرار می‌رسند بجای عذرخواهی می‌گویند:

«؟ خیلی وقته اومدی؟! بنا بر اینا ارزش کسی که هر روز سر ساعت هفت در محل کار حاضر است الزاماً حفظ نمی‌شود، بلکه کسی که گستاخ‌تر است و روی بیشتری دارد حرف اول را می‌زند، کارمندی که کارش را درست انجام می‌دهد همیشه تحت فشار است بی آنکه رشد کند، در مقابل کارمندی که از زیر کار در می‌رود راحت‌تر است، جواب خیلی

از سؤالها این است: حالا مگه چی شده؟! در کشورهای پیشرفته مردم آگاهی و بینش بهتری دارند، آنها میدانند که کسیکه متعهدتر است قابل اعتماد و البته قابل احترام است، جامعه به افراد سخت‌کوش نیاز دارد و این افراد رشد می‌کنند! و این است که بسیاری که مهاجرت می‌کنند در

کشورهای دیگر موفق هستند! در خاورمیانه عمدتاً ارزشها جایجا شده، تو اگر آدم سخت کوشی باشی باید کل سیستم را به جلو هل دهی و البته نخواهی توانست، کسی که کار نمی‌کند راحت‌تر زندگی می‌کند و فشار کمتری متحمل است! یکروز تعطیل رسمی است، روز بعد بین تعطیل و بعدش جمعه، و شنبه هم هنوز عده‌ای مرخصی هستند و کارها انجام نمی‌شود، یکروز آفتابی ساعت نه صبح می‌روی به ادارات و کارمندی داد می‌زند سیستم قطعه! و تو هیچ حرفی برای گفتن نداری، هیچکس پاس‌خگو نیست، زمان ارزشی ندارد و این را از صفهای طولانی سوخت‌گیری سی.ان.جی می‌توان فهمید، سرعت جامعه کند است و تو نمی‌توانی تند بروی! همه میدوند و عجله دارند اما همه شان هم علافاند! کار مثبتی انجام نمی‌شود، توضیح دادن بیفایده است، همه می‌خواهند سر طرف مقابل کلاه بگذارند، پس وقتی تو وعده تشویق به کارمند یا پیمانکاری می‌دهی بیچاره باور نمی‌کند! فکر می‌کند تو وعده سر خرمن می‌دهی! ساده‌ترین کارها به سختی انجام می‌شود، وقتی ۱۰۰ تا تک تومنی از کسی می‌گیری ناراحت است و می‌خواهد سکتته کند اما وقتی ۲ ساعت وقتش تلف می‌شود نمی‌فهمد! سود و زیان تعریف خاص خود را دارد، سرمایه‌ها به سمت تولید نمی‌روند، مردم کیفیت را نمی‌بینند فقط به قیمت توجه می‌کنند، سطحی‌نگری شایع است، اگر تو آدم نکته‌سنج و دقیقی باشی سختیهای زیادی خواهی داشت، و در این جامعه است که این ضرب‌المثل همچنان تیشه به ریشه تمام اقتصاد و فرهنگ و ادب و انسانیت و مدنیت می‌زند: خواهی نشوی رسوا هم‌رنگ جماعت شو.



پیام‌آبادگران
مرداد ۱۳۹۴
شماره ۳۳۳

ما را سرسیت با تو که گر خلق در کار دشمن شود برود بر همان سیرم

آن کس که بدم گفت، بدی سیرت اوست
و آن کس که نکو خواند مرا خود نیکوست

حال متکلم از کلامش پدید است
از کوزه همان برون تراود که دروست

متن زیر خلاصه ای از توصیه نامه یک مدیر آلمانی
پس از چندین سال کار در صنایع مختلف ایران است:



من در رقابت با هیچکس جز خودم
نمی باشم هدف من مغلوب نمودن
آخرین کاریست که انجام داده ام
(بیل گیتس)

۱- به کارشناسان و نخبگان سیستم خود هیچگاه فشار وارد نکنید آنها می توانند کاری کنند که سیستم شما دچار بیماری هموفیلی شود و با کوچکترین زخمی خونریزی مداوم نماید.

۲- وجهه طلبکارانه داشتن و ندیدن نقاط مثبت کارکنان یک ضعف اساسی است که نوآوری و خلاقیت را می میراند.

۳- از ترس اینکه پرسنلتان جایگاه شما را بگیرند اقدام به استخدام افراد ضعیف و غیر حرفه ای ننمایید قطعا کار کردن با حرفه ای ها مشکلات خاصی دارد ولی به پیشرفت سیستم و پیشرفت شما کمک می کند

۴- به جای ایجاد تفرقه بین کارکنان و ایجاد سیستم های جاسوسی به فکر ایجاد اتحاد و نظم بین کارکنان باشید

۵- در موردی مسایلی که نمی دانید تظاهر به دانایی نکنید. گاهی با پرسیدن یک سوال مناسب می توانید میزان هوش و سطح فکرتان را به دیگران اثبات کنید.

۶- از کوچکترین افراد مجموعه هم می شود چیزهایی یاد گرفت از فرصت های یادگیری استفاده کنید

۷- به پرسنلتان فرصت مناسب برای تفریح بدهید

۸- استفاده نامناسب از ابزار اخراج باعث ایجاد ناامنی در محیط کار و بالطبع تنزل کیفیت می شود

۹- مدیریت را مایه برتری بر دیگران ندانید. در کارکنان شما افراد زیادی هستند که از شما با استعدادتر در زمینه مدیریت هستند.

۱۰- موفقیت یک مدیر به اتومبیل، کت وشلوار، ساعت مچی و تجملات نیست

۱۱- به همه مسایل ورود نکنید گاهی زمان حلال مسایل است
۱۲- مدیریت را با نظامی گری اشتباه نگیرید. در خفقان و فشار هیچ استعدادی رشد نمی کند شاید چینی ها بتوانند اپل بسازند ولی هیچگاه استیو جابز پرورش نمی دهند

۱۳- اگر از پایین ترین سطوح شروع بکار کرده اید و پله پله بالا آمده اید هیچ کس مناسب تر از شما برای آن پست نیست

۱۴- به جای استخدام سه نفر با حقوق پایین یک نفر با حقوق بالا استخدام کنید یک نفر راضی بهتر از سه نفر ناراضی کار می کند

۱۵- به هر کسی در جایگاه خودش قدرت و اختیار بدهید. به چارت سازمانی احترام بگذارید. وان را دور نزنید چه به سمت بالا چه به سمت پایین

۱۶- از استخدام افراد دارای پارتی!!!!!! خودداری کنید.



■ سادگی و عشق از عوامل پیشرفت است، که در قلب ما ایرانیان است.

■ زندگی، یعنی پژوهش، و فهمیدن چیزی جدید.

■ چهار اصل پیشرفت: مردانگی، عدالت، شرم و عشق است.

■ بزرگترین خوشحالی من در زندگی: هوش و استعداد جوانان ایرانی است.

■ راه پیشرفت، ارزش نهادن به علم و تحقیق، احترام به معلمین، اساتید، دانش آموزان و دانشجویان است.

■ تقلید (از غرب)، خطری است جدی، که چشمه های نبوغ را، خشک می کند.

■ یک عمل درست، بهتر است از هزار نصیحت.

■ انجام وظیفه، لازمه جهش بسوی پیشرفت است

■ احساس اجبار به فداکاری، لازمه زندگیست.

پروفیسور حسابی

■ جهان سوم جایی است که هر کس بخواهد مملکتش را آباد کند، خانه اش خراب می شود و هر کس بخواهد خانه اش را آباد کند باید در ویرانی مملکتش بکوشد.

■ هر چه انسان، وجود ارزشمندتری داشته باشد به همان اندازه مودب و فروتن است.

■ فعال باشیم، ولی ملایم، عادل باشیم، ولی با گذشت.



پیام آبادگران
مرداد ۱۳۹۴
شماره ۳۳۳



چگونه اخراج یک کارمند را به او اطلاع دهیم؟

مدیریت در یک سازمان
درسهایی از فرایند

فرآیند اخراج ناخوشایندترین بخش مدیریت است که بسیاری از افراد از آن وحشت دارند. «در عین حال کاری است که هرگز مورد قدردانی قرار نمی‌گیرد. «هرگز دیده نشده که کسی به خاطر اینکه خوب اخراج می‌کند، ترفیع گرفته باشد. اما اگر مطابق با شأن افراد و با تکریم با آنها رفتار نکنید ممکن است موفقیت حرفه‌ای‌تان به انحراف

خبر چیست؟ چگونه میان بی‌پرده بودن و دلسوز بودن تعادل ایجاد می‌کنید؟ تا چه حد باید احساسات خود را نشان دهید؟

افراد خبره چه می‌گویند

طبق نظر لارنس جی استابیل، استاد مدیریت و یکی از مشاوران هیات‌مدیره دانشکده کسب‌وکار ساویر «انجام دادن

اخراج کارمندان یکی از ناخوشایندترین وظایفی است که مدیران با آن روبه‌رو هستند. این کار می‌تواند باعث برانگیختن احساسات پیچیده‌ای شود: همدردی، ناراحتی و اضطراب. حتی اگر رفتن یک کارمند (یا کارمندان) بیشترین منفعت را برای شرکت داشته باشد، باز هم احساس گناه ممکن است شما را رها نکند. بهترین راه برای انتقال این



کشیده شود.» همه کارمندان و مشتریان شما مشاهده می‌کنند که چگونه این فرآیند را به انجام می‌رسانید. اندی مولینسکی به‌عنوان استاد رفتار سازمانی در دانشکده بین‌المللی کسب‌وکار برنر می‌گوید: «روشی که برای اخراج کارمندان اتخاذ می‌کنید باید متضمن کلماتی باشد که در خط مشی شرکت تعریف شده است.» اخراج کارمندان زمانی بسیار سخت می‌شود که خود شما با این کار مخالف باشید. «در این صورت احساس می‌کنید دچار تضاد شده‌اید، انگیزه خود را از دست می‌دهید و مستاصل خواهید شد.» شما در مقام یک مدیر باید کاری را انجام دهید که به نفع شرکت باشد. در اینجا به شرح این موضوع می‌پردازیم که چگونه این کار را به صورت روشن و با احترام انجام دهید. خواه درباره اتمام کار با یک نفر باشد یا کل یک تیم.

برای این کار آموزش ببینید

طبق نظر استایبل، همه سازمان‌ها به‌منظور اداره کردن اخراج‌ها نیاز به «فرآیند موثر، کارآمد و استاندارد» دارند و همه از جمله مدیران فعلی و مدیران آینده باید برای چگونگی انجام آن آموزش ببینند. او اضافه می‌کند «آموزش از ترسناک بودن این کار می‌کاهد.» مولینسکی می‌گوید: «مشکل اینجاست که بیشتر سازمان‌ها لزومی برای انجام آموزش وسیع برای این کار نمی‌بینند؛ چرا که این کار برای آنها مستلزم صرف زمان و هزینه است؛ ضمن اینکه مساله اخراج به‌طور نسبی چندان زیاد اتفاق نمی‌افتد.» این دیدگاه اشتباه است. شرکت‌هایی که اخراج‌های ضعیف انجام می‌دهند اغلب از پیامدهای فراوان آن رنج می‌برند، از جمله دادخواهی از اخراج ناصحیح و ضربات مهلک به حسن شهرت شرکت را می‌توان نام برد. شکی نیست که باید برای این مساله منابعی تخصیص یابد. اگر شرکت آموزش نمی‌دهد، مولینسکی پیشنهاد می‌کند از مشاوران یا افرادی که تجربه‌های موفق در زمینه اخراج داشته‌اند، کمک بگیرید.

تمرین

استایبل می‌گوید با سردی وارد این کار نشوید و البته تنها نروید. دادن این خبر درحالی‌که شخص دیگری نیز در اتاق هست، هم راحت‌تر

است و هم از لحاظ قانونی بهتر است. «حالت ایده‌آل این است که با یک مشاور در یک شرکت کارایی همکاری نزدیک داشته باشید تا آنها به شما در انجام این فرآیند کمک کنند.» در غیر این صورت، یک نفر از واحد منابع انسانی را برای این کار انتخاب کنید. زمانی که آنچه می‌خواهید بگویید را تمرین می‌کنید، فکر کنید که کارمند ممکن است چه عکس‌العملی نشان دهد. «بدترین سناریوی ممکن را پیش چشم خود بیاورید.»

آن شخص ممکن است گریه کند. یا ممکن است پای خانواده‌اش را وسط بکشد و مثلاً بگوید «دخترم امسال پاییز به دانشگاه می‌رود. چگونه از پس مخارج او برآیم؟» باید از قبل به این مساله فکر کنید که چگونه احساسات خود را مدیریت خواهید کرد. بهتر است از قبل یک پیش‌نویس برای خود داشته باشید. هرچند مولینسکی توصیه می‌کند که بیش از حد به آن وابسته نباشید طوری که رفتارتان مکانیکی به نظر برسد و آنقدر از مساله دور شوید که حساسیت انسانی خود را از دست بدهید. در عین حال باید مراقب باشید رفتارتان برای نشان دادن حس همدردی نباشد آنقدر مبالغه‌آمیز باشد که از رساندن پیام خود بازمانید.

انتخاب مکان مناسب

مولینسکی می‌گوید محیط فیزیکی که قرار است در آن موضوع را بگویید باید جایی آرام و یک اتاق ساکت باشد. هدف این است که «حداکثر احساس راحتی را در رساندن این پیام داشته باشید و در عین حال شأن و ارزش فردی که اخراج می‌شود هم رعایت شود.» استایبل پیشنهاد می‌کند «اغلب اوقات عکس‌العمل طرف مقابل شوکه شدن و ناراحتی است اما این احتمال هم هست که او خشمگین شود. به همین خاطر باید مطمئن شوید که طرف مقابل در صورت عصبانی شدن و ترک کردن اتاق، دسترسی آسان به درب خروج را دارد.» او می‌گوید «هیچ ساعت مناسبی در طول روز برای دادن این خبر وجود ندارد چون به هر حال خبر از دست دادن شغل واقعا هولناک است. اما بهتر است این کار را در آخرین روز هفته و قبل از تعطیلات انجام دهید چرا که آن شخص

آخر هفته خود را فرصت خواهد داشت تا با این مساله کنار بیاید. ضمن اینکه اگر در طول هفته این کار را انجام دهید، کارمندان تمام آن هفته درباره این موضوع صحبت خواهند کرد.» طبق نظر مولینسکی اگر کل واحد را یکجا تعطیل کردید و همه واحد اخراج شدند، بهتر است خبر اخراج را یکباره به همه اعلام کنید چرا که همه تحت‌تأثیر این مساله قرار خواهند گرفت.

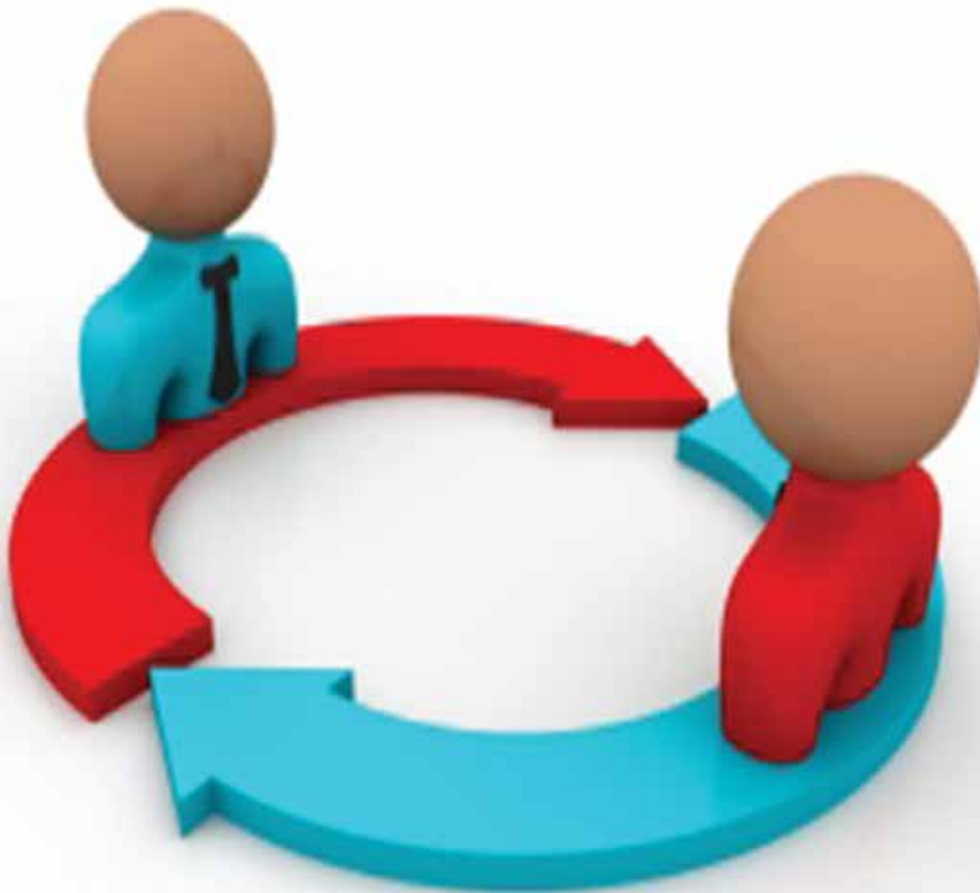
بی‌پرده صحبت کنید

مولینسکی می‌گوید «داشتن یک پیش‌نویس برای اخراج یک کارمند خوب است» و استایبل پیشنهاد می‌کند «سریعا سر اصل مطلب بروید: بی‌پرده و صادق باشد و گفت‌وگو را کوتاه نکنید.» استایبل پیشنهاد می‌کند ابتدای گفت‌وگو را این گونه آغاز کنید: «امروز باید خبرهای بدی را به شما بدهم» چرا که این عبارت طرف مقابل را از لحاظ احساسی آماده می‌کند. بعد می‌توانید از چنین عباراتی استفاده کنید: «هدف از این جلسه این است که به شما بگویم که شغل شما در این شرکت به اتمام رسیده است.» بعد به آن شخص پوشه‌ای که حاوی جزئیات قطع همکاری است ارائه دهید. اگر شرکت شما خدمات کارایی ارائه می‌دهد می‌توانید بگویید: «به‌عنوان بخشی از احترامی که برای شما قائل هستیم، شرکتی را تشکیل داده‌ایم که به شما کمک کند روی پای خودتان بایستید.» سپس جلسه را به مشاور یا نماینده منابع انسانی بسپارید تا قدم‌های بعدی را توضیح دهد. استایبل تاکید می‌کند «لازم نیست خیلی طولانی و با جزئیات صحبت کنید. هر آنچه لازم است را بگویید و بعد اتاق را ترک کنید. شرکت کارایی بقیه کار را انجام خواهد داد.»

از موضوع منحرف نشوید

از آنجا که هر آنچه اتفاق می‌افتد برای فردی که اخراج می‌شود بسیار مهم است، ممکن است عکس‌العمل احساسی نشان دهد. شاید اشک بریزد، یا پرخاش کند یا سوال بپوشد. پیش بیاید. اما شما به‌عنوان مدیر نباید پاسخ بدهید. مولینسکی می‌گوید «قرار نیست گفت‌وگویی داشته باشید که به سر و کله زدن و بحث و جدل بینجامد.» درباره عملکرد





ایجاد کنید که در آن محیط، خبر را بدهید

- از یک شرکت کارایی یا از منابع انسانی برای مدیریت این فرآیند کمک بگیرید
- بعد از این گفت‌وگو، خود را هم از لحاظ جسمی وهم روحی بازباید
- با سردی وارد جلسه نشوید. گفت‌وگو را از قبل تمرین کنید و عکس‌العمل‌های طرف مقابل را پیش‌بینی کنید
- درباره اینکه این تصمیم چقدر برای شما سخت است صحبت نکنید، آن کارمند در آن لحظه به احساسات شما توجهی ندارد
- بی‌عاطفه نباشید، اگر ارتباط خوبی دارید، طرف مقابل را با معرفی او به دوستان خود حمایت کنید یا یک مرجع خوب در اختیار او قرار دهید.

موردکاوی شماره ۱

کمک کنید این فرآیند تا حد ممکن با آرامش سپری شود

بعد از آنکه وزارت دفاع به شرکت آئرو جت مدیکال اعلام کرد که به خاطر مسائل بودجه قراردادهای تمدید نخواهند شد، دانیل ویلسون به‌عنوان مدیرعامل و رئیس شرکت به دردسر

فشار را از خود کم کنید و با دیگری صحبت کنید

استایل می‌گوید اخراج یک کارمند تجربه سختی است «که بسیار هزینه‌بر است» حتی برای مجرب‌ترین مدیران. او اضافه می‌کند «وقتی این خبر را به آن شخص دادید، راهی پیدا کنید که خودتان را هم از فیزیکی و هم از لحاظ روانی دوباره بازباید. راه بروید. چرت بزنید. ورزش کنید.» مولینسکی می‌گوید: «سعی کنید، بلافاصله بعد از آن، جلسه دیگری ترتیب ندهید، به خودتان زمان آرام شدن بدهید. در ضمن مهم است که درباره تجربه خود صحبت کنید.» مثلاً با مدیر منابع انسانی که به شما در فرآیند این اخراج کمک کرد. می‌توانید با هم بررسی کنید که کار چگونه پیش رفت و چه کاری را می‌توانستید به‌طور متفاوت انجام دهید. همیشه فضایی برای رشد هست؛ «هر چند یک لحظه احساسی است اما در عین حال، یک وظیفه و یک مهارت است. می‌توانید در این کار بهتر شوید.»

اصولی که باید به خاطر داشت

- یک محیط فیزیکی خصوصی و ساکت

ضعیف او یا اینکه به او هشدار داده شده بود، صحبت نکنید. استایل پیشنهاد می‌کند بگویید: «اگر می‌خواهید درباره درستی این تصمیم صحبت کنید خوشحال می‌شوم برای هفته آینده قراری با شما بگذارم اما اکنون فرصت مناسبی نیست.» او اضافه می‌کند که هرگز پیش نیامده که یک کارمند اخراجی تقاضای یک قرار پیگیری بگذارد.

دلسوز باشید

مولینسکی می‌گوید وقتی وظیفه اخراج کارمندی که با او رابطه خوبی داشته‌اید به شما محول می‌شود، «احتمال زیادی وجود دارد که با او احساس همدردی عمیقی داشته باشید.» در چنین مواردی می‌توانید به او «پیشنهاد حمایت» بدهید. مثلاً به او بگویید او را به دوستان خود معرفی خواهید کرد و البته این کاری نیست که برای همه انجام دهید اما اگر این کار در رابطه شما طبیعی است، می‌توانید آن را پیشنهاد دهید. از همه مهم‌تر، هرگز درباره اینکه این تصمیم چقدر برایتان سخت بوده صحبت نکنید چون به نظر استایل «نامربوط است.» آن کارمند اکنون و در این موقعیت به احساسات شما اهمیت نمی‌دهد.



بزرگی افتاد.

او می‌گوید «شرکت ما کمتر از دو سال سابقه داشت و ما تنوع کاری نداشتیم و ۱۰۰ درصد وابسته به این قرارداد بودیم».

این یعنی دانیل باید ۲۶ نفر را اخراج می‌کرد. واقعا سخت بود چراکه او شخصا با همه کارمندان رابطه نزدیکی داشت و همه آنها شغل‌های مطمئن خود را به خاطر شخص دانیل رها کرده بودند چراکه به او و کارش اطمینان داشتند.

دانیل قبل از اینکه خبر را به آنها بدهد، بسته‌های اطلاعاتی درست کرد که برای هر فرد شامل مزایای پایان خدمت، زمان پرداخت بدهی معوق و اطلاعاتی درباره چگونگی درخواست بیمه بیکاری و خدمات بیمه‌های دیگر بود. همچنین برای هر شخص یک نامه معرفی و حسن انجام کار مخصوص آن شخص تهیه کرد. او می‌گوید: «می‌خواستم برای کمک به آنها اطلاعات بدهم که این فرآیند تا حد ممکن با آرامش سپری شود».

او تصمیم گرفت این خبر را یکجا به همه بدهد. تیم را در اتاق کنفرانس شرکت جمع کرد و بی‌پرده و با صداقت با آنها صحبت کرد. دانیل می‌گوید: «با خود فکر کردم اگر قرار بود این خبر را به من بدهند، دوست داشتم چه بشنوم».

او بخش‌هایی از نامه دولت را خواند که در

آن هم به مساله بودجه اشاره شده بود و هم از خدمات و حرفه‌ای بودن شرکت آثرو جت مدیکال قدردانی شده بود. دانیل از کارمندان تشکر کرد. او می‌گوید: «تجربه احساسی نبود. اما اگر احساسات صادقانه باشد، باید نشان داده شود. به نظر من کارمندان سفرای شرکت‌ها هستند. حتی آنها که شرکت را ترک می‌کنند».

دانیل مدیرعامل باقی ماند و امروز شرکت او ۱۵۰ کارمند با بخش‌های متنوع دارد.

موردکاوی شماره ۲

قاطعانه برخورد کنید و این خبر را بی‌پرده بگویید

در سال ۲۰۰۹، تد کارکوس، مدیرعامل آزمایشگاه‌های پروفاز شد که داروی کولد ایز (Cold-EEZE) را تولید می‌کردند. زمان سختی بود: فروش در حال افت بود، اخلاق جایگاهی نداشت، فروشندگان تهدید می‌کردند که قفسه‌هایشان را خالی می‌کنند.

تد متوجه شد که مخارج بسیار بالاست و تعداد زیادی از کارکنان باید اخراج شوند. او به نقاط قوت و ضعف هر یک از ۲۶ کارمند خود توجه کرد و اینکه این افراد برای شغل خود مناسب هستند یا خیر. این کار به او کمک کرد تا بفهمد که بسیاری از کارمندان باید اخراج شوند از جمله مدیر مالی شرکت که ما اکنون او را

مایکل می‌نامیم.

تد می‌دانست که باید قاطعانه عمل کند. او می‌گوید: «وقتی تصمیم خود را گرفتید، نباید آن را به تعویق اندازید.» او جلسه‌ای را با مایکل و مدیر اجرایی شرکت ترتیب داد. او می‌گوید: «صحبت کوتاه و مودبانه بود. من پیام خود را بی‌پرده منتقل کردم و سپس به او مزایای قطع همکاری را ارائه دادم.» مایکل واقعا شوکه شده بود.

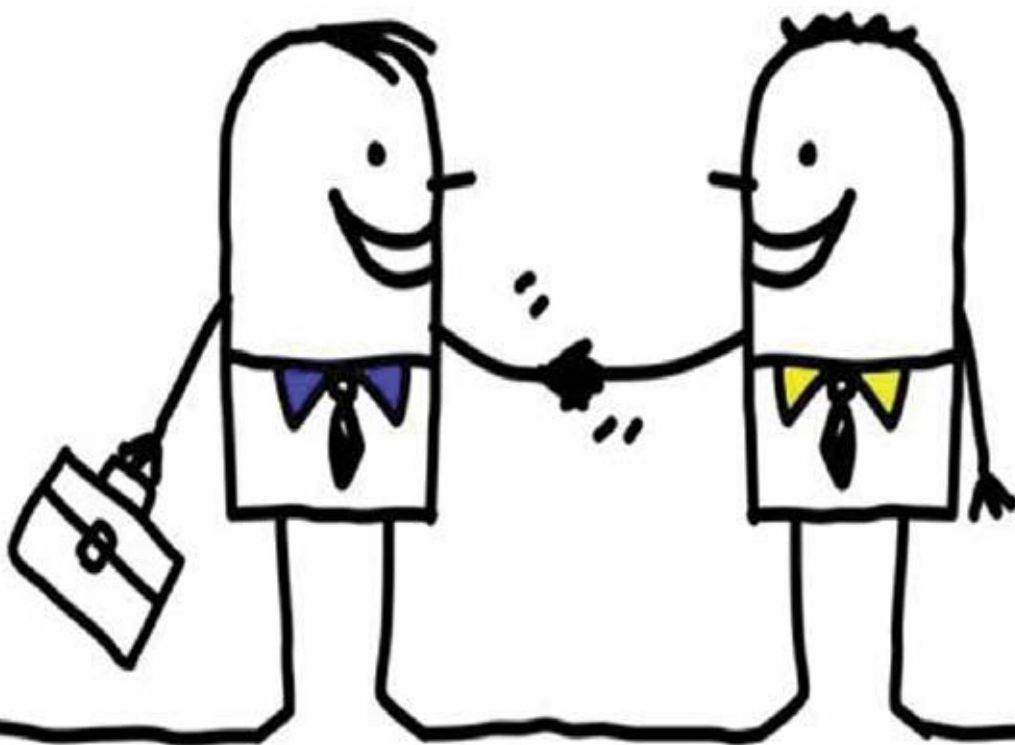
تد شخصا مایکل را دوست داشت به همین خاطر به او پیشنهاد کرد در یافتن شغل جدید به او کمک کند. و به او گفت باید کاری را انجام دهد که برای شرکت و سهامداران بهتر است و اینکه در قبال آنها مسوول است.

طی یکسال، فقط پنج کارمند از آن تعداد باقی ماندند. تد تنها با استخدام ۱۰ نفر آن تعداد را جایگزین کرد و در نتیجه هزینه‌ها تقریبا ۲ میلیون دلار کاهش یافت.

امروز آزمایشگاه‌های پروفاز نرخ اخراج بسیار پایینی دارد و تد درباره اخراج نگاه فلسفی پیدا کرده است: «من واقعا نسبت به هر یک از کارمندان توجه دارم. حتی آنها که لازم است با آنها قطع همکاری شود. هیچ‌کس نباید مجبور به کار در شرایطی شود که توانایی‌اش با نیازهای آن شغل هماهنگی ندارد.»

● مترجم: رویا مرسلی

منبع: HBR





زیباترین پل‌های سنگی دنیا

تاکنون گزارش‌های متعددی درباره بلندترین، طولانی‌ترین، ترسناک‌ترین و معروف‌ترین پل‌ها ارائه شده است ولی کمتر به معماری این پل‌ها توجه شده است. در این مطلب لاپلاس به معرفی زیباترین پل‌های سنگی اشاره می‌کنیم. پلهایی که علاوه بر زیبایی، قدمت چند صدساله داشته و بیانگر معماری دوره‌های مختلف تاریخ است.



پل باستی در پارک ملی ساکسون در آلمان

این پل برای اولین بار در سال ۱۸۵۱ جایگزین یک پل چوبی که سال ۱۸۲۴ ساخته شده بود، شد. از ۵۰/۷۶ متر طول برخوردار است و ۴۰ متر ارتفاع دارد.



پل پونته ویکو در فلورانس ایتالیا

این پل قرون وسطی تنها پل شهر فلورانس است که در جنگ جهانی دوم شهر را نجات داد. در گذشته بخش پایینی پل مرکز حضور قصابی‌های شهر بود که در حال حاضر به منطقه‌ای برای فروش سوغاتی تبدیل شده است.



پل پونته نوف در پاریس فرانسه

این پل روی رود سن پاریس کشیده شده است و ۲۳۲ متر طول دارد. پل پونته نوف بین سال‌های ۱۵۷۸ تا ۱۶۰۷ بنا شده است.



پوئنته دی پیدرا در زاراگوزا اسپانیا

این پل بین سال‌های ۱۴۰۱ تا ۱۴۴۰ میلادی بنا شده است. در سال ۱۶۴۳ رو به نابودی رفت و در سال ۱۶۵۹ بار دیگر بازسازی شد. به خاطر وجود مجسمه شیر روی آن به پل شیر نیز معروف است.



پل خواجه در اصفهان

پل خواجه در قرن ۱۷ میلادی روی رودخانه زاینده‌رود کشیده شد. این پل ۱۳۳ متری از ۲۴ آرک تشکیل شده است.



پل چارلز در پراگ جمهوری چک

این پل در سال ۱۳۵۷ میلادی روی رودخانه والتاوا کشیده شد و تا آغاز قرن ۱۵ میلادی پابرجا بود و یکی از مهم‌ترین پل‌های ارتباطی پراگ با حومه محسوب می‌شد. در حال حاضر این پل یکی از مناطق گردشگری شهر پراگ است.



پوئنته نوآ در روندا اسپانیا

این پل بین سال‌های ۱۷۵۱ تا ۱۷۹۳ روی رود گوآدالوین کشیده شده است و ۱۲۰ متر طول دارد. گفته می‌شود در ساخت این پل ۵۰ کارگر جان خود را از دست داده‌اند. همچنین دو اتاقک زیر پل برای زندانی و شکنجه کردن زندانیان مورد استفاده قرار می‌گرفت. این پل در حال حاضر یکی از مناطق تفریحی و گردشگری در اسپانیا است.



پل کونیتسا در کونیتسا یونان

پل کونیتسا در سال ۱۸۷۰ به ارتفاع ۲۰ متر روی رود آئوس بنا شد.



استاری موست در موستار هرزه گوین

این پل روی رود نریتوا کشیده شده و بیش از ۴۲۷ سال دارد. در جنگ بوسنی (۱۹۹۳) این پل ویران شد و مرمت آن تا سال ۲۰۰۴ به طول انجامید.



ایران، سرزمین «ترین‌ها» های تاریخی و گردشگری

همیشه «ترین‌ها» جذابیت داشته است. همین ترین‌ها یکی از دلایل مهم سفر برای جهانگردان و گردشگران بوده است. این ویژگی به اندازه‌ای جذابیت دارد که بسیاری در حال ساخت آنها هستند. به عنوان مثال برجی در گوشه‌ای از دنیا ساخته می‌شود که فقط بلندترین برج جهان باشد و نامش را در میان برج‌ها معروف کند تا مقصد جهانگردان باشد. ایران اما محل خیلی از ترین‌هاست و بسیاری آن را نمی‌دانند. در این فهرست بیش از ده عنوان از «ترین‌ها» در ایران وجود داشت، بنابراین برخی از آنها را خارج از مطلب اصلی آوردیم. خواندنشان خالی از لطف نیست.



عظیم ترین بنای سنگی جهان

ساخت تخت جمشید یا آن طور که در کتیبه‌ها ثبت شده شهر مردمان پارسی، در ۵۵ کیلومتری شمال شرق شیراز و مقابل جلگه مرو دشت در سال ۵۱۸ قبل از میلاد به دستور داریوش اول آغاز شد و جمعا حدود ۱۲۰ سال به طول انجامید. این مجموعه عظیم با مساحت ۱۳۵ هزار مترمربع، بزرگترین مجموعه باشکوه هخامنشی است که همه از سنگ ساخته شده. جالب است بدانید میان سنگها هیچگونه ملاتی استفاده نشده و سنگها به یکدیگر چفت شده‌اند. البته در برخی موارد بستهای آهنی معروف به دم چلچله‌ای مورد استفاده قرار گرفته است. مجموعه تخت جمشید شامل هفت کاخ (تالار)، نقوش برجسته، پلکانها، ستونها و دو آرامگاه سنگی است.



گرم ترین نقطه کره زمین



بیابان لوت در ۸۰ کیلومتری شمال شهداد، تپه‌ای مملو از گدازه‌های آتشفشانی با مساحتی معادل ۴۸۰ کیلومتر مربع که گندم بریان می‌خوانندش و گاه نیز ریگ سوخته، گرم ترین نقطه کره زمین است با دمایی معادل ۶۷ درجه سانتیگراد در سایه! در گندم بریان در فضایی با طول ۲۰۰ کیلومتر و عرض ۱۵۰ کیلومتر هیچ نوع زندگی جریان ندارد و شرایط به گونه‌ای است که علاوه بر گیاهان و حیوانات، حتی باکتریها نیز توان زنده ماندن ندارند. در نتیجه اجساد تجزیه نشده و فقط بر اثر تابش خورشید خشک می‌شوند. تا پیش از کشف این منطقه توسط پروفیسور کردوانی تصور می‌شد صحرای لیبی در شمال صحرای آفریقا با ۵۷/۷ درجه سانتی گراد گرمترین نقطه کره زمین باشد؛ اما اکنون گندم بریان گرمترین نقطه زمین است. اگر قصد سفر به قطب گرمایی کره زمین را دارید، بین آبان تا فروردین ماه، بار سفر ببندید.

طولانی ترین غار نمکی جهان

غار نمکدان در جزیره قشم حدود ۶۵۸۰ متر طول دارد. تا پیش از کشف این غار، غار نمکی سدوم در فلسطین با داشتن طولی معادل ۵۶۸۵ متر به عنوان طولانی ترین غار نمکی جهان قلمداد می‌شد. جریان آب نمک در کف غار، از چشم‌اندازهای دلپذیر آن است. رطوبت جزیره و نفوذ آب در غار، سبب فروچکیدن آب نمک اشباع شده بر بدنه قندیلها می‌شود که شکل آنها را پیوسته دگرگون می‌کند. غار نمکدان دارای یک دریاچه نمک به ژرفای یک متر در فاصله ۱۶۰ متری دهانه ورودی است. از دل کوه نمکدان، یک جریان آب زیرزمینی همیشگی می‌جوشد که راه را به بیرون گشوده و پس از حل کردن نمک در راه خود، به شکل چشمه نمک در دامنه کوه نمایان می‌شود. این چشمه در گودال روبروی خود، حوضچه‌ای طبیعی به رنگ سفید پدید می‌آورد.



بلندترین برج آجری جهان



برج یا گنبد قابوس سال ۳۷۵ خورشیدی به دستور قابوس بن وشمگیر از پادشاهان آل زبیر در جرجان (گنبد کاووس فعلی) پایتخت این حکومت به عنوان آرامگاه وی ساخته شد. این بنا با آجرهای دنباله‌دار و ملات و به شکل یک استوانه چند وجهی ساخته شده است که شامل پی و صغه بنا، سردابه، بدنه و گنبد مخروطی است. برج قابوس بر فراز تپه خاکی که حدود ۱۵ متر از سطح زمین بلندتر است، قرار دارد. ارتفاع برج ۵۵ متر است که با احتساب بلندی تپه، در مجموع ۷۰ متر ارتفاع از سطح زمین دارد.

بزرگترین بافت خستی جهان

یزد یکی از مهمترین شهرهای زنده و تاریخی کشور است که مجموعه‌ای کامل از بناهای دوره‌های مختلف زمانی شامل بازارهای قدیمی، مسجدها، باغ‌ها، عمارات، آتشکده‌ها و... را در خود جای داده است. این شهر علاوه بر آنکه بزرگترین بافت خستی جهان است، با ۷۴۳ هکتار عرصه و ۵ هزار هکتار حریم، دست نخورده‌ترین بافت تاریخی کشور محسوب می‌شود.



کهنسال ترین درخت سرو جهان



یکی از پیرترین جانداران جهان، سرو ابرکوه با عمری حدود ۴۰۰۰ تا ۴۵۰۰ سال است. گرداگرد تنه این درخت روی زمین، ۱۱/۵ متر و بلندای آن ۲۵ تا ۲۸ متر برآورده شده است. در برخی اساطیر، کاشت این درخت زیبا به زرتشت نسبت داده شده است.

داغ‌ترین چشمه جهان

چشمه آبگرم قینرجه در جنوب مشکین شهر و در ارتفاع ۱۲۴۰ متری دامنه شمالی سبلان در مجاورت چهار چشمه معدنی دیگر قرار دارد. این چشمه با دمای ۸۶ درجه سانتیگراد، داغ‌ترین چشمه کلرایدی جهان است که دارای سه دهنه است. با توجه به خواص درمانی عناصر موجود در آن بخصوص گوگرد بالا، برای درمان لنفاتیسم، راشیتیسم و روماتیسم‌های مزمن سودمند است. دمای بالای این چشمه تسکین‌دهنده درد و ضد تورم است. در کنار چشمه آبشاری است که بر زیبایی و جاذبه گردشگری چشمه قینرجه افزوده است.



بزرگترین جزیره غیرمستقل جهان



قشم، بزرگترین جزیره غیرمستقل دنیاست که در حساس‌ترین نقطه استراتژیک خلیج فارس و در دهانه تنگه هرمز واقع شده است. طول جزیره حدود ۱۲۰ کیلومتر و عرض جزیره در نقاط مختلف متفاوت است. بیشترین عرض جزیره، مابین لافت و شیب دراز است. عرض متوسط جزیره را می‌توان معادل ۱۴ کیلومتر در نظر گرفت. بخش وسیعی از کرانه‌های شمالی جزیره با جنگل دریایی حرا به وسعت ۱۵۰ کیلومتر مربع پوشیده شده است. جزیره قشم با مساحت ۱۴۹۱ کیلومتر مربع از ۲۳ کشور دنیا وسیع‌تر است. به طور مثال قشم ۲/۵ برابر سنگاپور و بحرین و سان مارینو، ۱/۵ برابر هنگ کنگ، ۵ برابر مالدیو و ۷۰ برابر ماکائوست.



قدیمی‌ترین بنای خستی جهان

دژ زیبای نارین قلعه در میبد که مردم محلی نارنج قلعه می نامندش، شاخص ترین اثر بازمانده از شهرسازی قدیم محسوب می شود. نارین قلعه دارای ارزش تاریخی، جغرافیایی، معماری و شهرسازی، سیاسی، نظامی، مذهبی و اسطوره‌ای است. این بنا بر فراز تپه‌ای ساخته شده تا بر تمام منطقه اشراف داشته باشد. به این دلیل از فاصله بسیار دور قابل رویت است. زمان ساخت نارین قلعه براساس اسطوره‌هایی به دوره حضرت سلیمان برمی‌گردد.



باستانی‌ترین پل قابل استفاده جهان

این پل که در مرکز شهر دزفول قرار دارد، شرق و غرب این شهر را به هم پیوند داده و از دیرباز محل تردد میان شهرهای شوشتر، اندیمشک و دزفول بوده است. تاریخ پل دزفول به سال ۲۶۰ میلادی، زمانی که شاپور اول ساسانی با استفاده از ۷۰ هزار اسیر رومی اقدام به ساخت این پل مستحکم کرد، برمی‌گردد. این پل دارای ۱۴ دهنه است و آب رودخانه دز از آن می‌گذرد. این پل در دوران عضالدوله دیلمی، صفویه و پهلوی مرمت و بازسازی شد؛ اما پایه‌هایش همچنان بدون تغییر، یادگاری از عصر ساسانی است.

پرسشنامه نظرسنجی

با سلام و عرض ادب خدمت خوانندگان محترم ماهنامه پیام‌آبادگران دریافت دیدگاه، نقطه نظر، ارائه طریق و پیشنهادهای ارزنده شما برای بهبود و توسعه کیفی و اثربخشی ماهنامه پیام‌آبادگران از اهمیت فراوانی برخوردار است. از این روی امیدواریم با پاسخ دادن به چند سوال کوتاه ما از دیدگاه خودتان و پیشنهادهای اصلاح و توسعه ماهنامه یاری رسانید.

- ۱- عملکرد ماهنامه را در انعکاس مسائل صنفی و پیشبرد آن چگونه می‌بینید؟
نظری ندارم ضعیف متوسط خوب عالی
 - ۲- مطالب نشریه در جهت اطلاع رسانی از مسائل روز صنف از چه کیفیتی برخوردار است؟
نظری ندارم ضعیف متوسط خوب عالی
 - ۳- عملکرد کمیسیون انتشارات و دست اندرکاران نشریه را چگونه می‌بینید؟
نظری ندارم ضعیف متوسط خوب عالی
 - ۴- راههای پیشنهادی به مشکلات صنفی را در ماهنامه چگونه ارزیابی می‌کنید؟
نظری ندارم ضعیف متوسط خوب عالی
 - ۵- انعکاس مطالب ارائه شده میان سندیکا با نهادهای ذریع را چگونه ارزیابی می‌کنید؟
نظری ندارم ضعیف متوسط خوب عالی
 - ۶- نظراتان در مورد درج مطالب به شکل موجود چیست؟
نظری ندارم ضعیف متوسط خوب عالی
 - ۷- بازتاب بیرونی ماهنامه چگونه است؟
نظری ندارم ضعیف متوسط خوب عالی
 - ۸- چنانچه پیشنهادی برای بهبود ماهنامه در حل مشکلات پیمانکاران دارید به صورت گزاره خبری بیان کنید؟
پیشنهاد می‌شود:
- برای وقتی که برای تکمیل پرسشنامه صرف کردید و نظر خود را مطرح کردید از شما تشکر و قدردانی می‌شود. لطفاً پاسخ خود را به ایمیل یا فکس سندیکا ارسال نمائید.
- کمیسیون انتشارات



هیئت مدیره سندیکای شرکت‌های ساختمانی ایران یاد و خاطره بزرگ
مرد صنعت احداث مرحوم مهندس بهاءالدین ادب رئیس هیئت مدیره
سابق خود را گرامی می‌دارد.

**باید که در زمانه، بسی روز و شب شود
قرنی تلاش و کوشش و جوشش سبب شود
تا مادر وطن، پسری آورد به بار
فرزند خوب مردم ایران، «ادب» شود**

**کی رفته‌ای ز یاد
عزت تو را زیاد**

نامت نامی و یادت گرامی

بیست و پنجم مردادماه، هشتمین سالگرد غروب
مردی، از تبار دانایی و دیار توانایی است.
مرحوم ادب، نماینده مردم سنندج، کامیان و دیواندره،
در دوره پنجم و ششم مجلس شورای اسلامی بود.
او نه تنها نماینده مردم بلکه نماینده واقعی بخش
خصوصی کشور هم بود. ادب مدافع پی‌گیر، پرتلاش
و خستگی‌ناپذیر استیفای حقوق بخش خصوصی ایران
بود و در این راه، به حق از تمامی ظرفیتهای قانونی

نمایندگی خود بهره می‌گرفت.
ادب، مردی بود که ادب را با آداب درآمیخته بود.
انسانی که به افق‌های پاک و اندیشه‌های تابناک
تعلق داشت. مهندسی که دانش فنی و مهندسی
را با دغدغه‌های انسانی و اجتماعی درهم تنیده و
از آن معیاری، برای شاخص‌های ارزش‌های اخلاقی
ساخته بود.

مهندس ادب خورشیدی که از فراز قله‌های آبی‌در
زاگرس بر دمید و قد کشید در بهت و ناباوری، در
دامنه‌ی کوه‌های البرز به غروب نشست. آثار ذهن وقاد و
دانش نقاد ادب، به عنوان سامانه‌ها و سازه‌های ملی، در
جای‌جای میهن عزیزمان، جلوه‌نمایی می‌کند. مهندس
ادب شاهد مثال این شعر پارسی بود (که مصادره به
مطلوب شده است):

به که ماند نام نیکی ز آدمی
همره سامانه‌های زرنگار
یادش گرامی و روانش شاد باد.

اوست پایدار

با دربیغ و تأسف خبر درگذشت دوست و همکار گرامی

مهندس کاظم کریمی ریاست هیأت مدیره شرکت پاریز



را دریافت کردیم این سوگ بزرگ را به خانواده آن مرحوم، مهندسان و کارکنان شرکت پاریز تسلیت عرض می نماییم. برای آن شادروان غفران الهی و برای بازماندگان محترم طول عمر با عزت آرزو مندیم

هیأت مدیره و بازرسان سندیکای شرکتهای ساختمانی ایران

اوست پایدار

با دربیغ و تأسف خبر درگذشت دوست و همکار گرامی

مرحوم مهندس بهروز بهنام مدیرعامل شرکت ساختمانی دژک



را دریافت کردیم این سوگ بزرگ را به خانواده آن مرحوم، مدیران، مهندسان و کارکنان شرکت دژک تسلیت عرض می نماییم. برای آن شادروان آمرزش ابدی و برای بازماندگان محترم صبر و شکیبایی مسئلت داریم.

هیأت مدیره و بازرسان سندیکای شرکتهای ساختمانی ایران

جناب آقای مهندس فرامرز مفتخر

مدیرعامل محترم شرکت پارتانا

خبر فوت ابوی گرامی جنابعالی موجب تأثر و تأسف هیأت مدیره سندیکای شرکتهای ساختمانی گردید. با آرزوی سلامتی برای جنابعالی و خانواده محترمتان غفران و رحمت الهی برای آن مرحوم از خداوند منان خواهانیم.

هیأت مدیره و بازرسان سندیکای شرکتهای ساختمانی ایران



امین سیستم

ارائه دهنده نرم افزار حسابداری، انبارداری، حقوق و دستمزد، پرسنلی، اموال، خزانه داری و... با زبان نیرومند visual c++ در محیط ویندوز، به صورت تک کاربره و شبکه دارای قفل سخت افزاری نصب و سه جلسه آموزش رایگان در محل با بیش از ده سال سابقه در امر فروش نرم افزارهای مالی و مالیاتی در شرکتهای ساختمانی، راه سازی، فنی و مهندسی، پیمانکاری، تولیدی و بازرگانی

خیابان گاندی جنوبی، نبش پالیزوانی یا
هفتم پلاک ۲۳ واحد ۲ (امین سیستم)
تلفن: ۸۸۴۸۰۸۰۹ - ۸۸۱۰۷۶۳۵

یک دستگاه

تاور کرین ۲۹-۳ F

بتن به همراه تمام قطعات

اصلی شامل کالسکه -

جک - پمپ و ...

همگی فابریک

به ارتفاع

۴۰ متر و طول

فلاش ۵۰ متر

به فروش می رسد.

تلفن: ۰۹۱۲۱۰۷۴۹۵۹

رضایی

